



سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

راهنمای آثار باستانی

# جزیره خارک

نوشته: علی اکبر مدرس راز

از انتشارات:

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

سال ۱۳۳۵ شمسی

راهنمای آثار باستانی

# جزیره خارک

نوشته: علی اکبر سرشار



Central Library  
Tehran University

از انتشارات:

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

سال ۱۳۳۵ خورشیدی

سایر انتشارات

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

- ۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران  
تألیف: آقای نصرت‌الله مشکوتی
- ۲- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (زبان انگلیسی)  
ترجمه: آقای حسینعلی پسیان
- ۳- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (زبان فرانسه)  
ترجمه: آقای عیسی بهنام
- ۴- هنر آبیاری و سدسازی در ایران باستان  
تألیف: دکتر مهندس غلامرضا کریمی
- ۵- راه و رباط  
تألیف: آقایان محمد کریم پیرنیا - کرامت‌الله افسر
- ۶- میراث‌های تمدن ایران در سرزمین‌های شوروی  
نوشته: آقای دکتر پرویز ورجاوند

زیر چاپ

- ۱- مسجد جامع اصفهان در زمان آل بویه  
تألیف: اوژنیو گالدیری  
ترجمه: دکتر حسینعلی پسیان
- ۲- بررسی مقدماتی درباره مسائل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران  
تألیف: ام - ای - ویور  
(کارشناس یونسکو)  
ترجمه: آقای کرامت‌الله افسر

مقدمه

مقدمه

سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی کاخ شکوهمند ساحلی کورش کبیر در  
بrazجان ، که شهری است در کرانهی خلیج فارس ، بهمت هیئتی از  
باستان شناسان ایرانی و به سرپرستی نگارنده کشف شد پیدائی این  
کاخ و تلاشی که در راه پاکسازی و بازپیرائی آن به نقدجان به نمر رسید  
داستانی بس شنیدنی دارد که امید است بموقع و در جای خود عرضه شود.  
کشف این پدیده شگرف دردنیای باستان شناسی واقعه ای پراهمیت تلقی  
شد چرا که این بار نیز با زماندگان بزرگمردان باستانی توانستند از  
درون این اثر نقبی دیگر به سینهی تاریخ ایران باستان بکشایند و از  
این رهگذر بر کی دیگر برفتخارات سرزمین اهورائی بیفزایند.  
اگر طلبه ای از سرشوق درویرانهی ویراسته ای این کاخ که روزگاری  
عظمت اش بر فلک سایه می افکند گردشی کند و بچشم دل برشالودهی  
آن بنکرد، بگوش جان ازهر نکه موزائیک خوش طرح و هر پایه ستون  
خوش تراش اش آوازی خواهد شنید که حماسه های شگفت آفرین قوم  
ایرانی را از قعر تاریخ به زبانی گرم و عبرت آموز بازمی گوید.

کتابخانه آذربایجان

RF ۹۹۳۰ الف

DS 325

X 352

کاخ شکوهمند

کتابخانه آذربایجان

کتابخانه آذربایجان

کح - حلی کورش گذشته از سبک بنا و پیرایه‌ها و آذین‌ها که  
بتمامی مخلوق فکر و هنر ایرانی است و از نظر سبک‌شناسی و زیبایی‌شناسی  
و شناختن جهان بینی و اندیشه‌ها و اسطوره‌ها دوره هخامنشی که ایرانی  
در آن پرده شده و مشخص یافته بود و میتواند منبع مطالعه اهل تحقیق  
و شرق‌شناسان و هنرشناسان جهان قرار گیرد، از سیادت می‌چون و چرای  
هخامنشیان بر دره‌ها دلالت می‌کند و نیز حاکی از آراستگی است که بزمان  
کورش شبکه عظیمی از راه دریائی وجود داشت و ناوگان ایرانی بر خلیج  
و پهنه وسیعی از اقیانوسها نظارت و فرمانروائی میکرد پیش از آنکه هرودوت  
مورخ یونانی از ایجاد شبکه راه دریائی دوره داریوش شاه یاد کند.  
اگر ساحل نشینان شب هنگام از کنار بقایای خاطره برانگیز کاخ  
کورش به خلیج بنگرند، شمله‌های تند و بلندی را خواهند دید که از  
دهانه لوله‌های گاز جزیره خارک با آسمان نیلی سرمی‌کشد و در دل امواج  
بیره خلیج بازیهای سگرفی داد. تیرگی شب، زبانه‌های سرکش و سرخ  
قام آتش و شبح شالوده‌ی کاخ بنیان‌گذار شاهنشاهی ایران چه‌تر کعب  
خوش‌نقشی را در هر خاطره‌ها زنده می‌کند: اعتقاد به ستیزابندی نور و  
تاریکی راز هستی قوم آریائی و اساس حکمت اشراق ایرانی بوده است.  
خارک؛ همه کوچک‌کی دنیائی است در میان هیاهوی امواج خلیج  
که یادگار قرن‌ها زندگی و تلاش انسانی را در بر دارد. این جزیره بدلیل  
موقع جغرافیائی و هم‌جواری با ساحل خلیج از دیرباز پایگاه دریائی و  
کانون روابط تجاری شرق و غرب بوده. از دور چه زیبا و امیدآفرین است  
منظره‌ی کشتی‌های کوه‌پیکری که برگرد خارک لشکر انداخته‌اند و چه  
نوید بخش است تصور هزاران کارگر و ملوان و کارگزاری که در راه  
فراهم ساختن بار و بنه‌ی کشتیها تلاش می‌کنند. خارک در دهه‌های اخیر

موقع دیرین خود را به گونه‌ای وسیعتر و با کیفیتی دیگر باز یافته و به  
منطقه‌ای صنعتی و تجارتي تبدیل شده است. در آنجا برنامه‌ای بزرگ  
و درازمدت اجراء میشود و از همین روی و بدلائل امنیتی و حفاظتی کمتر  
کسی از ساحل خلیج مجاز است که پای به جزیره بگذارد مگر با انجام  
تشریفات و کسب اجازه‌ای. اینروزها حتی برای اهل تحقیق پژوهش،  
کاوش در خاک خارک بسختی صورت میگیرد. نگارنده نیز مدتی پیش  
ار آنکه ترفیق دیدار جزیره نصیب شود، برای کسب آگاهیهای تاریخی  
آن بهتر آن دیدم که از مطالب کتب جغرافیای تاریخی که بهمت  
نویسندگان اسلامی فراهم آمده است و رسالات دانشمندان و محققین  
معاصر ایرانی که از جزیره خارک و یادگارهای باستانی‌اش یاد کرده‌اند  
مدد بگیریم. تا اینکه بهرحیل‌های بود در دل دوست راهی باز شد و باشوق  
طلبه‌ای منتظر در کوتاه مدتی از جزیره دیدن کردم و ضمن کاوش در محل  
باغچه قدیمی واقع در غرب خارک معروف به باغ صالح (باغشاه امروزی)  
تا آنجا که میسر بود کوشیدم تا عکسهای از آثار تاریخی و نماها و زوایای  
بناهای قدیمی خارک فراهم سازم و با استفاده از حاصل تجربیات پژوهندگان  
و مطالعه آثار پیش‌گسوتان و بهاستناد عملیات پژوهشی آنها کتابی را که  
پیش رودارید تدوین کنم به این امید که شاید از این رهگذر کوشش  
قرنهای قرن مردم این ملک ایزدی را سپاس گفته و روزی به گذشته‌ی بسا  
اهمیت این جزیره باز کرده باشم. اگر بتمامی نتوانستم حق مطلب را  
اداء کنم گناه از من نیست چرا که ما در آغاز کاریم. باید که روزی و  
روزگاری دیگران پابمیدان بگذارند و غنی‌تر کنند آنچه را که ما بنیاد  
کرده‌ایم و بکارند و بجویند آنچه را که ما از سر آن گذشته یا بچشم سر  
دیدهایم.

علی اکبر سرفراز

فصل اول در بیان کلیات و تاریخچه این رشته و اهمیت آن در ایران و جهان  
فصل دوم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل سوم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل چهارم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل پنجم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل ششم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل هفتم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل هشتم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل نهم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور  
فصل دهم در بیان اهمیت و نقش این رشته در توسعه و عمران کشور

هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس  
توجه علمای معرفت الارضی و باستانشناسان  
و مورخین و جغرافی نویسان و سیاستمداران و  
بازرگانان و جنگجویان را مشترکاً بخود معطوف  
ساخته باشد.

نایب سرهنگ آرتولد ویلسون (۱)

### پیدایش خلیج فارس

پیش از بوجود آمدن خلیج فارس بجای سرزمین ایران و عراق دریای وسیعی  
بنام دریای کرتاسه وجود داشت تا آنکه در نتیجه تحولات اواخر عهد میوسن و اوائل  
عهد پلیوسن از دوران سوم زمین شناسی (۲) که سبب پیدایش جبال زاگرس و رشته‌های  
جنوبی ایران و بطور کلی فلات ایران گردیده است خلیج فارس بوجود آمد.

بزعم متخصصین جغرافیای طبیعی و زمین شناسان در عهد پلیوسن که آخرین  
عهد از دوران سوم زمین شناسی و نزدیکترین عهد به دوران چهارم (دوران فعلی) است  
در قسمت ایران امروزی انفعالات زیادی رخ داد و در نتیجه آن شکل ظاهری زمین  
بصورت فعلی درآمد. بنابراین اعتقاد در عهد مذکور بر اثر بالا آمدن رشته‌های هیمالیا  
و آلپ و البرز دریای وسیع و کمربندی قدیمی (ته تیس) که قسمت اعظم آسیای فعلی  
را فرا میگرفت بقسمتهائی چند تقسیم گردید و رفته رفته جای خود را به جبال و

۱ - کنسول بریتانیا در ایران سال ۱۹۰۹ و مؤلف کتاب خلیج فارس .  
۲ - دوران سوم (نئوزوئیک) دارای چهار دوره مشخص ائوسن، الیگوسن، میوسن و  
پلیوسن است که ۳۵ میلیون سال قبل تخمین زده شده است.

فلوات حالیه آسیای مرکزی و جنوبی و غربی داد و تنها نشانه مختصری از آن بصورت دریاچه‌های خزر و آرال و دریای سیاه بجای ماند. و در این میان بر اثر پیدایش کوههای زاگرس در قسمت غرب فلات ایران و فرورفتگی در جنوب این فلات آب اقیانوس هند از طریق خلیج عمان بطرف غرب سرزیر شده خلیج فارس را در جنوب فلات ایران ایجاد کرد. در نتیجه ایجاد چین خوردگی و بوجود آمدن تاقدیس‌ها (آنتی - کلینالها) و ناودیس‌ها (سن کلینالها) در کف این دریا و در نتیجه ته نشست مواد آلی و بسیاری از عوامل دیگر ذخائر عظیمی از نفت در قشرهای تحت الارضی خلیج فارس بوجود آمده (۱) است که براهمیت و ارزش آن میافزاید این ذخائر نفتی که تا شعاع وسیعی اطراف خلیج را فرا گرفته یکی از ثروتمندترین منابع نفتی جهان بحساب می آید. (۲)

خوشبختانه این خلیج در ساحل شمالی بطول ۸۰۵ کیلومتر با خاگ ایران مجاور است و این طولترین حد مالکیت خلیج فارس است. تحقیقات باستانشناسی که تا کنون در این نواحی انجام گرفته مؤید آنستکه سواحل خلیج فارس و بعضی از جزایر آن از اعصار کهن مورد توجه اقوام ماقبل تاریخ قرار گرفته است. این کشفیات نشان میدهد که از هزاره سوم پیش از میلاد مردمی بصورت جامعه متشکلی در جزایر بحرین سکونت داشته اند پس از فتح بابل بدست کوروش کبیر در ۵۳۹ پیش از میلاد جزایر بحرین نیز که تحت تسلط بابل بود در حیطه تصرف فارس درآمد و چون ایجاد بحریه بازرگانی برای ایران ضرورت یافت جزایر بحرین پایگاه مهم دریائی ایران شد. (۳)

۱ - مهمترین حادثه دوره میوسن پیدایش مخازن نفتی از رسوبات گچی و نمکی از نوع سنگهای آهکی آسماری است.

۲ - نگاه کنید به کتاب شیخ نشین‌های خلیج فارس تألیف آقای پیروز مجتهدزاده صفحه‌های ۱۰ و ۱۳

۳ - نگاه کنید به صفحه ۵۲۴ کتاب اقلیم فارس تألیف آقای سید محمد تقی مصطفوی از انتشارات انجمن آثار ملی.

وجه تسمیه خلیج فارس :

بدون شك نامی که باین خلیج داده شده است مربوط به آن دسته از اقوام آریائی است که بواسطه مجاورت با خلیج فارس از آن استفاده میکردند و آنرا درایه تیه هچا پار سا آئی تی Draya Tya Hacha Parsa Ai Ty یعنی دریائی که از فارس میگذرد می خوانده اند. و مسلماً این نام اصیل و قدیمی را که قوم پارسی نژاد هخامنشی باین دریا داده اند، یونانیان نیز آنرا بهمین نام شناخته اند. هر چند از نام این خلیج در زمان ایلامیان اطلاعی در دست نیست ولی حفاریات اخیر هیش باستانشناسان ایرانی در برازجان که منجر به پیدایش کاخی باشکوه و ساحلی مربوط به آغاز سلطنت هخامنشیان گردید سیادت دریائی ایران را در این خلیج کاملاً به ثبوت میرساند. (۱)

استرابن جغرافی دان شهیر یونانی قرن اول میلادی ازین دریا بنام خلیج فارس یاد میکند.

سواحل خلیج فارس و جزایر مربوطه آن بعلت اهمیت قابل توجه و شایانی که از نظر ارتباط دریائی و انواع صیدها داشته پیوسته مورد توجه سلاطین هخامنشی بوده است و وجود کاخ باشکوه دیگری در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال کاخ برازجان از زمان هخامنشیان که از وضع ظاهری آن استنباط میشود در زمان داریوش بزرگ ساخته شده و در محل سنگ سیاه در حوزه آبادی نظر آقا از توابع شهرستان برازجان قرار دارد (۲) ثابت میکند که داریوش در خلیج فارس اقدام به ایجاد پایگاه عظیم دریائی نموده است و هر دو نام مورت نامی یونان نیز در این مورد می نویسد: داریوش کبیر

۱ - عملیات اکتشافی در این مکان در سال ۱۳۵۰ توسط نگارنده انجام گرفته است.

۲ - بنظر مبرس کاخی از سلاطین را که استرابون در محل تا او که در حاشیه خلیج فارس ذکر میکند و نه اردوک سردار اسکندر بسال ۳۲۶ ق. م در مکانی بنام مقاج نزدیک بوشهر یاد آور شده است و همچنین آریین کاخی را در ساحل خلیج فارس ذکر نموده است همین کاخ سنگ سیاه باشد. زیرا مشخصاتی را که این مورخین از کاخ سلاطین بیان میکنند بیشتر با کاخ سنگ سیاه تطبیق میکند که وضع ظاهری آن بعلت واقع شدن در بلندی و در کنار رودخانه دالکی آشکار بوده است ولی کاخ برازجان چون در مسیل قرار گرفته پس از چندی در زیر گل ولای مستور شده بود.

پس از فتح سند در حدود ۵۱۴ پیش از میلاد به دریا دار خود (سیلاکس کارباندی) که از یونانیان آسیای صغیر بود فرمان داد تا بحریه ای بر روی سند تشکیل دهد و راه بین هندوستان و مصر را کشف کند .

بنابر این خلیج فارس و جزایر آن در زمان هخامنشیان کاملا شناخته شده و حتی همانطور که گذشت جزایر بحرین در زمان کوروش کبیر بصورت يك پایگاه دریائی در آمده بود . در این دریای عظیم جزایر و بنادر متعددی وجود دارند که هر يك بعلت امتیاز خاصی مورد اهمیت و توجه واقع شده و از آن جمله است جزیره مرجانی خارک که در حدود ۱۴ هزار سال پیش بعلت کم شدن آب دریا نمایان گردیده است .

این جزیره که امروز بعلت وجود تأسیسات نفتی یکی از مهمترین مراکز صادرات نفت خام دنیا است در روزگار باستان بعلت نزدیکی به ساحل و بنادر و شهرهای بوشهر و برازجان و گناوه دارای اهمیت خاصی بوده است .

۱- عملیات اکتشافی جزیره خارک که در حدود ۱۴ سال پیش توسط هیئت باستانشناسان فرانسوی بسپرستی پروفیسور گریشمن انجام گرفت ثابت میکند که این جزیره از هزاره اول ق . م تا کنون متناوباً مسکون بوده است و با توجه به قرب مکانی و گذشته پرشکوه شهر بندری ریشهر که در ۱۲ کیلومتری جنوب بوشهر قرار گرفته است و همچنین تپه سبز آباد که در حدود ۶۰ سال پیش توسط پروفیسور پزارد فرانسوی حفاری گردید مؤید آنست که در این مکان اقوامی از دوره های کالکولتیک و برنز و ایلامی و ساسانی ساکن بوده اند .  
در ریشهر مرکزی از نواحی بزرگ ایلامی بوده که لیان نامیده میشده است . آثار لوحه های گلی بخط میخی که هم اکنون در موزه لورپاریس نگهداری میشود علاوه بر آنکه نام این شهر قدیمی را معلوم میسازد روشنگر آنستکه دامنه تصرفات قوم ایلامی نژاد حوزه شوش و انزان در جنوب تا بندر بوشهر میرسیده است ولی حفاریات اخیر باستانشناسان ایرانی و آمریکائی و ایتالیائی در کرمان و سیستان قلمرو تمدن ایلامی را بمراتب وسیعتر نشان میدهد .

برای اطلاع از چگونگی دامنه این متصرفات مختصری از سوابق تاریخی خلیج فارس را ذکر میکنیم .

### سوابق تاریخی خلیج فارس :

سوابق تاریخی خلیج فارس پیش از ورود بدوره تاریخی کاملاً روشن نیست ولی قدر مسلم اینستکه از هزاره چهارم قبل از میلاد جزو قلمرو حکومت قوم ایلامی بوده است . این قوم در دشتهای جنوب غربی ایران از حوالی شوش تا جنوب دجله و از طرف شرق تا بندر بوشهر و از شمال شرقی تا نزدیک شهداد و شهر سوخته زابل و از شمال در حوزه کوههای بختیاری تا ایذه (مال امیرخوزستان) ادامه داشته است . قوم ایلامی پیش از ورود بعصر تاریخی در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد مدتها بود که زندگی شهرنشینی را آغاز نموده و پایه گذار تمدنی شدند که بنام تمدن ایلامی شناخته شده است .

پیدایش خط تصویری که مقدمه ای برای خط پروتو ایلامی میباشد در جبهه جنوب و جنوب شرقی ایران و از آن جمله در تپه باستانی حوزه بافت کرمان معروف به تپه یحیی و در شهداد و همچنین در شهر سوخته دامنه نفوذ قوم ایلامی را در این نواحی به ثبوت میرساند . (۱)

ظرف سیمینی که متعلق به سه هزار و دو بیست پیش از میلاد که با خط پروتو ایلامی منقوش است و در ناحیه جلیل آباد بفاصله يك کیلومتری شمال شرقی تخت ج-شید بدست آمده (۲) و آثار نقوش برجسته دیگری از این قوم در نقش رستم و در زیر نقوش برجسته دوره ساسانی نمایشگر گسترش حکومت ایلامیان در منطقه فارس میباشد . (۳)

« سواحل خلیج فارس بویژه ناحیه بندر بوشهر در عصر پلاتینی ایلام یعنی اواخر هزاره دوم قبل از میلاد یکی از مراکز مهم دادوستد و واسطه راه دریائی شوش و

۱ - حفاریات اخیر باستانشناسی در تپه یحیی بافت توسط پروفیسور کارلوسکی از طرف دانشگاه هاروارد و در اطراف شهداد توسط مهندس علمی حاکی از طرف موزه ایران باستان و در شهر سوخته زابل توسط دکتر توتزی از ایتالیا بعمل آمده است .

۲ - این جام سیمین بی نظیر بطور اتفاقی کشف گردید و نگارنده که برای تحویل گرفتن آن اعزام شده بودم در محل مکشوفه اقدام بعملیات گمانه زنی نمودم و بقایای آثار دیگری ضمن گمانه زنی از دوره ایلامی ظاهر شد .

۳ - ابالات ساحلی ایران در زمان ساسانیان نیز شامل عراق و خوزستان و کرمان مکران بوده است .

هندوستان بوده است و یقیناً بصورت يك پایگاه رابط جناحین قلمرو حکومت ایلامی را بهم مربوط و امنیت سیاسی و اقتصادی را حفظ میکرده است .

در مورد اهمیت این منطقه از خلیج فارس در عصر ایلام پروفیسور آمیه مؤلف و محقق تاریخ ایلام مینویسد: گسترش حوزه حکومت ایلامیان بسمت جنوب شرقی تاجزیره لیان در خلیج فارس که پیوسته مورد نظرشان بوده ادامه یافته و میبایستی دامنه نفوذشان تا مرکز فارس که ۷۰۰ سال بعد تخت جمشید در آن بنا شدن نیز کشیده شده باشد . (۱)

در مورد بندر بوشهر پروفیسور گریشمن در کتاب ایران از آغاز تا اسلام چنین می نویسد : سلوکیان کمتر از نه شهر در ساحل خلیج فارس بنا نکرده اند و از آن جمله انطاکیه در پارس (بوشهر امروزی) که جانشین شهر کهن ایلامی گردیده است . (۲) « بنا بر این با توجه بوسعت دامنه متصرفات ایلامیان اگر بعلمت عدم امکانات در آن زمان اقوام ایلامی در جزیره خارک ساکن نشده اند ولی حداقل پای آنها باین جزیره که با کشتی های بادی بیش از ۳ یا ۴ ساعت راه از لیان نبوده رسیده است . (۳) » همچنانکه گذشت زمان هخامنشیان را باید در واقع دوران آشنائی کامل با این

۱ - کتاب تاریخ ایلام تألیف پروفیسور پیر آمیه ترجمه خانم شیرین بیانی صفحه ۵۲  
۲ - یقیناً منظور پروفیسور گریشمن از شهر قدیمی ایلامی همان لیان است . ویرانه های شهر ایلامی در ۱۲ کیلومتری شمال بوشهر و در محل ریشهر (دیوآردشیر) واقع شده در عصر ساسانی ریشهر بصورت یکی از بنادر مهم تجارتی بوده است و تا زمان اشغال پرتقالیها این بندر مورد استفاد بوده، موسی خورنی مورخ ارمنی ریشهر را مرکز فروش دانه های مروارید ذکر کرده است و حمداله مستوفی در این باره مینویسد : ریشهر را لهراسب پادشاه کیانی بنا نموده و شاهپور اول عمارت آنرا تعمیر و مرمت کرده است . ولی بنظر میرسد که این بندر با مر اردشیر اول مؤسس سلسله ساسانی بوجود آمده و ریو اردشیر نام داشته است . ریشهر یکی از مراکز مهم دادوستد شرق و غرب و مخصوصاً مرکز تجارت احجار کربمه و مروارید بوده و هم اکنون قطعات ریز و درشت طبیعی سنگهای جگری رنگ معروف به Opal بطور پراکنده در این مکان بیچشم میخورد .

بهر جهت بتدریج که بوشهر دایر گردید ریشهر رونق خود را از دست داد همانطوریکه برازجان جانشین لیان شهر ایلامی گردید .

۳ - يك قطعه سنگ جگری رنگ طبیعی شبیه عقیق (Opal) که بحد فو و در قلمه ریشهر وجود دارد در محوطه خارک یافت شده که دال بر ارتباط کهن این جزیره با ریشهر است .

شاهراه دریائی که شرق و غرب را بهم می پیوسته دانست ، جزیره خارک نه تنها کشتیها برای تأمین آذوقه و آب آشامیدنی در کنارش لنگر میانداختند بلکه غواصان بمنظور صید بهترین مرواریدی که در اطراف این جزیره از آن بهره میگرفته اند مورد توجه بوده است .

اغلب مورخین و جغرافی دانان و سیاحان دوره اسلامی از مرغوبیت نوع مروارید خارک یاد کرده اند .

هیأت باستانشناسان بریتانیا در ایران بسرپرستی دکتر دیوید استروناخ ضمن کاوشهای علمی خود در پاسارگاد قریب ۱۰ سال پیش بگنجینه نفیسی از زیورآلات دست یافت که از جمله تزئینات با ارزش این دفتینه مرواریدهای غلطان خلیج فارس بوده . آیا این مرواریدهای مرغوب ارزشمند محصول جزیره خارک نیست ؟

آیا مرواریدهایی که کلاه و گردن بند و لباس شاهان ساسانی را مزین میساخت محصول صید مرواریدهای این جزیره نبوده است ؟ با توجه باینکه شهر ایلامی لیان که در زمان ساسانیان تجدید حیات یافت و بنام ریو اردشیر خوانده شد کانون مسیحیان ایرانی و مرکز فروش مروارید جزیره خارک بوده است . (۱)

#### سوابق تاریخی و جغرافیائی جزیره خارک :

جزیره خارک قریب ۱۰ کیلومتر طول و بیش از ۴ کیلومتر پهنا دارد و مرتفع ترین قسمت آن از ارتفاعات شمالی - جنوبی است که از سطح دریا ۷۵ متر ارتفاع دارد . این جزیره از صخره های مرجانی تشکیل شده است که تمامی آن مملو از فسیل و صدف حیوانات و حشرات يك میلیون سال پیش است ، سواحل شمالی و غربی جزیره مرتفع تر از جنوب و شرق آنست . دامنه این ارتفاعات که بتدریج از بلندی آن کاسته میشود در قسمت وسیعی را در قسمت شرقی آن تشکیل داده است که بعلمت ایمنی از وزش بادهای شدید شمالی برای سکونت مستعد میباشد و بهمین علت بقایای سکونت گذشته باستانی معابد که طبعاً در نقاط مرتفع ساخته میشود در این قسمت ایجاد شده و در روزگار

(۱) در قرن سوم میلادی میشان ، شوش و حتی بحرین دارای مراکز اسقف نشین مسیحی

بوده است و شاهپور پسر اردشیر هنگام حمله به فرب بسیاری از اسیران مسیحی را باین مراکز کوچ داد که بنفوذ مسیحیت کمک میکرد .

باستان نیز کرانه این قسمت از جزیره بصورت بندر ارتباطی ساحل نشینان با جزیره و پناهگاه امنی برای دریانوردان از خطر طوفان محسوب میشده است و شاید بهمین سبب بوده که اعراب جزیره خارک را وطن ناخدایان نامیده اند . (۱)

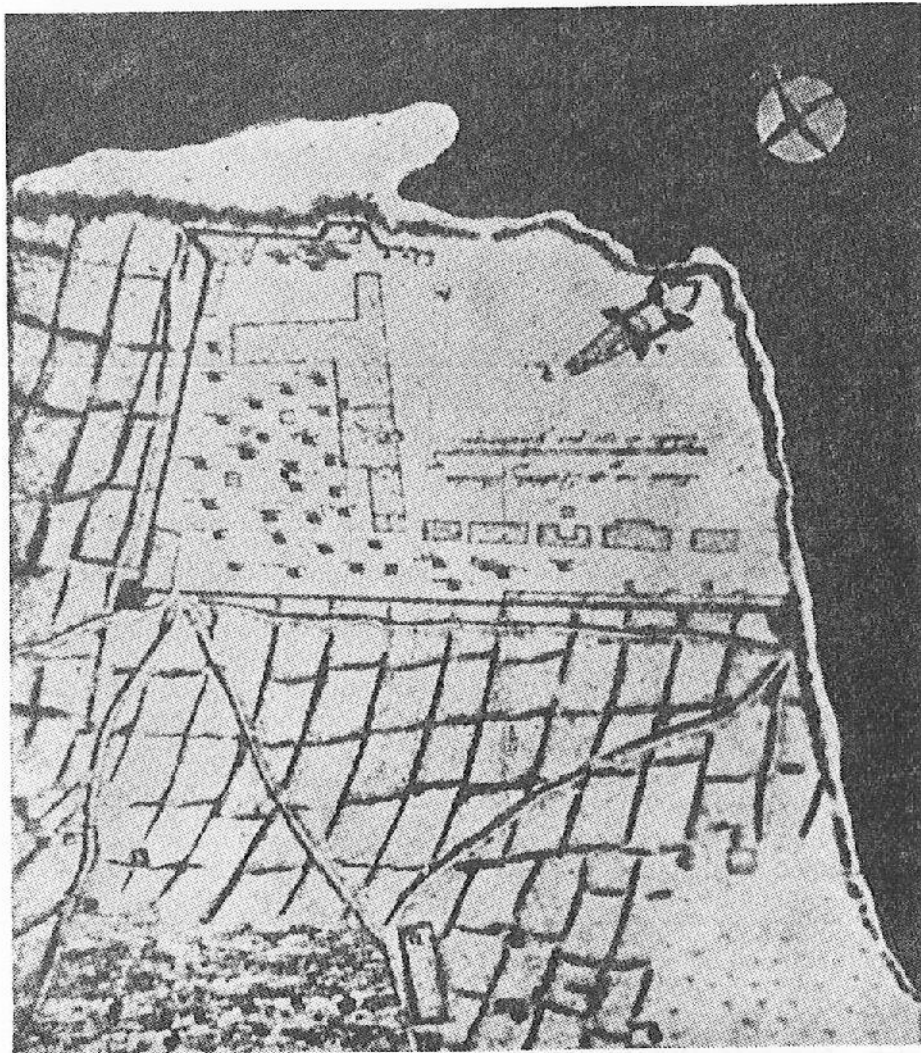
فاصله جزیره خارک تا بندر بوشهر ۵۸ کیلومتر و تا بندر گناوه که در سمت شمال شرقی آن قرار گرفته ۳۷ کیلومتر و تا بندر ریگ فقط ۳۰ کیلومتر است . این جزیره در ۲۹ درجه و یازده دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه و ۳۹ ثانیه شرقی از گرینویچ قرار گرفته و ۲۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و بعلاوه صخره‌ای بودن با وجود بارندگی آب را فرو نمیکشد و در نتیجه چشمه سطحی و یا جویباری در این جزیره وجود ندارد ولی در عمق ۶ تا ۷ متری یکرشته آب شیرین وجود دارد (۲) که در قدیم با حفر قنوات متعدد آب آشامیدنی و قابل زراعت اهالی را تأمین مینموده است .

« اکثر سیاحانی که در دوره اسلامی از جزیره خارک دیدن کرده‌اند نوشته‌اند در این جزیره خرما، مرکبات، انگور، انار، سیستان بعمل می‌آمده است و از سبزیجات پیاز و سیر، چغندر، بادجان، و صیفی‌جاتی مانند هندوانه و خربزه و خیار را ذکر کرده‌اند. ولی اکنون در جزیره خرما و لیموی خارجی بعمل می‌آید . از برکت چشمه‌ای که در جنوب جزیره جاریست هم اکنون باغی مشجر و میوه‌دار که بنام باغ عبدالرسول خان معروف است وجود دارد .

و از باغهای قدیمی قسمت غربی باغ صالح است که در زمان ساسانیان بوجود آمده و تا اواخر دوره ساسانی نیز آباد بوده و از اسم آن معلوم میشود که در دوره اسلامی نیز از آن استفاده می‌شده است و این همان باغی است که تأسیسات ملی نفت تصمیم به احیاء آن گرفت و هم اکنون باغشاه نامیده میشود .

۱ - هم اکنون نیز قایق‌های ماهیگیری پاکستان در هنگام هوای طوفانی دریا در کنار این جزیره پهلو میگیرند .

(۲) آب بارانی که از حوالی بهمن تا خرداد به فراوانی میبارد از پوشش متخلخل جزیره نفوذ میکند و بر روی طبقات گلرس تحتانی انبار میشود و همین آب ذخیره شده است که در تمام سال چاهها را دایر نگه میدارد ، از این رگه‌ها و مخازن زیر زمینی آب باران قناتهایی نیز در آورده‌اند که از قدیم الایام تا کنون جاریست (نقل از صفحه ۵۴ کتاب خارک در تیمم خلیج بقلم دانشمند فقید جلال آل احمد) .



طرح منازل هلندیها در جزیره خارک که توسط کارستن نیپور در سال ۱۷۶۰ تهیه شده است

وجه تسمیه جزیره خارک :

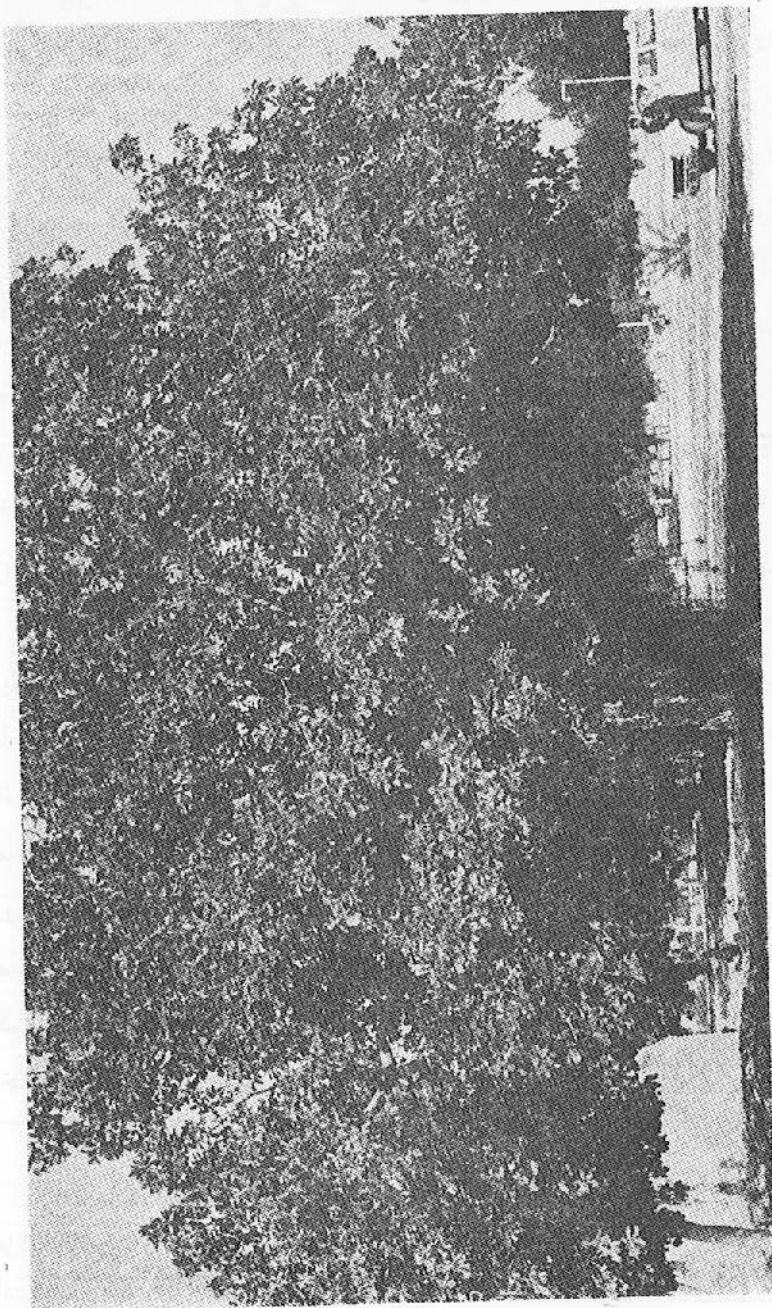
قدیمترین نامی که از جزیره خارک در دست می باشد مربوط به دوره اسلامی

و قرن سوم هجری است . (۱)

در این زمان شاعر معروف خارکی که منتسب باین جزیره می باشد در زمان خلافت مامون خلیفه عباسی ۱۹۸ - ۲۱۸ میزیسته است. در قرن چهارم نیز در حدود العالم نام جزیره خارک و معروفیت صید مرواریدش یاد شده است این نویسنده ناشناس می نویسد «شهری است بزرگ و خرم مراورا خارک گویند نزدیک آن مروارید یابند.» این حوقل در قرن چهارم هجری می نویسد مردم زیادی و تجارت و واردات و صادرات دارد. مسعودی در مروج الذهب آنرا از بلاد گناوه و دارای مغاض (مروارید خارکی) توصیف می کند. در کتب مسالك المالك استخری و فارسانمه هر دو از خارک نام میبرند و ابن بلخی جزیره خارک را از توابع کوره قباد ( تقسیمات ایالتی زمان ساسانی) ذکر میکند .

حمدالله مستوفی در نزهت القلوب بسال ۷۴۰ نوشته است «خارک جزیره ای است فرسنگی در فرسنگی و او را از کوره قباد خوره شمرده اند . و در آنجا زرع و نخل است و میوه و غله نیکو بود و غوص مروارید آنجا بهتر و بیشتر از جزایر دیگر است» یا قوت حموی جغرافی دان قرن هفتم در معجم البلدان نوشته است «خارک جزیره ای است در دریای فارس و کوهی است بلند و چون کشتی ها از بصره برای عمان حرکت کنند در صورت باد مناسب يك شبانه روز به آنجا میرسند و این جزیره

۱ - تصور میرود پیش از اسلام نیز جزیره به همین نام معروف بوده است کما اینکه جزیره کوچک غیر مسکونی خارکو در ۳ کیلومتری جنوب خارک نامی است بکر و تحریف نشده . لسترنج Lestrance خاورشناس انگلیسی ۱۸۵۴ - ۱۸۸۰ در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ترجمه محمود عرفان صفحه ۲۸۱ باین مطلب اشاره کرده است وی می نویسد: جزیره خارک که از دهانه رودخانه شاپور دور است از توابع ولایت اردشیر خوره (تقسیمات ایالتی پارس در زمان ساسانیان) و لنکر گاه کشتی هائی بود که از بصره بطرف جزیره قیس و هندوستان میرفتند . و همچنین دانشمند فقید جلال آل احمد در کتاب خارک در یتیم خلیج، در این مورد می نویسد: جغرافیا نویسان اسلامی که آثارشان از قرن سوم هجری به بعد در دسترس است همه نام این جزیره را نه به ضبطی که امروز می شناسیم آورده اند (ابو اسحاق فارسی) نویسنده قرن سوم هجری آنرا (خارک) دانسته است .



درختان تنومند لیل ( لور ) از جمله درختان سرسبز و خرم و زینت بخش این جزیره است .  
طول عمر لیل یا انجیر معبد را در حدود ۲۰۰ سال ذکر کرده اند

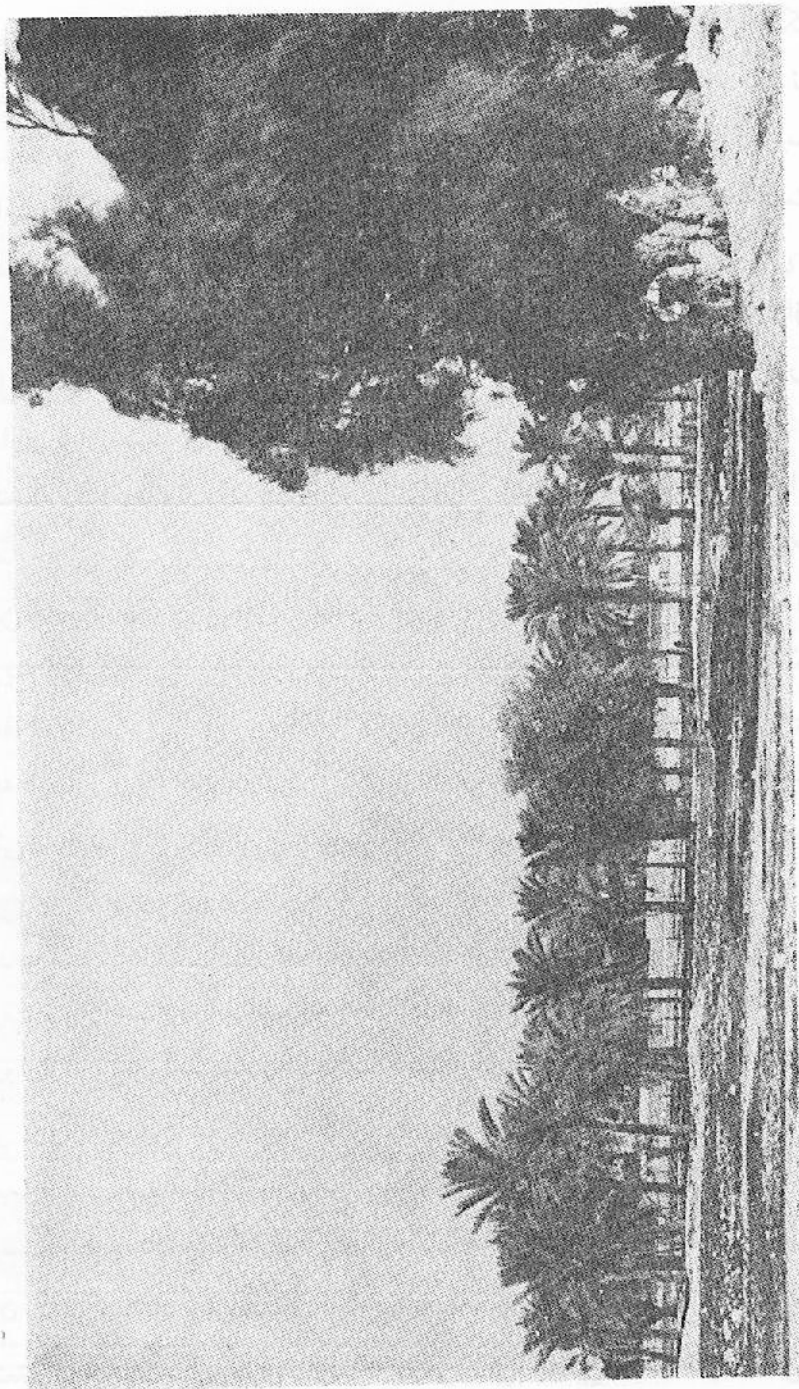
از مضافات فارس است . در مقابل خارک در خشکی جنابه (۱) و مهر و بان است اشخاص تیزبین میتوانند از جنابه و مهر و بان خارک را ببینند و بالعکس ، و من بیش از یک بار به آنجا رفته و در آنجا مزاری دیدم که مردم بزیارتش میرفتند و مدعی بودند که قبر محمد بن حنفیه است و حال آنکه تاریخ از قبول این ادعا ابا دارد» لسترنج جزیره خارک را از توابع ولایت اردشیر خوره و لنگرگاه کشتی‌ها که از بصره بطرف جزیره کیش و هندوستان می‌رفتند ذکر میکند . ولی بهترین توصیفی که در مورد جزیره خارک وجود دارد مربوط به دوره قاجاریه بقلم محمد ابراهیم نادری کازرونی است . (۲)

محمد ابراهیم نادری کازرونی در گزارش خود بدربار محمد شاه قاجار تحت عنوان (حقایق نگاری جزیره خارک) نوشته است «در جنب شمال ابو شهر بجهازرام مسافت که بعبارت اخری شانزده فرسنگ راه است واقع و جزیره مذکور را یک فرسنگ عرض و دو فرسنگ طول است که دوره آن شش فرسنگ یافته‌اند و از ساکنین آن جزیره مسموع گردید که پیاده توان در پنج ساعت دوره جزیره مذکور را گردید .

الحق جزیره (ئی) میباشد دلگشا با فسحتی فرح‌زا در سمت مغرب و جنوب گریوه استان و کوه‌های کوچک و زمینهای بلند و پست که ساکنین آن حدود ماهور مینامند واقع ، و قلعه که یک هزار و دو بیست قدم دوره آن است در صبای آن بنا نهاده‌اند که توقف اهل آنجا و بیوتات ساکنین جزیره در آن قلعه است و در اطراف محل مذکور حصاری از سنگ و گل کشیده‌اند ؟ هشت برج با فاصله یک تیر تفنگ دورانداز در آن بار و بنا نهاده‌اند و داخل و خارج آن قلعه بی نهایت با صفا و بحد کمال فرح‌زا و در آن حصارخانه‌های آنجا را باغچه‌های مخضر و مشجر و غالب اشجار آنها نخل و انار و انگور و انجیر و سپستان و لور میباشد و لور درختی میباشد قوی نهاد و کمال بزرگی شاخهای قوی بهم میرساند و اهل دربار با اختلاف نام آن درخت (را) می‌نامند و بعضی

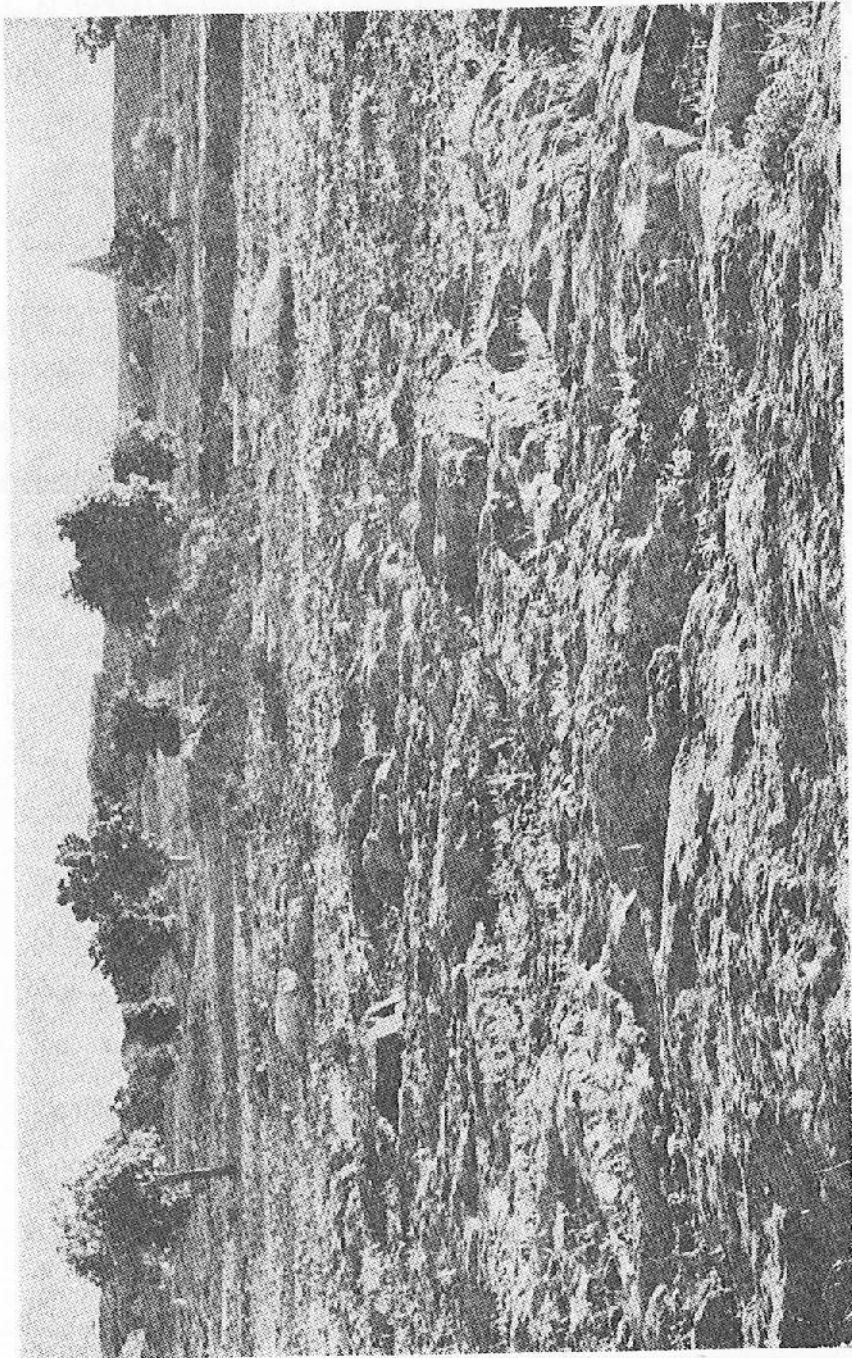
۱- گناوه امروزی .

۲- دانشمند محترم آقای احمد اقتداری مؤلف کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان ضمن توصیف این مطلب مینویسد که گزارش محمد ابراهیم نادری کازرونی بدربار محمد شاه قاجار نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران بشماره ۶۸۲ تحت عنوان حقایق نگاری جزیره خارک ثبت شده است .



نوع درختان خرما ، گز ، لیل ( اور ) معروف به انجیر معبد در جزیره خارک .

مثل سكان ابو شهر و آن نواحی شجره رالیل میخوانند و بنادر واقعه در غربی آن را لور  
 مینامند درختی است پر برگ و شاخ و برگهای آن نظیر توت و از آن ضخیم تر و شکننده تر  
 و بحیثیتی و فور برگ آن است که در زیر آن مطلقاً آفتاب را تاب ظاهر (شدن) نیست و  
 بعضی از نوع آن درخت چنان بزرگ میشود که جای یکصد سوار است که در سایه آن  
 آرامش گزینند و آن درخت در سالی دو دفعه مثمر ثمر است و ثمر آن مشابهت دارد  
 به انجیر بخش کوهساری در اول سبز و در وسط سرخ و در آخر مایل بسیاهی میشود  
 و در طعم متوسط است میان حلاوت و حموضت و خانه های واقعه در قلعه خارک از چوب  
 و گل و سنگ است و چهار برج کوچک مضبوطی برپا داشته اند و آن چهار برج را زمره  
 نصاری که از سلسله ولندیز بوده اند و چندی ساکن خارک بوده اند ساخته اند و کمال  
 استحکام دارد و دروازه آن چهار برج را از الواح ضخیم شاه چوب ترتیب داده اند و  
 بر صفحه اش قریب بهم از چپ و راست قلمهای آهن قریب بهم گذارده اند و بدو میخهای  
 آهن مضبوط نموده و آن جزیره اکنون گریز گاه باقی ماندگان ابو مهیری است و این در  
 تاریخ قلعه آن سی نفر تفنگچی از طایفه بلوچ کوتوال و بمحارست و محافظت خارک  
 مشغول و آب شرب آن جزیره از چاه و تمام چاهها کلا حالی و شیرین و گوارا میباشد و  
 قلعه هشت برج که اهل خارک در آن ساکن اند و سه دروازه دارد یکی در جانب قبله و  
 یکی در جنب جنوب و یکی بسمت صبا و دروازه صبوی سه عراده توپ سوار و در هشت  
 برج نیز در هر برجی توپی بزرگ گذارده اند و ده عراده توپ نیز در اطراف قلعه بزرگ  
 بدرج دروازه ها و دریای برجه ها گذارده اند و در چهار برج نیز شش عراده که بر آن  
 توپ سوار است و در اطراف قلعه خارک در صبا آن دریا است و از سه جانب دیگر از  
 دروازه که بیرون آمد بقدر ربع فرسنگ صحرای صاف که دشت صاف است و بدرج  
 هر دروازه چاهی آب که کمال حلاوت دارد و بساتینی چند در اطراف دور از قلعه  
 بمساحت ربع فرسنگ و نیم فرسنگ مثمر ثمره و غالب اشجار آنها نخل اکنون معادل  
 بیست و پنج بستان است که در هر باغی معادل چهار پنج حفره دولا ب ، مشغول سقایت  
 آن بساتین میباشد و هر بستانی مساوی سیصد ، چهار صد اصله نخل میباشد و دولا بهای  
 متعدد نیز بجهت سبزی کاری دارند که در هر فصلی بمقتضی آن محصول بعمل میآورند



بقایای قیوری که در دامنه شرقی و شمالی کوه خضر درون کوه حشر شده که بنظر مورس معلوم  
 بر استفاده دفن اجساد در زمان ساسانی برخی از آنها بمنظور دخمه مورد استفاده بوده است

وانواع سبزیها از قبیل پیاز، سیر، چغندر، بادنجان و بفصل خود هندوانه و خربزه و سایر خیارها بعمل میآورند و اشجار آن جزیره منحصر است به نخل و انگور و انجیر و انار و سپستان که در خانه های آنها مغروس و در بساتین نیز غیر از این نیست مگر شجره لور که اهل آن جزیره لیل میخوانند و در سمت جنوب آن جزیره چشمه آبی جاری است مرحوم شیخ عبدالرسول خان در زمان حیات خود مقنی فرستاد و آن چشمه را تنقیه و لاروب نموده و نظر بآنکه در پیش چشمه بلندیها و پستیها واقع بوده است قنات زده و آب آنرا بصحرا برده و بنای باغی در زیر آن آب نهاده و انواع میوه های گرمسیری در آن باغ غرس نموده و ترنج و نارنج و لیموی آب و خسارگی اکنون بعلت عدم غوررسی بازماندگان شیخ و کار نشدن قنات اکثر اشجار آن بستان فاسد و خراب و بسبب بی باغبانی و عدم پرستاری و بی آبی بی رونق و آب و برخی از اشجار آن که آبی یافته مثمر نموند و جنوب قلعه بزرگ که محل مسکن اهل آن جزیره است دو بقعه برپا است یکی بمسافت دو میدان و یکی بفاصله ربع فرسنگ بقعه اقرب به بلده را محمدابی بکر می نامند ظاهر آنکه مقام آن بزرگوار بوده اگر چه در زیر گنبد آن صورت قبری هست از آنجا که آن یگانه بزرگوار باشاره معاد معاویه علیه اللعنه غدار در مصر شربت شهادت چشید بحرم جنان جاودانی شتافت و بقعه دیگر بفاصله يك میدان دورتر از قلعه معروفست به محمد حنفیه و فاصله آن بقعه مبارک تا قلعه خارک ربع فرسنگ یا قلیلی کمتر است. الحق بقعه عالی بنا و با صفا و روضه دلگشا با فسحت و وسعتی جان پرور و روح افزا، هوایش نشاط انگیز صفایش بهجت آمیز از مهندسی و طراحی که در اسلوب آن مبارک بنای فرح فزا بکار برده اند چنین مینماید که بانی آن خجسته بنا سلطان قوی شوکت و در بحر و بر فرمانروا بوده زیرا که در استحکام و طراحی و اسلوب آن کمال دقت نموده و چشمه آبی در قبله آن و الامقام فرح فزا جاری است و از آن چشمه دورشته قنات محفور یکی از سمت شمال و یکی از جنب جنوب و اکنون آب آن چشمه هارا بجهت بساتین و نخلستان می برند (۱)

۱ - در وضع موجود از این چشمه ها آثاری وجود نیست و آب مورد نیاز زائرین بوسیله

تانک تأمین میشود.

و چنین مینماید که آب چشمه ها خاصه بقعه مبارک که بوده زیرا که در پیشگاه آن همایون بارگاه باغچه های وسیع و خوش قطع اکنون معمور و آباد است. مگر آنکه از اشجار خالی است و در آن هیچ رستنی بعلت عدم آب در آنها بهم نمی رسد مگر آثار چند اصله و ریشه نارنج و درخت های دیگر که مشجر است بر مخضرو و مشجر بودن آن باغچه ها باقیست و آب چشمه مختص آن بقعه مبارک که (را) در بساتین و نخلستان میبرند و در آن بقعه مبارک که اساس (اثاث) و سامان بی حساب بوده از زیب و زینت و اوضاع برافروختن چراغها و قندیل های بسیار.

در تسلط مسعود بن عبدالعزیز که متدین بدین وهابی و بزعم خود در آن دین جهاد می نمود بعد از تسلط یافتن بر جزیره خارک اساس (اثاث) و اسباب آن روضه مینو مانند منوره را نهب و تاراج نموده و بقعه مقدسه را آتش افروختند و چوب بندی های آن را که بجهت آویزش زینت بسته بودند سوختند. تاریخ تعمیر آن خجسته بارگاه در اندرون گنبد بخط بسیار ممتاز رقا ع به کاشی مرقوم داشته (۱) زمینه کاشی آبی و خط بسیار جلی سفید و در آتش افروختن سپاه صیلا لت پناه گمراه مسعود بن طلع که سال تاریخ آن حدیقه فردوس ناررقم زده نموده بود. بواسطه چوب بست آتش بیداد آن جماعت کج بنیاد سوخته و بسبب احتراق ورقه کاشی از صفحه آجر ریخته از قرینه بیان خدام آن روضه خلدا انتظام چهار صد و پنجاه سال از بنای آن و الامقام گذشته و بعد از خرابی آن فرقه گمراه ساکتین جزیره بقدر قوه و استطاعت در اصلاح آن کوشیده و از قدیم الایام خدامی چند از سرکار سلاطین باشوکت و نام بجهت خدمتگزاری آن همایون مقام مقرر بوده تاکنون ورثه آنها بهممان شغل می پردازند.

این قدر است که مواجب مقرر که از سرکار سلاطین فتوت قرین مروت آئین بجهت خدام آن خجسته مقام معین بوده متروک است، و در زمان مرحوم شیخ عبدالرسول خان در بایبگی خدام آن روضه لازم الاحترام راجیره و جامه معین بوده و هر ساله میرسانیده و بر خرج روشنی می افزوده و خرج روشنی آن بقعه مبارک که از اطراف سند و مکتان (۲) و

۱ - احتمالا تاریخ تعمیر در اندرون گنبد در این آیه بوده است (الصدقات الجاریات الباقیات فی جمع الانقاس واللحظات فی سنه اربعین و سبائه) ۷۴۰ که اینک موجود نیست ولی در کتاب اقلیم پارس دانشمند محترم آقای مصطفوی آمده است.

۲ - باید ملتان شهر قدیمی پنجاب باشد.

بنادر آن سامان میرسد و سکنه آن جزیره کلا مردمانی قانع و باضبق معیشت زندگی میکنند و فقیر و زحمت کش و غالب آنها شافعی مذهب. و در آن جزیره اکنون چهار مسجد دائر است و کلامتعلق بشوافع و غالب مداخل آن مکان بجهت باخبری ایشان در امور دریا و اطلاع آنها در خلیج و بحر فارس اخص در خور ابوشهر و بصره که هیچیک از ناخدایان خردمند و کپیتهانان کیاست پیوند در دخول و خروج خود بصره و ابوشهر بدانائی و باخبری اهل خارک نیستند و تمام در خروج و دخول خور بصره و ابوشهر معطل و حیران و محتاجند ب مردم آن جزیره که باید معلمی از اهل خارک بیاورند و بقدر وسعت و فسحت و بزرگی و کوچکی جهاز و جهی بجهت آنها مقرر است که از صاحب جهاز بگیرند و ایشان را در دخول و خروج آن در بند مذکور معلمی می نمایند و ماحصل آنرا صرف معیشت می نمایند، بعلاوه آن در فصل خرما در بصره میروند و به شغل خرما ببری مشغول میشوند و بقدر صرف معیشت سال خود بلکه زیاده خرما بدست می آورند و همچنین در موسم حصاد علات در صفحه دشتستان که بلدان چندی است واقعه در شرقی بندر ابوشهر و مداخل آنها منحصر است در زرع جو و گندم و باغستان نخیل، میروند و بزرگری نموده نان صرف سال خود را بدست می آورند و در آن جزیره فرح فرا نیز مروارید بسیار ممتاز هر گاه کسی متوجه غوص شود بدست می آورد و در کمال صفا و شفافی و غالب آن است که مدهرج (۱) و با آب شیرین که اهل آن نواحی مروارید خوش آب را شیرین می نامند، و اینکه بندرت در آنجا کسی مشغول غوص نمیشود بجهت آن است که در آن، محل دریا حیوانات بحری عظیم جثه موزی بسیار فراوان اتفاق افتاده که غواص را بدو نیم نموده و نوعی از ماهی است که آنرا بمبک می نامند و سردماغ آن حربه (ثی) از استخوان که بزرگ و کوچک آنها بسته به بزرگی و کوچکی ماهی آن و آن استخوانی می باشد مانند دوسر که درویشها بدست میگیرند و مذکور میشود که حیوان موزی معروف به تمساح که بفارسی نهنگ و بهندی مکر و مکرومچ می نامند نیز بهم رسد.

از سیاحان خارجی غیر مقیم که از خارک دیدن کرده اند باید تونو (۱) مسافر فرانسوی در سال ۱۶۶۷ را نام برد که در مورد این سفر می نویسد جزیره خارک حاکمی

1- Theavot

۱۷ مکر

سوی حاکم بندر ریگ داشت (بندر ریگ در فاصله ۳۰ کیلومتری شرق جزیره خارک واقع شده است) و مالک این جزیره پادشاه ایران است.

در سال ۱۷۶۰ کارستن نیبور (۱) که طرحی از منازل هلندیها مقیم جزیره تهیه کرده است. در اوایل قرن بیستم پروفیسور ارنست هرتسفلد (۲) باستانشناس شهیر و فقید آلمانی از جزیره خارک دیدن نمود و پروفیسور گیرشمن (۳) باستانشناس عالم فرانسوی که از سال ۱۹۶۲ در این مکان بکاوش علمی پرداخت. وی در مورد منابع تاریخی خارک مینویسد منابعی که از خارک نام میبرند قدیمی تر از قرن اول پیش از میلاد نیست تصور میروند منظور پروفیسور گیرشمن استرابون (۴) نویسنده قرن اول پیش از میلاد و سایر نویسندگان غربی که بآن تاسی نموده و این جزیره را بنام آراکیا و ایکاریوس معرفی نموده اند میباشد مانند پلین (۵) نویسنده قرن اول و بطلمیوس (۶) جغرافی دان قرن دوم میلادی البته توصیفی که این نویسندگان از جزیره کرده اند بیشتر با جزیره فیلیکه کویت تطبیق مینماید زیرا آثاری که دال بر سکونت یونانیان در این مکان بشرحی که نویسندگان مذکور در فوق کرده اند تاکنون ضمن عملیات اکتشافی ظاهر نشده است بلکه این اشتباه بیشتر بعلمت توصیف و موقعیت متمشابهی که هر دو جزیره داشته اند پیش آمده است فی المثل تشابه دو جزیره از لحاظ وسعت. وجود آب شیرین، پناهگاه کشتی های بادی هنگام هوای طوفانی، حتی موقعیت جغرافیائی. از همین رو پروفیسور گیرشمن شالوده جبهه غربی آتشگاه مکشوفه زمان ساسانی را در خارک که بصورت سه پله ای ساخته شده است بجای معبد پوزوئیدون الهه نپتون و ربه النوع دریاهای یونانی تصور نموده و نام جزیره را نیز آراکیا یا ایکاریوس که نویسندگان مذکور در فوق ذکر کرده اند دانسته است (۷) در صورتیکه عملیات اکتشافیه جزیره فیلیکه کویت خلاف این نظریه را ثابت کرده است و وزارت اطلاعات کویت رساله ای در این باره منتشر ساخته که خلاصه آن در مجله هنر و مردم از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر در مرداد ماه ۱۳۴۹ درج شده است.

هیئت حفاری علمی دانشگاه آرهوس دانمارک بسرپرستی پروفیسور گلوب در

1- Karston Nebhr 2- Hersfeld 3- Ghirishman

4- Strabon 5- Pline 6- Ptolemee

(۷) پروفیسور هرتسفلد نیز پیش از پروفیسور گیرشمن جزیره خارک را جزیره آراکیا تصور نموده بود.

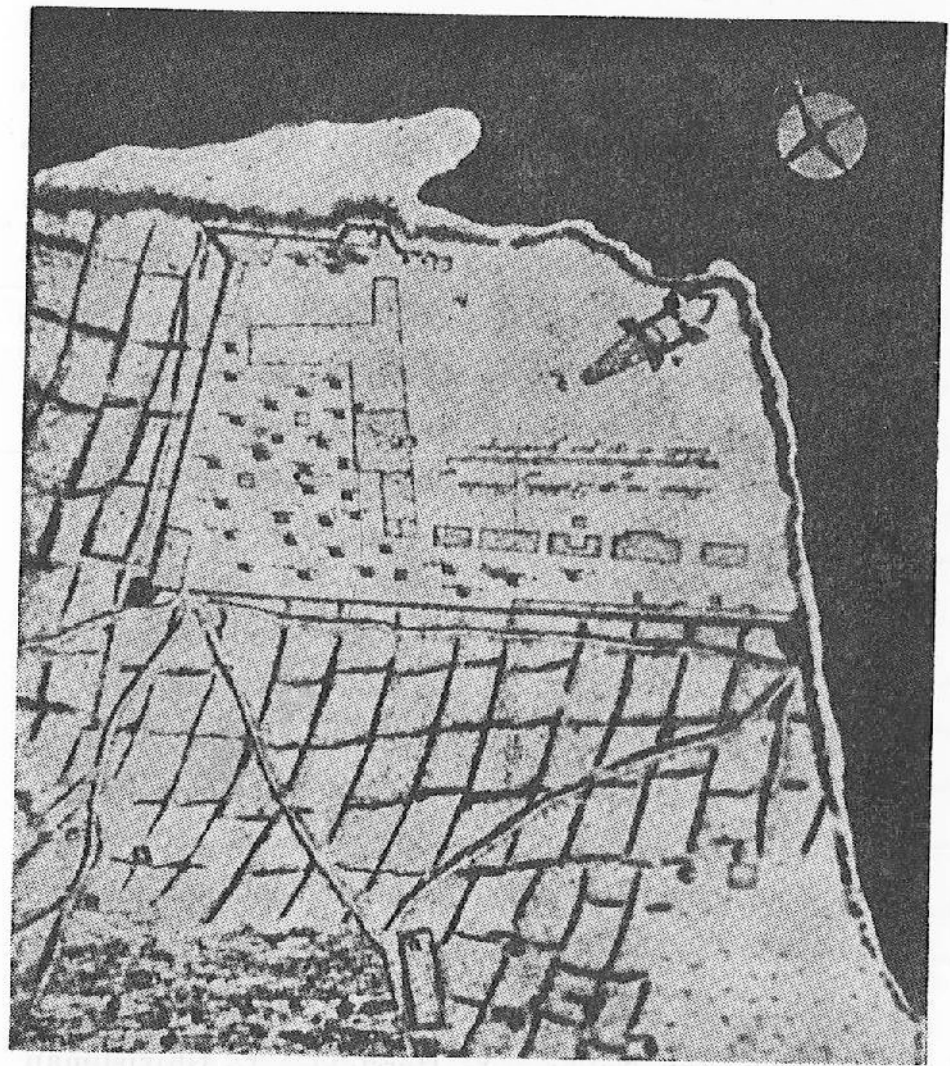
۱) سال ۱۹۵۸ میلادی علاوه بر عملیات اکتشافی در بحرین موفق گردید که در جزیره فیلکه کویت آثار و اشیائی از زمان اسکندر مقدونی و بقایای ساختمان معبدی را که بامر اسکندر بیادبود جزیره ایکاریوس دریای اژه برای الهه ارتمیس ساخته شده بود کشف نمایند این هیئت در تپه سعد و سعید جزیره فیلکه استل ایکاریوس را که بخط یونانی از زمان اسکندر نوشته شده بود بدست آوردند و ثابت نمودند توصیفی که آریان مورخ یونانی و سایر نویسندگان از جزیره آراکیا و یا ایکاریوس قدما که در متون یونانی از آن در خلیج فارس یاد نموده اند جزیره فیلکه است نه جزیره خارک (۱)

۱ - از آثار یافته شده چنین برمیآید که این جزیره ۴ روزگی و نبرومندی سومریان و بابلیان و آشور مرکز بازرگانی بوده است کالاهای سندی که عبارت بود از زر و عاج و چوبهای پربها به اینجا آورده میشد و سپس از راه فرات (که در آن روزگار مصب آن بامصب دجله یکی نشده بود) تا سوریه و از آنجا بدریای مدیترانه و دریای اژه و یونان و مصر برده میشد.

در اسناد سومری و بابلی نام آن دلمون آمده و آن را که اکنون جزیره ای است بیابانی، پر نعمت و پر آب شیرین با بسیاری شکار به ویژه غزال وصف کرده است، بروزگار اسکندر مقدونی نثارخ دریاسالار او باین جزیره آمد و بنا بر دستور اسکندر آنجا را ایکاروس نامیدند که اصلا نام جزیره ای بود در دریای اژه همچنانکه بحرین را که نامش در الواح بابلی ماکان بود تایلوس خواندند. آریان مورخ اسکندر گوید یونانیان پرستشگاهی بنام آرتمیس خدای پستیبان چراگاهها و مواشی و آهوان در آن جزیره برپا کردند. این پرستشگاه را یافته اند باسنگ نگاشته ای به زبان یونانی بدین مضمون که دسوتیس از مردم آنن و سر بازان این را به ذئوس منجی و پوزئیدون و آرتمیس منجی تقدیم کردند.

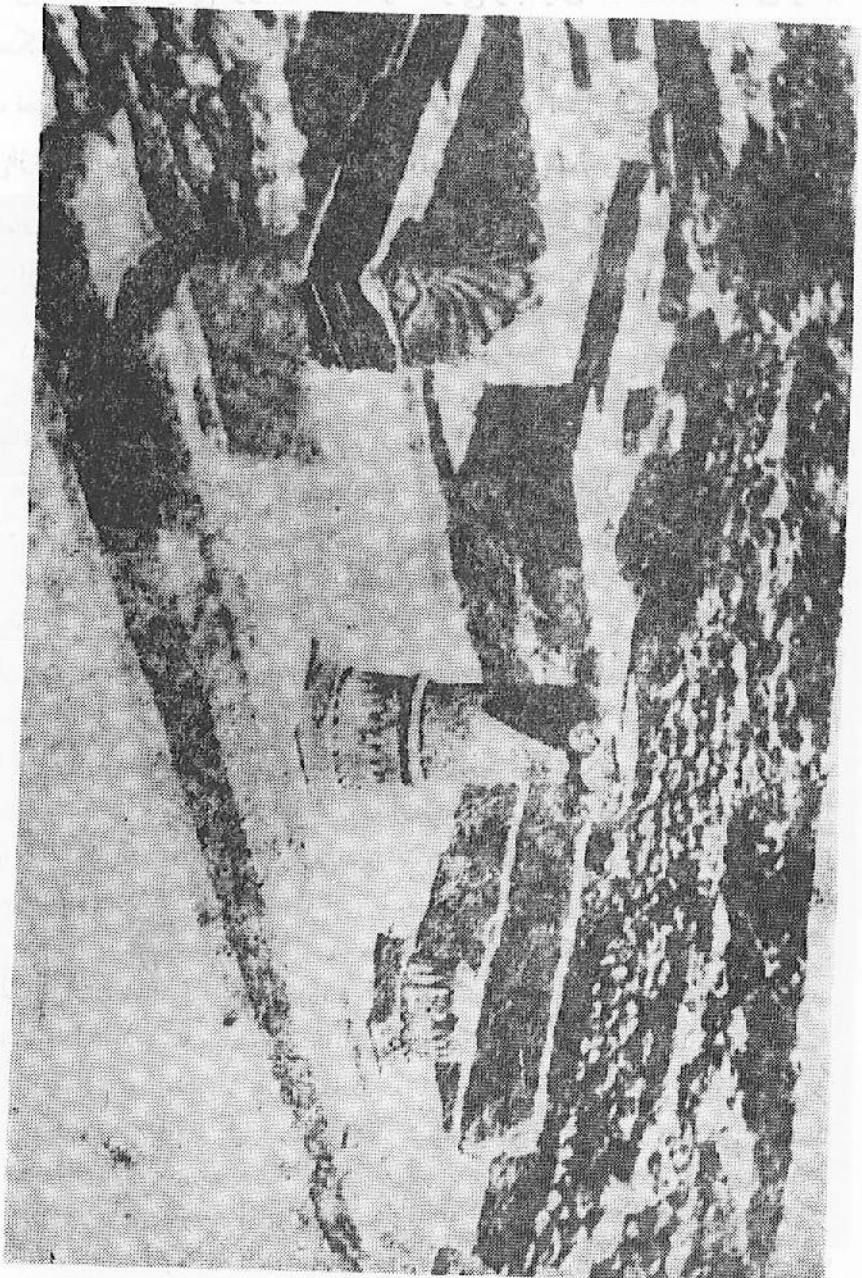
در این پرستشگاه ستونی یافته اند که همه اجزای آن از سنگهای مرجانی است که در آن پیرامون فراوان است جز پایه آن (و نیز یک پایه دیگر از ستونی که اجزای دیگرش تپه شده همانند پایه اول) از سنگ سیاه بازالت با نقشی از نقش گلهای خاص تخت جمشید و شوش باشیوه مخصوص معماری هخامنشی. چنین گمان برده اند که این پایهها را از خارج آورده اند و نیز حدس میزنند که این پایهها دلیل هستند بر اینکه شیوه رایج پیش از اسکندر در این جزیره همان شیوه هخامنشی بوده است.

سر ستون هم سبک یونانی ایرانی دارد. در زمان سلوکیان این جزیره مرکز دریانوردی و اداره کشتیها و بازرگانی بوده است و در همان پرستشگاه سنگ نگاره ای به زبان یونانی یافته اند که بسیاری از قسمت های آن تپه شده و گمان برده اند که در جنگ میان سلوکیان و ایرانیان این سنگ را خواسته اند حرکت دهند و در آن خراشیدگی



طرح منازل هلندیها در جزیره خارک که توسط کارستن نیپور در سال ۱۷۶۰ تهیه شده است

فهرست مطالب  
فصل اول: کلیات و تاریخچه



ستونها و معبد مشکوفه در فیلیکه کوریت (پرستشگاه آرتیمیس) معبد یوزفپولون

در این تصویر، معبد مشکوفه در فیلیکه کوریت، که به نام پرستشگاه آرتیمیس نیز شناخته می‌شود، دیده می‌شود. این بنا یکی از آثار مهم باستان‌شناختی در منطقه است.



سنگ نبشته یونانی در باره فرمان ساختن پرستشگاه مشکوفه از معبد اینکاریوس فیلیکه .

ولی حوادث و رویدادهای تاریخی این جزیره در طی قرون متمادی سرنوشتهی دارد که بستگی کامل با برخورد های ساحلی و داخلی داشته است (پیش از ظهور اسلام اقوام ساکن در نواحی خلیج فارس و جزیره خارک دارای کیش زردشتی بوده اند همانطور که قبلا گذشت هنگامی که ریشهر در زمان ساسانیان در قرن سوم مرکز عیسویان گردید بعلت قرب مکانی، گروه کثیری مسیحیان از ایرانی که در قرن اول میلادی میزیسته اند، در این جزیره ساکن شده اند، و هنگام ظهور اسلام عده ای از خوارج فرار کرده در آنجا مقیم گردیدند اما در زمان دیلمیان سراسر خلیج فارس به تصرف آنان درآمد.

در قرن دهم هجری که توجه اروپائیان بنواحی شرقی هند معطوف شد سردار پرتغالی آلبر کوك باشکست حاکم هرمز برای مدت يك قرن بر این نواحی، و منجمله جزیره خارک تسلط یافت ولی بتدریج رقبای اروپائی به تاسی از پرتغالیها متوجه نواحی شرقی و این منطقه گردیدند. در سال ۱۷۵۲ هلندی هادر خارک مستقر شدند. جمعیت ساکن در جزیره را در این زمان ۱۲ هزار نفر ذکر کرده اند (۱) و سپس اسپانیولها و انگلیسیها در عرصه رقابت ظاهر شدند و خلیج فارس را که از نظر سوق الجیشی و

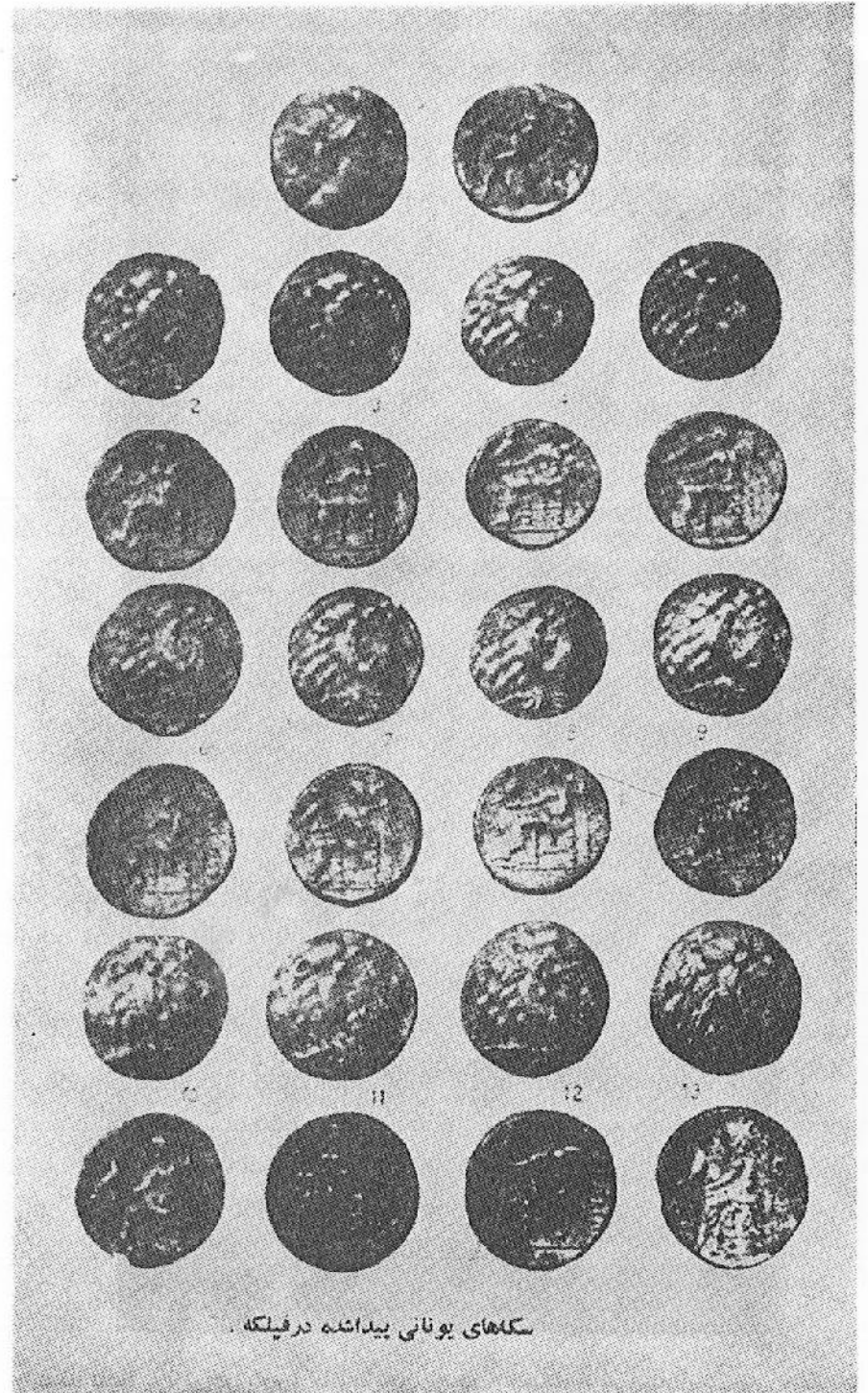
وتباهی پدید آورده اند.

گواینکه بواسطه خرابی سنگ، خواندن کتیبه دشوار شده ولی مضمون آن چنین است که نامه ای از پادشاه به اکادیون رسیده که مبنی بر اینکه معبدی در ایکاروس معبدی بر پاساز و اوهم به انکارا خصوص دستور داد تا نامه را برای مردم ایکاروس بفرستد.

آشکار است که انکارا خصوص مقیم جزیره نبوده شاید مرزبان شوش بوده باشد و نام پادشاه را نبرده امکان دارد سلوکوس دوم ملقب به کلینیکوس بوده که از ۲۴۱ تا ۲۳۹ ق. م سلطنت میکرد.

\* دانشمند محترم آقای احمد اقداری، در کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان در این زمینه بحث مفصل تری دارد که نگارنده در اینمورد با نظر وی هم عقیده است.

۱ - قلعه معروف هلندیها در جبهه شرقی جزیره و نزدیک بنادر طبیعی جزیره بوده و بهترین شاخص اماکن مسکونی جزیره درختان لور میباشد که در مسیر منازل قدیمی کاشته شده.



سکه های یونانی پیدا شده در فیلکه.

ارتباط آن با شرق و غرب حائز اهمیت بود مطمع نظر آنان گردید . در زمان شاه عباس کبیر بواسطه مجاهدت آن پادشاه دست پرتقالیها از خلیج فارس کوتاه گردید .

دوران اقامت هلندیها هم طولی نکشید و ساکنین این جزیره با رشادت خاص و دلاوریهای امرای محلی، (۱) دست آنها را از این مکان کوتاه کردند و هنگامیکه سلطه هلندیها از بین رفت اهالی محل از آثار و بقایای ساختمانی آنها برای بنای عمارات خود در جزیره استفاده کرده و حتی به بندر گناوه ، بصره و آبادان حمل کردند .

مدت محدودی جزیره خارک در اختیار فرانسویان قرار گرفت تا سرانجام دولت بریتانیا جانشین رقبای اروپائی شد و بعنوان پلیس امنیتی اوضاع خلیج فارس را زیر نظر گرفت ولی بموجب عهدنامه پاریس منعقد بسال ۱۸۵۷ آن جزیره بمالك واقعی، آن یعنی ایران واگذار گردید .

از آن پس اهالی ساکن این جزیره که در وضع رقت باری بسر میبردند بتدریج روبضعف ، رفته تا اینکه در سال ۱۳۳۷ خورشیدی کارشناسان نفتی جزیره خارک را بنا بموقعیت خاص و ممتازی که دارد بمنظور جایگاه بارگیری نفت خام انتخاب و باین ترتیب بار دیگر جزیره از نو تجدید حیات یافت و شرکتهای عامل نفت ایران (بخش اکتشافات) لوله های نفتی بزرگ را از نواحی استخراجی باین جزیره جهت صدور و بارگیری نفت کشتها رسانید و روز سه شنبه هفدهم آبانماه ۱۳۳۹ نفتکشهای ایرانی، رضاشاه کبیر و محمدرضا شاه در اسکله این بندر بمقصد اروپا بارگیری کرد و شیر لوله نفت بدست مبارک اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر افتتاح گردید و از آن روز جزیره خارک وجهه تازه یافت، بطوریکه امروز یکی از بزرگترین مراکز صدور نفت جهان است. (۲) فعالیت صنعتی جزیره علاقه مندی بومیان را نسبت به زادگاهشان خارک زیاد کرده

۱ - میرمنها و غائی ولد میر ناصر از مشایخ بندر ریگ فرمانفرمای بلامنازع بوده ، میرمنها مردی شجاع و بی پاك بود ، در زمان کریمخان زند به هلندیهای مقیم خارک حمله کرد و آنها را تار و مار نمود ولی سرانجام بمات غرور و نافرمانی از کریمخان زند فراری و در بصره دستگیر و توسط حاکم آنجا بقتل رسید ، برای اطلاع بیشتر بکتاب کریمخان زند و خلیج فارس تألیف آقای احمد فرامرزی مراجعه نمائید .

۲ - در خارک علاوه بر بارگیری نفت خام شش جاه نفت تولیدی وجود دارد .

است و اگر در روزگار باستان جزیره خارک ناظر کشتیهای حامل ادویه هندوستان و ابریشم چین (۱) به اروپا یا بصره بود که گاهی در مواقع ضروری در کنار این جزیره لنگر می انداختند ولی امروز از سراسر گیتی کشتیهای نفتکش بمنظور استفاده از منابع سرشار این جزیره و بمقصد آن حرکت میکنند و سالیانه هزاران کشتی از کشورهای مختلف در این مکان ببارگیری مشغول و بتصفیه خانه های بزرگ شرق و غرب روانه میگردند .

ظرفیت این کشتیها قبلا تا ۲۵۰ هزار تن میرسید ولی با اتمام اسکله ناحیه غربی نفتکشهایی با ظرفیت پانصد هزار تن و منبع های ذخیره نفتی بزرگ بقطر ۱۵۰ متر که گنجایش يك میلیون بشکه نفت خام دارد در ظرف چند ساعت کار بارگیری کشتیها بانجام میرسد (۲) .

بمنظور شناخت بیشتر سابقه تاریخی جزیره خارک شرکت ملی نفت ایران از پروفیسور گیرشمن رئیس هیئت باستانشناسان فرانسوی دعوت نمود تا در این مکان بکاوش و مطالعات علمی بپردازد . هیئت باستانشناسان فرانسوی طی چند فصل کاوش در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ در این جزیره موفق شدند آثاری به از هزاره اول ق . م که قدیمترین آثار سکونت در این جزیره است دست یابند .

### کهن ترین آثار مکشوفه در جزیره خارک دو دختر یا دو خواهر

در جبهه شمالی جزیره خارک ارتفاعاتی وجود دارند که دنباله آن بسوی جنوب امتداد یافته، مانند سدی طبیعی از وزش بادهای شدید این منطقه بدامنه شرقی و جنوبی جلوگیری و سکونت و زندگی را در این جزیره آسانتر نموده . در دامنه شمالی این کوه صفتی وجود دارد که بنام کوه تخت معروف است و مرتفعترین نقطه این کوه

۱ - ضمن بررسیهای باستانی در این جزیره قطعات فراوان سلاخ ساخت چین که در این جزیره مکشوف گردیده دال بر آنست که ابریشم چین برای غرب از راه دریا از طریق دره سند بخلیج فارس و از آنجا بدریای احمر و سپس به بندرهای مصری حمل میگردد .

۲ - خوشبختانه اسکله جدید در روز سیزدهم آبانماه ۱۳۵۱ توسط شاهنشاه معظم آریامهر افتتاح گردید .

که در حدود ۷۵ متر از سطح دریابندی دارد کوه دیده بان خوانده میشود این نقطه هم اکنون مرکز ایستگاه رادار جزیره خارک میباشد و بر فراز کوه دیده بان آرامگاهی بهمین نام وجود دارد که بنائی است چهار گوش با گنبد خاص دوره اسلامی .

حد نهائی ارتفاعات رادار جبهه غربی بنام کوه گردن شتر نامند . بین کوه تخت و جبهه شمال شرقی امامزاده میر محمد که شرح آن خواهد آمد آبدگیری طبیعی بصورت دریاچه ای با گنجایش ۵۰ میلیون لیتر آب وجود دارد که ذخیره آب آن علاوه بر سیلابها از چشمه ای که در ناحیه غربی از شکاف نقب مانندی جاری بوده تأمین میگردد (۱) .

در روزگار ماقبل تاریخ، بشر اولیه بعناصر طبیعی و خسار القاعه نظیر: قتل مخروطی . شکل کوهها (۲) و دریاچه های عمیق واقع در ارتفاعات ، چشمه سارهای جوشان آب سرد و گرم (۳) در اماکنی غیر منتظره و با وضع غیر طبیعی مورد توجه قرار میگرفت و جنبه تقدس میافت دریاچه و چشمه جزیره خارک تقریباً چنین وضعی داشت و در قلب جزیره مرجانی خارک دریاچه ای عمیق با آب شیرین و گوارا با سرچشمه ای زلال و غیر منتظره از شکاف کوه نه تنها سبب سکونت مردم در جبهه شرقی گردیده بلکه موجب پیدایش معابد و پرستشگاهی در حاشیه آن شده است که در فصول آینده شرح آن خواهد آمد و از جمله نخستین اثر کهن در حد شمالی این آبگیر ، قبوری بوده اند که درون سنگهای طبیعی حفر گردیده و برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ مورد توجه و کاوش پروفیسور گیرشمن قرار گرفته اند و با ستاد آثار و شواهد مکشوفه قدمت این قبور به هزاره اول ق . م میرسد لذا میتوان گفت که جزیره خارک حداقل از سه هزار سال پیش مسکون بوده است .

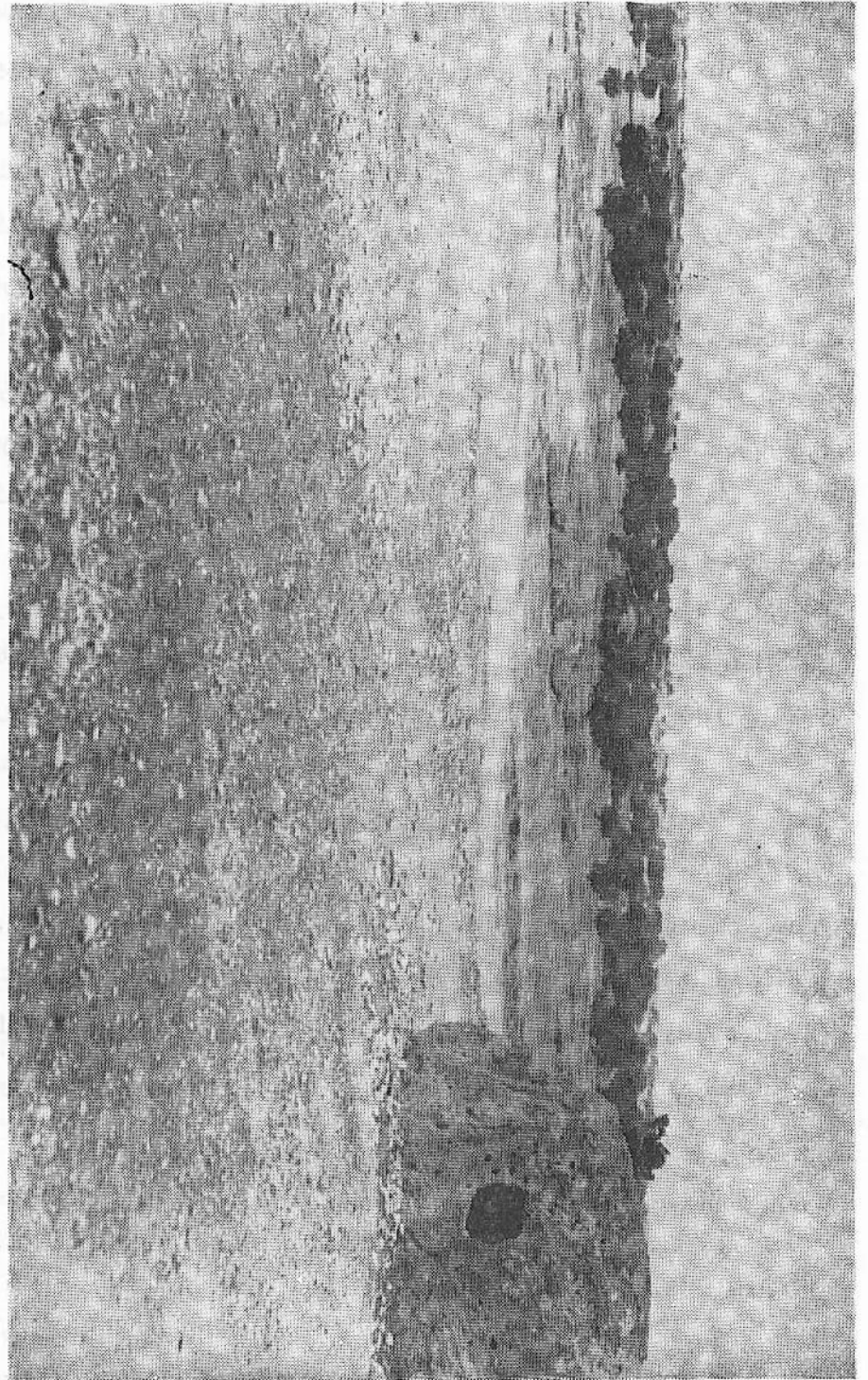
نوع این قبور که در سنگ کنده شده اند مستطیل شکل و با ابعاد  $۱/۷۰ \times ۲/۷۰$  متر میباشد که آنها را با دو تخته سنگهای عظیم الجثه بشکل ضربی که سر بسر یکدیگر

۱ - تا سال ۱۳۲۴ شمسی این دریاچه آب داشته و از آن پس بعلت زلزله شدیدی که در این جزیره اتفاق افتاده آب دریاچه نیز خشک گردیده است .

۲ - مانند قلعه دلفک در گیلان .

۳ - مانند دریاچه تخت سلیمان در آذربایجان غربی . و آب گرم سرعین در اردبیل و

چشمه جزیره خارک .

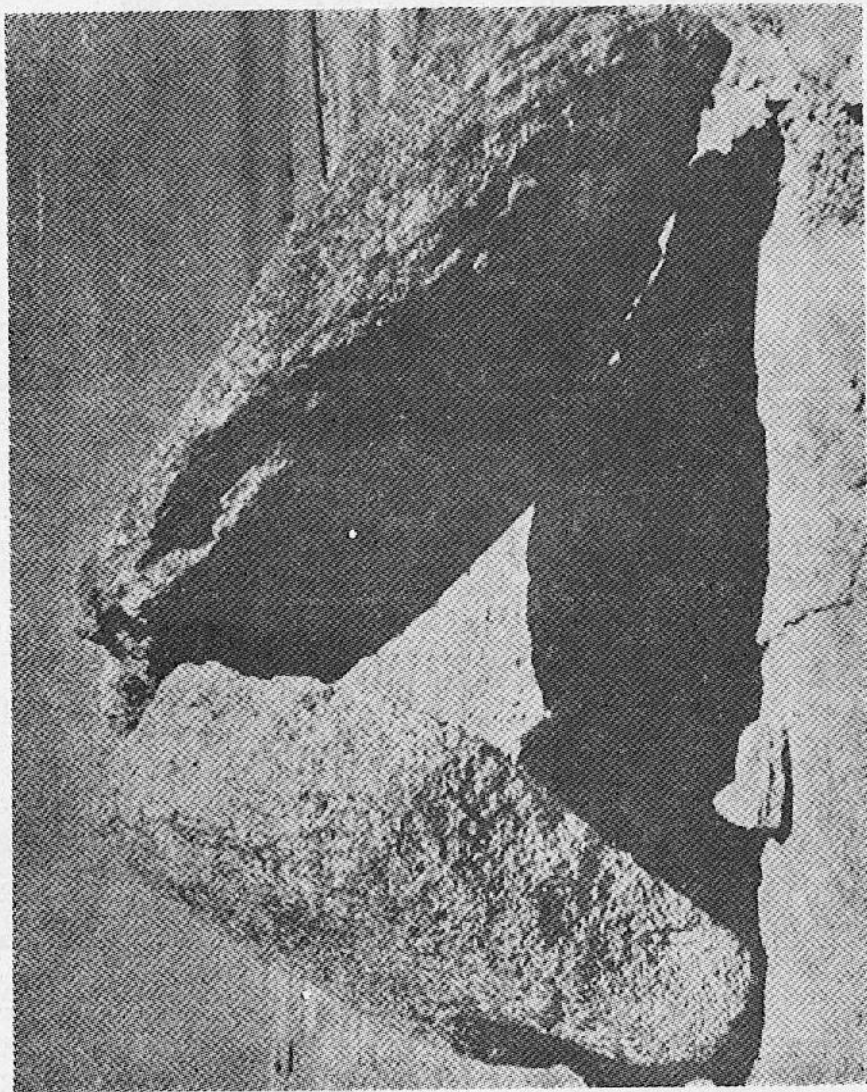




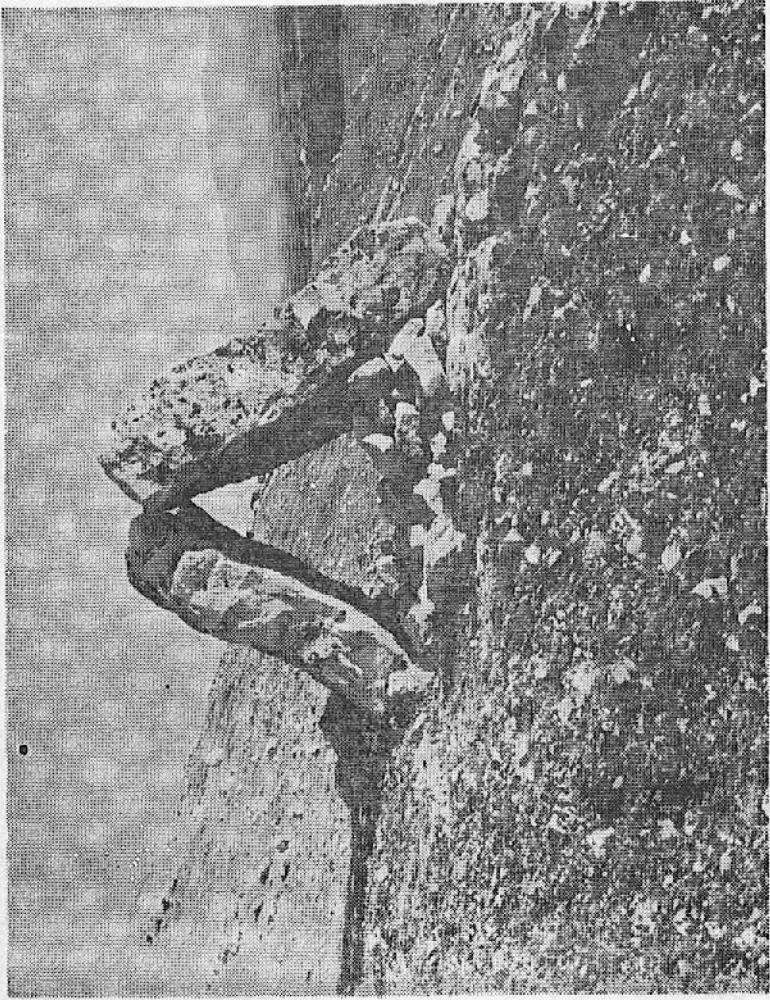
داده‌اند پوشانده‌اند و نظر باهمیتی که این قبور در روزگار پیش از تاریخ داشته ، حتی المقدور سعی نموده‌اند که پوشش گورها از سنگهای یکپارچه بزرگ تهیه شود (۱)

بطوریکه هر يك از سنگهای مذکور ۲/۴ متر طول و ۱/۳۰ متر پهنا دارد . شکل پوشش این قبور درخور دقت و توجه است چه انتساب آنها را در يك دوره معین باقوام ایرانی نشان میدهد . زیرا در نقاط مختلف ایران بخصوص ناحیه جنوب غربی قبوری نظیر آنها ضمن عملیات اکتشافی ظاهر شده است و در يك بررسی سطحی در ناحیه شمالی خلیج فارس در اطراف شهر تاریخی بیشاپور قبرستان وسیعی از این قوم با همان مشخصات طرز تدفین در خارك توسط نگارنده کشف گردید که هرگونه شك و ابهامی را در مورد انتساب گورهای کلان سنگی هزاره اول و احتمالاً ایلامیان بکلی از بین میبرد . بویژه کیفیت ساخت گورها در قبرستان مشکوفه که برای اولین بار معرفی میشود بگونه‌ای است که بسیاری از مسائل مربوطه بطرز تدفین و آداب و رسوم آنان را روشن میسازد . چنانکه میتوان تصور نمود که دامنه توسعه و پیشرفت و رعایت ساختن این قبور علاوه بر آنکه بصورت يك و دو پله‌ای در این قبرستان دیده میشود در محل گور دختر بصورت سه پله‌ای در آغاز هخامنشیان تجلی نموده است و آنگاه آرامگاه کورش کبیر را در جلگه پاسارگاد که به هیئت چند پله‌ای و با بام شیروانی شکل مانند گوردختر ساخته شده باید يك معماری سنتی و تکامل یافته این نوع آرامگاهها دانست . چنانکه رعایت آن بصورت يك اصل معماری در آرامگاههای دوره اسلامی تا امروز ادامه یافته و در اغلب گورستانهای اسلامی جنوب ایران بویژه در نقاط کوهستانی و دورافتاده بسیاری از گورها شیروانی شکل ساخته شده و میشود . بنابراین تصور آرامگاه

۱ - این نوع تمدن را تمدن مگالتیک یا کلان سنگی گویند که در اروپای غربی بین ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ ق . م انتشار یافته و شامل دو نوع قبر بنام‌های دلمن و منهیر میباشد که نوع گورهای دلمن بیشتر در بریتانیا دیده می‌شود ولی گورهای جزیره خارك کاملاً با فرم قبور دلمن تفاوت دارد و آنها را میتوان نوع قبور کلان سنگی آریائی دانست کما اینکه تمدن مگالتیک اروپای غربی نیز بعلت انتشار تمدن مهاجمان آریائی بحیات خود ادامه نداد .

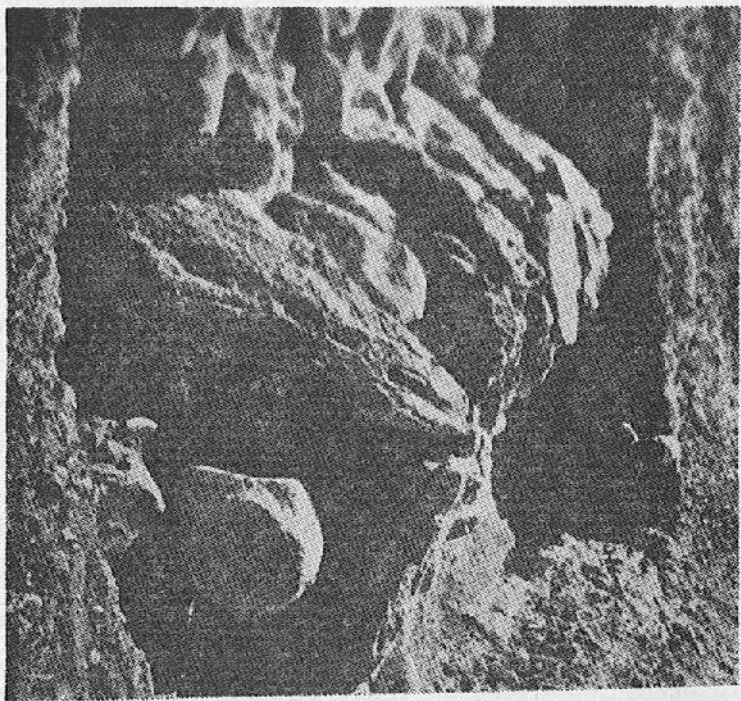


عکس یکی از قبور مگالتیک (بزرگ سنگی) مربوط به هزاره اول ق . م . که بصورت ضربی است . پوشش این نوع قبور قابل مقایسه با طاق‌های ضربی قبور شمال غربی ایران واقوام ایلامی میباشد و احتمالاً سنگ قبر فوق مربوط بقوم ایلامی است .



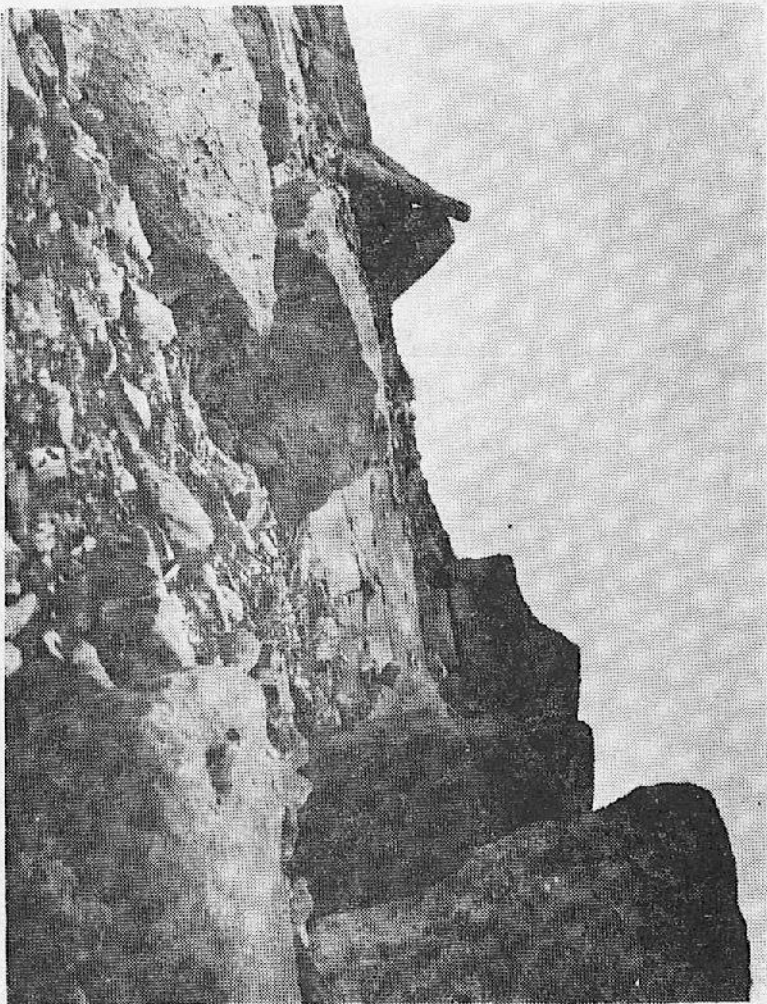
نمای یکی از قبور کلان سنگی مربوط به قوم ایلامی مکشوفه در اطراف بیشاپور شکل و نوع این قبرقا بل مقایسه و مشابه باقبر دوره ایلامی جزیره خارک میباشند (بصفحه ۳۰ نگاه کنید)

نوع قبور مکالندیک شمال غربی ایران مربوط به اقوام کاسیت که باسکهای بزرگی نظیرس خارک پوشش یافته این قبرس ضمن عملیات اکتشافی باستانشناسی درسال ۱۳۴۲ شمسی توسط هیئت باستانشناسان دانشگاهی دهمکان سرطرحان لرستان ودرادواتامات رودخانه سمیمره ظاهرشده است.

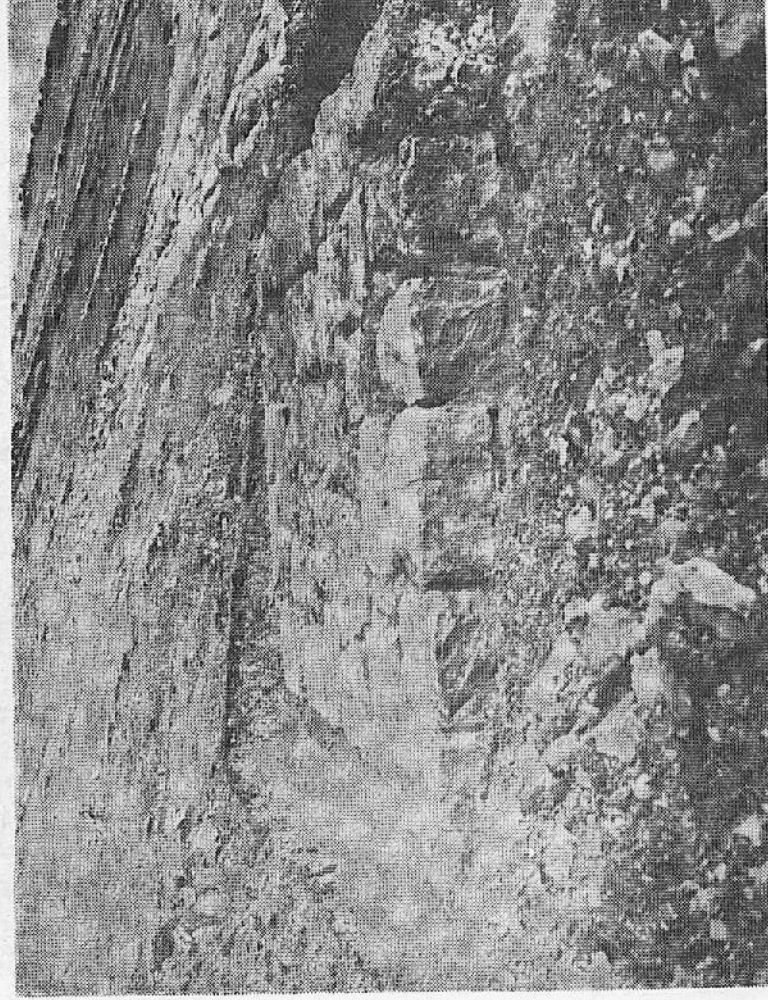




بعضی از قبور کلان سنگی اطراف پشاور دارای يك مصطبه تختانی است

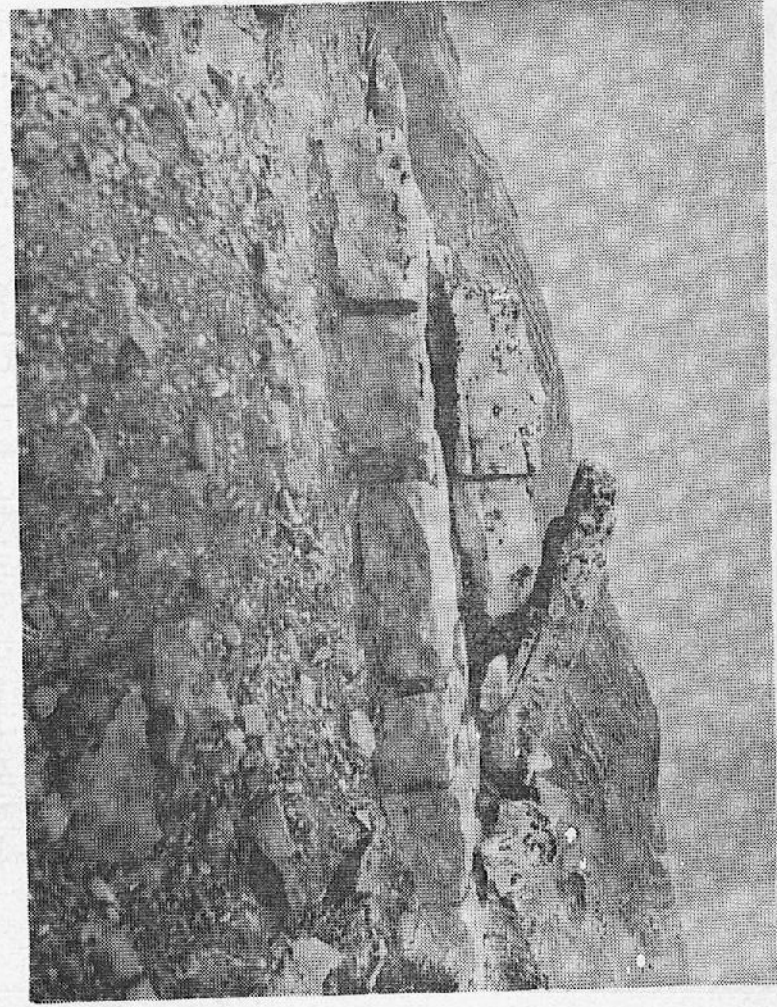


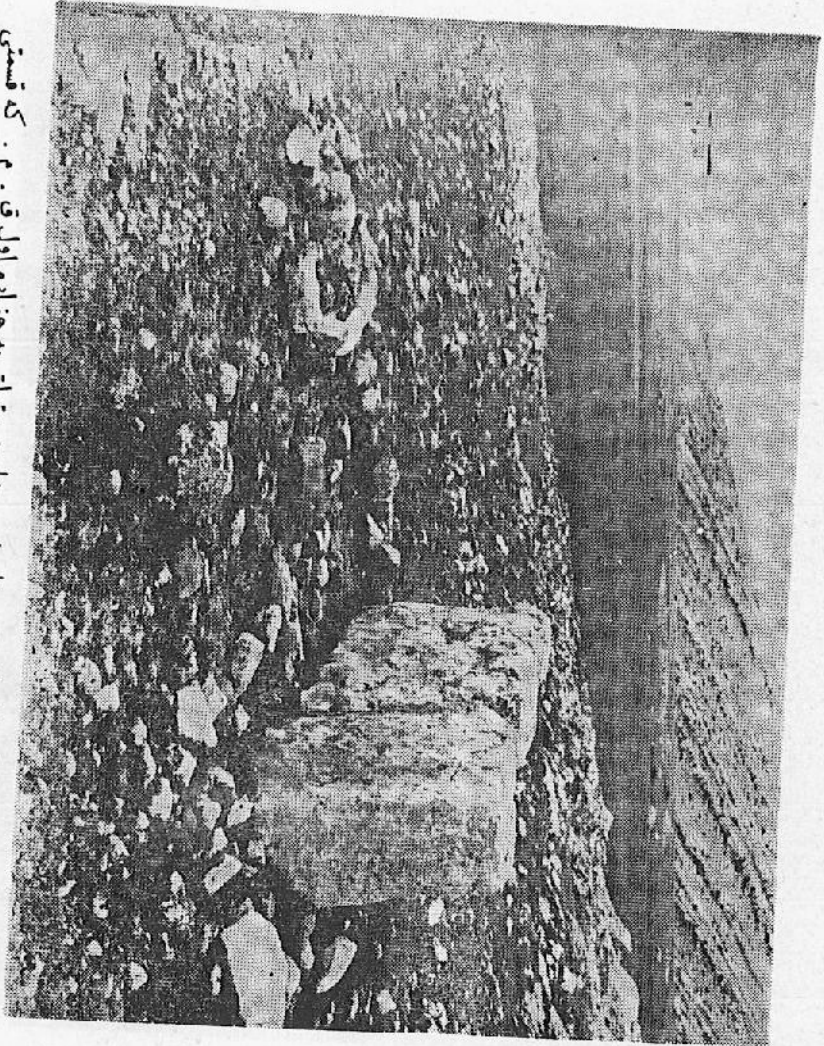
قبرستان وسیعی از نوع آرامگاههای کلان سنگی توسط نگارنده در بهار سال ۱۳۵۴ در اطراف پشاور کشف گردید .



در این تصویر سکوی آرامگاه کلان سنگی که قطعات سنگهای قالبی ساخته و پرداخته شده است دیده میشود . جسد بر روی این مصطبه قرار میگرفت .

سازه‌های حفرتی در دو سوی برهمنیاطراف اطراف سنگی کلان رفته با جسی بر





بنای ازقبور کلان سنگی اطراف شهر تاریخی پیشاپور متعلق به هزاره اول ق. م که قسمتی  
از بدنه سمت راست این آرامگاه هنوز پابرجاست



نمای یکی از گورهای تنک ارم که بنا به سنت معماری آرامگاههای قدیمی به شکل شیروانی  
پوشش یافته است. این گور اسلامی و متعلق بدوره قاجاریه است.

کوروش بسبك نزدیک با توجه بمسائل فوق منتفی است .

بدون شك كسانكه برای اولین بار در جزیره خارك اقدام بساختن این نوع آرامگاهها نموده اند تیره ای از همین قوم وساکنین خلیج فارس یعنی قوم ایلامی پراکنده در اطراف بیشاپور وسواحل بوده اند که قبور خود را با نخته سنگهای عظیم بصورت ضریبی ساخته اند .

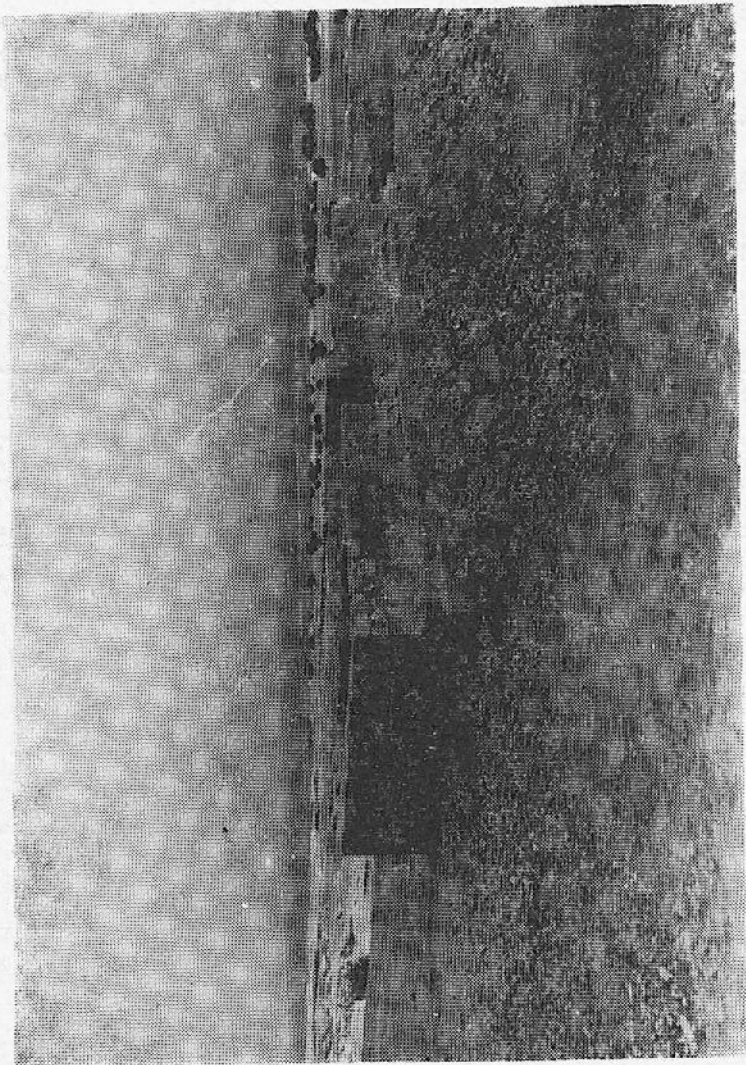
جهت قبور خارك شمالی ، جنوبی است ، وبومیان جزیره این مکان را بنام دو دختر یا خواهر مینامند وبطوریکه پروفیسور گریشمن ضمن گزارش کاوشهای خود در خارك می نویسد : از این نوع قبور در دوران بعدی نیز استفاده شده است . زیرا دریکی از قبور هیچگونه اثری از اسکلت مشاهده نشده ولی در قبر دیگری که مورد کاوش قرار گرفته بقایای پانزده اسکلت درهم وبرهم دیده شده است که باسبدی که درون آن قیر اندود بوده استخوان اجساد را از دخمه دیگری باین قبر منتقل نموده اند وباکشف یکعدد سکه رومی متعلق به اواخر قرن چهارم واوائل قرن پنجم میلادی تاریخ استفاده بعدی از این قبور کاملاً مشخص شده است . و این امر میرساند که این نوع قبور کلان سنگی پس از ده قرن ونیم مورد تجاوز وحفاری واستفاده رومیان ساکن جزیره قرار گرفته است .

### آتشکده :

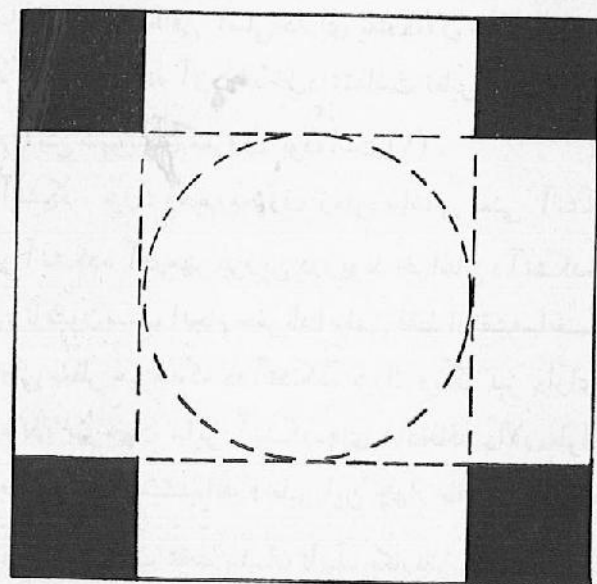
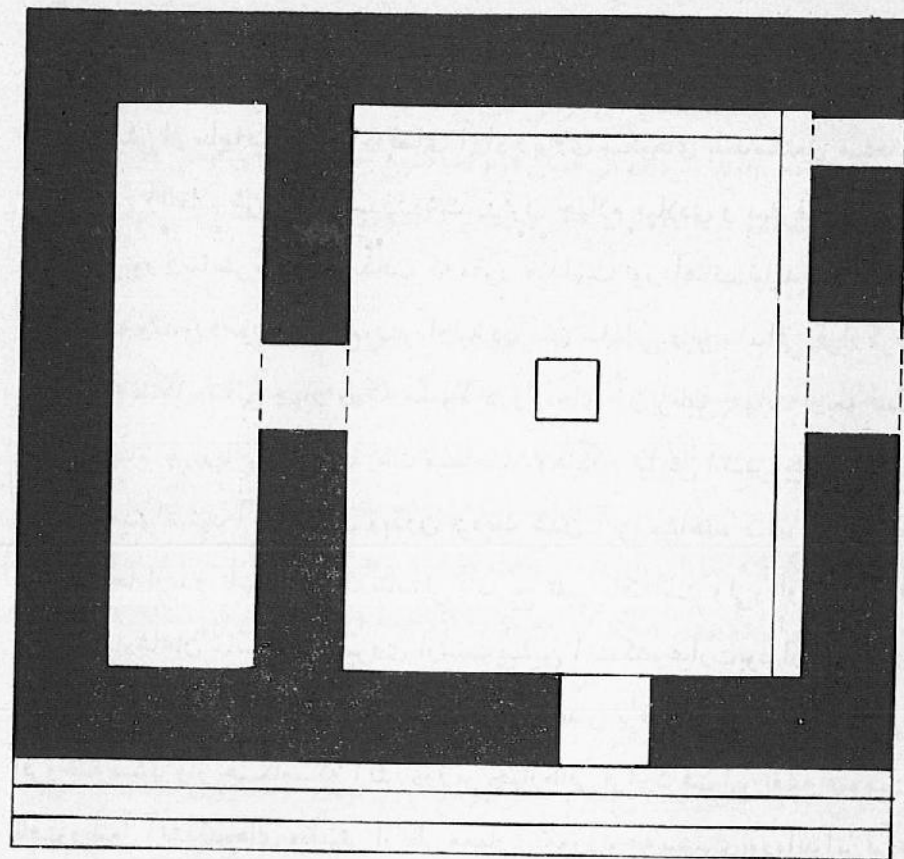
آتشکده محل نگهداری آتش ومکان تشریفات مذهبی عمومی ونیایش بوده است . پیش از ساسانیان آتش در فضای آزاد وبروی سکوهای بلند مشتعل میشد پس از تدوین وتنظیم شرایع مذهب زردشت در قرن چهارم میلادی و پیشرفت وتوسعه آئین مزبور و بنا برریعت این مذهب که مقرر میداشت نور آفتاب نباید به آتش بتابد ، این شعله مقدس ومورد احترام بشر اولیه در زمان ساسانی زیر سایبانی قرار گرفت که آنرا بشکل بنائی چهار درکه معمولاً دروازه های آن برطبق جهات اربعه تنظیم میشده وبنام چهارطاقی معروف است میساختند وهنگام نیایش آتش پیروان آئین زردشت میتوانستند آنرا طواف وبدون نزدیک شدن آنرا مشاهده کنند البته شکل آتشکده ها از بدو تأسیس سلسله ساسانی بتدریج تغییر یافته است ولی دراوائل تشکیل سلطنت پادشاهان ساسانی به پیروی از سنت پیشین آتشکده عبارت بود از مصطبه ای که در وسط آن سکوئی مرتفع قرار داشت وآتش مقدس بر فراز آن در زیر چهارطاقی افروخته میشد واز هنگامیکه آتش در زیر چهارطاقی قرار گرفت این نقشه عمومیت یافت وطبعاً آتشکده های عظیم تر از نظر معماری مورد توجه بیشتری بوده اند این نوع آتشکده ها علاوه بر چهارطاقی اصلی دارای يك دالان طواف نیز در اطراف بنای اصلی بوده اند که در هر بدنه آن دو مدخل داشته است نظیر آتشکده بزرگ آذرگشسب در شیز که بنام آتش شهریاری معروف بوده است (۱) .

از سه آتشکده بزرگ ومهم ومعروف زمان ساسانی یعنی آتشکده آذرگشسب در آذربایجان وآتشکده آذر مهر برزین در ریوند خراسان وآتشکده آذر فرنبغ در کاربان فارس ، تاکنون بسبب انجام حفاریات علمی فقط از نقشه ساختمانی آذرگشسب اطلاع داریم ولی بنظر میرسد که دو آتشکده بزرگ دیگر نیز دارای چنین نقشه های ساختمانی بوده اند ، بهر جهت سایر آتشکده های ساده فاقد دالان طواف بوده و فقط بصورت چهارطاقی ساخته میشده اند ونظیر این چهارطاقی ها بطور متعدد تاکنون

۱ - نگاه کنید به کتاب تخت سلیمان تألیف نگارنده .

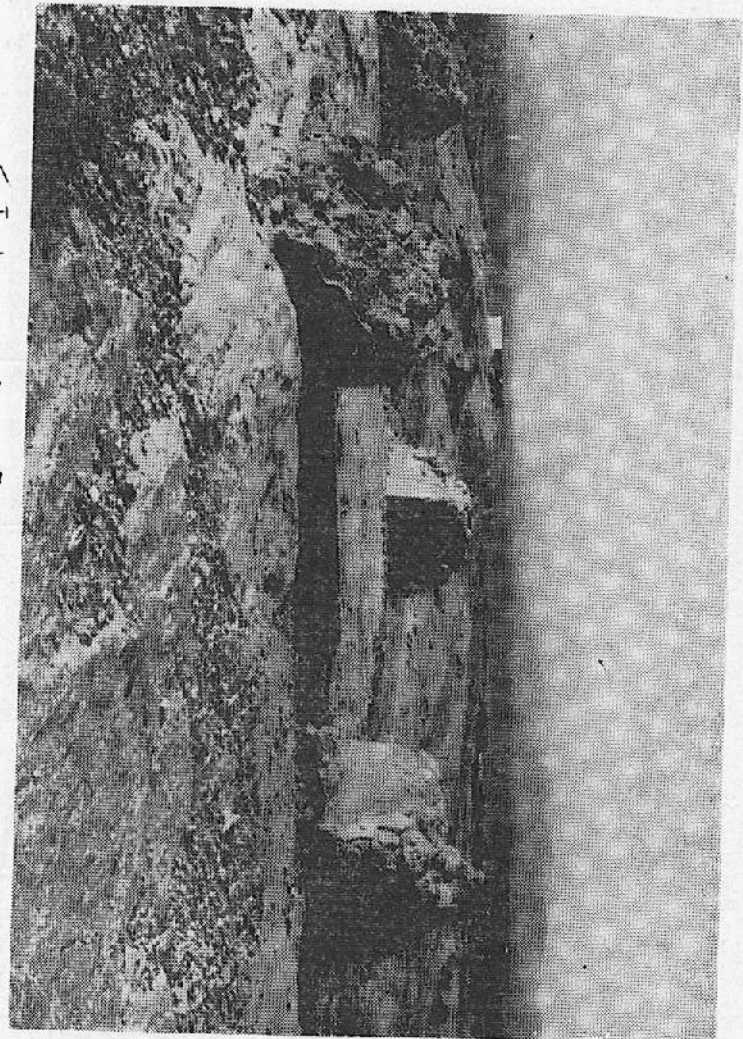


تصویر آتشکده جزیره خارک و نمای پنجره غربی آن که به منظور انتقال آتش به محوطه چهارطاقی که در فاصله ۱۰۰ متری آن ساخته شده مورد استفاده قرار میگیرد.



طرح آتشدان و چهارطاقی جزیره خارک

شماره ۱۰  
 در آتشگاه و آتشکده  
 آتشکده در کوه سهند  
 آتشکده در کوه سهند  
 آتشکده در کوه سهند



چهار جزر بنای چهار طاقی که در جهت شرقی آن بفاصله سدهتری بنای آتشکده دیده میشود

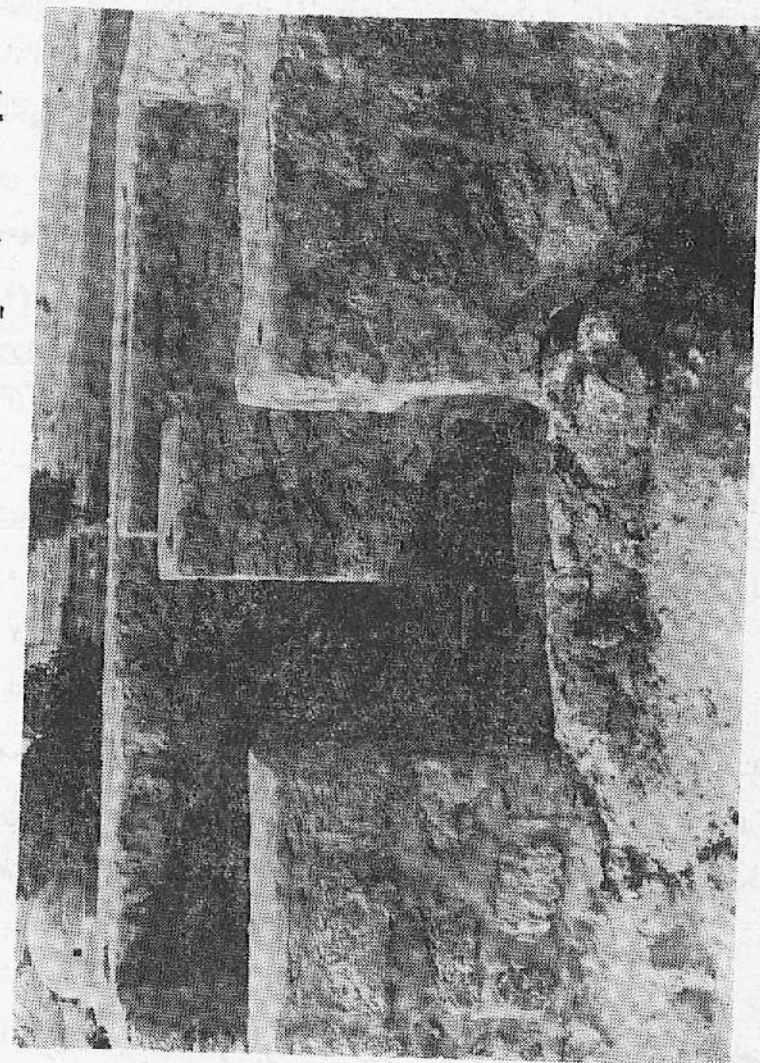
شناخته شده اند ولی بعضی از این چهار طاقی‌ها که اکثرآ در مکان مرتفعی ساخته شده بیشتر جنبه علائم و راهنمایی داشته‌اند. و نوع آتشکده‌هایی که در مرکز آن سکونتی برای برافروختن آتش وجود داشته (۱) دارای اطاقی پستوه مانند بوده که برای حفظ و نگهداری آتش بکار میرفته و آتش مقدس بر روی سکوی میانی پیوسته در حالت اشتعال بوده است. و شاید اطاقکی که بشکل پستوه در کنار این آتشدان وجود داشته علاوه بر نگهداری آتش بصورت مخزن سوخت آتش نیز مورد استفاده قرار میگرفته، البته در این مکان فقط موبدان حق دخول داشته‌اند و در مراسم رسمی و اجتماعی آتش را بمکان چهار طاقی که دارای درگاهی بلند و پهن بوده منتقل میکردند در این مراسم مردم میتوانستند فروغ و شعله آتش را نظاره کنند و دور آن طواف نمایند. آتشکده جزیره خارك از این نوع آتشکده بوده یعنی بر فراز کوه معروف به خضرو در مرکز آن آتشدانی وجود دارد که با توجه بجمعیت مسکونی این جزیره چندان بزرگ نیست و همانطوریکه گفته آمد وسعت آتشکده‌ها تقریباً رابطه مستقیم با کثرت جمعیت داشته‌است. آتشکده خارك دارای وسعتی بمساحت  $۷/۵ \times ۷/۲۰$  متر مربع زیر بنا بوده و محوطه داخلی که سکوی فروزش آتش محلی در آن قرار داشته فقط  $۴/۸۵ \times ۴/۲۰$  متر است و ستونی مکعب شکل در مرکز بنا بطول و عرض ۷۰ سانتیمتر و بلندی  $۱/۵$  متر دیده میشود.

در محوطه داخلی این آتشگاه در دو جبهه سکوهایی بصورت نشیمن به بلندی ۲۵ سانتیمتر و پهنای ۸۰ و ۳۰ سانتیمتر در جهات شرقی و جنوبی دیده میشوند که نگهبانان و مراقبین آتش دائمی از آنها استفاده میکردند. در جبهه شمالی این آتشکده اطاقکی به پهنای ۱۱۰ سانتیمتر که درازای آن برابر طول محوطه آتشکده است دیده میشود که بوسیله درگاهی باریک به پهنای ۸۰ سانتیمتر بداخل آتشکده راه می‌یابد و همانطور که گذشت بنظر میرسد که این مکان جای نگهداری مواد سوختنی بوده است.

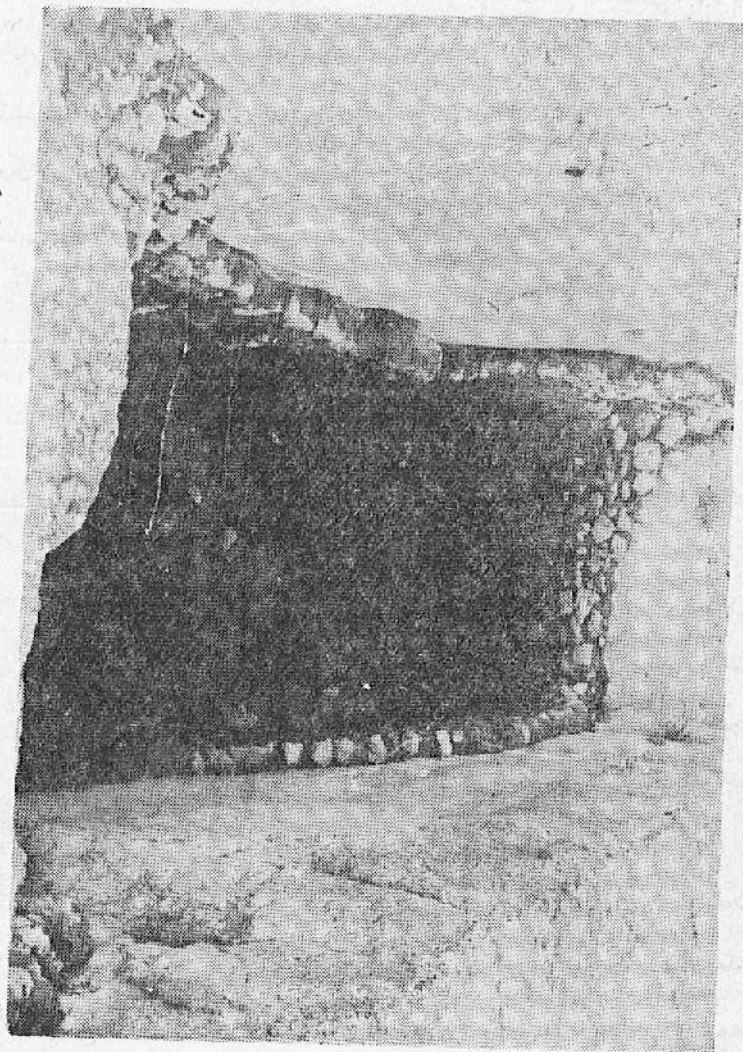
۱- کریتر موبد موبدان پادشاهان اولیه ساسانی در کتیبه کعبه زردشت در نقش رستم تخت جمشید مینویسد هر جا که سپاهیان شاهنشاه گذر کردند آتشکده‌ها برپا شدند.

اطاق آتشکده در جبهه غربی دارای دو در ورودی است، یکی در وسط که به پهنای یکمتر و مقابل سکوی آتشدان و یک درگاه فرعی فقط برای دید بیشتر به پهنای ۵۵ سانتیمتر در زاویه جنوب شرقی ساخته شده است. آتشکده این اطاق دارای یک پنجره در بدنه جنوبی است که در جهت آتشکده و چهارطاقی که با فاصله ۱۰۰ متری آن ساخته شده قرار دارد. بطوریکه مشاهده میشود این آتشگاه بصورت چهارطاقی نیست و فقط جای حفظ و نگهداری آتش دائمی بوده تا در هنگام نیایش، آتش مقدس را از این مکان به چهارطاقی منتقل نمایند ولی بعلاوه قرب مکانی با چهارطاقی و موقعیت خاصی که داشته است، در سمت غربی دارای دو درگاه مستطیل شکل و در جبهه جنوبی دارای یک پنجره مربع شکل بوده و در جهات شمالی و شرقی فاقد در ورودی است. این امر ارتباط با وسعت و میدان دید آتشدان داشته است، بدین ترتیب که چون آتشدان در این جهات دارای منظری نبوده لذا درگاهی هم در آنها تعبیه نشده، ولی در جبهه شرقی که روبه مکان مسکونی و میدان دید بیشتر حتی مقابل منظر دریا و بنا در قدیمی است دو درگاهی نصب شده است تا شعله‌های آتش کاملاً مشهود باشد اما پنجره‌ی جنوبی که روبروی آتشکده چهارطاقی قرار گرفته نه تنها دارای میدان دید بوده بلکه احتمال دارد از آن بمنظور انتقال ظروف آتش به چهارطاقی استفاده میشده. خاصه آنکه در سطح خارجی این بدنه، شالوده بنا که از سنگهای حجاری شده محلی ساخته شده پلکانی سراسری در سه ردیف وجود دارد که دسترسی به پنجره را بهر شکل و منظری آسان میسازد.

در زاویه شرقی این آتشدان حوضی مستطیل شکل که گنجایش ۷ متر مکعب آب داشته بطور مایل جهت نگهداری آب مقدس در صخره کوه در کنار مدخل آتشگاه حفر شده است. این سنت ساخت آتشگاه در مجاورت دریاچه و یا چشمه و یا آب مقدس در اکثر آتشکده‌های دوره ساسانی مراعات گردیده و احتمالاً آب این حوض را از مخزن استخری که با فاصله ۱۰۰ متری این مکان با ابعاد  $۴ \times \frac{۲}{۵} \times ۹$  متر در دل کوه کنده‌اند و آن استخر بوسیله آب باران پر میشده است تأمین میکرده‌اند. این حوض



محوطه داخلی آتشکده و سکوی مخصوص فرودش آتش بروی آن (نمای جبهه شرقی)



مختبر ذخیره آب که بعورت استخر بزرگی بهاصلا ۱۰۰ متری شمال آتشکده درون سنگهای مرجانی جزیره حفز شده است .

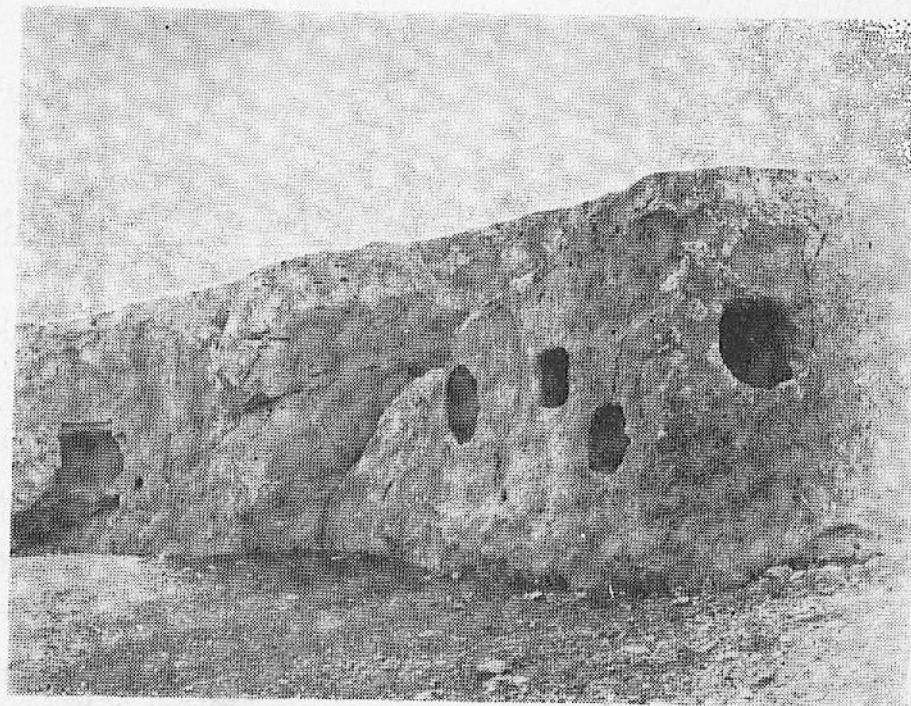
بزرگ گنجایش تقریباً ۷۰ متر مکعب آب دارد و چنانکه ظاهر آن نشان میدهد یکبار هم بعامت خلل و فرجی که در بدنه آن شاید در اثر زلزله ایجاد شده است در آن مرمتی بعمل آمده یعنی با قلوه سنگ و ملاطی شبیه ساروج آستری کامل در تمام سطح جانبی این حوض کشیده شده و پلکانی نیز برای دسترسی بآب در آن ساخته شده آثار جای ظروفی که آب را با سطل و دلو میکشیده اند در کنار این استخر دیده میشود .

#### چهارطاقی خارك :

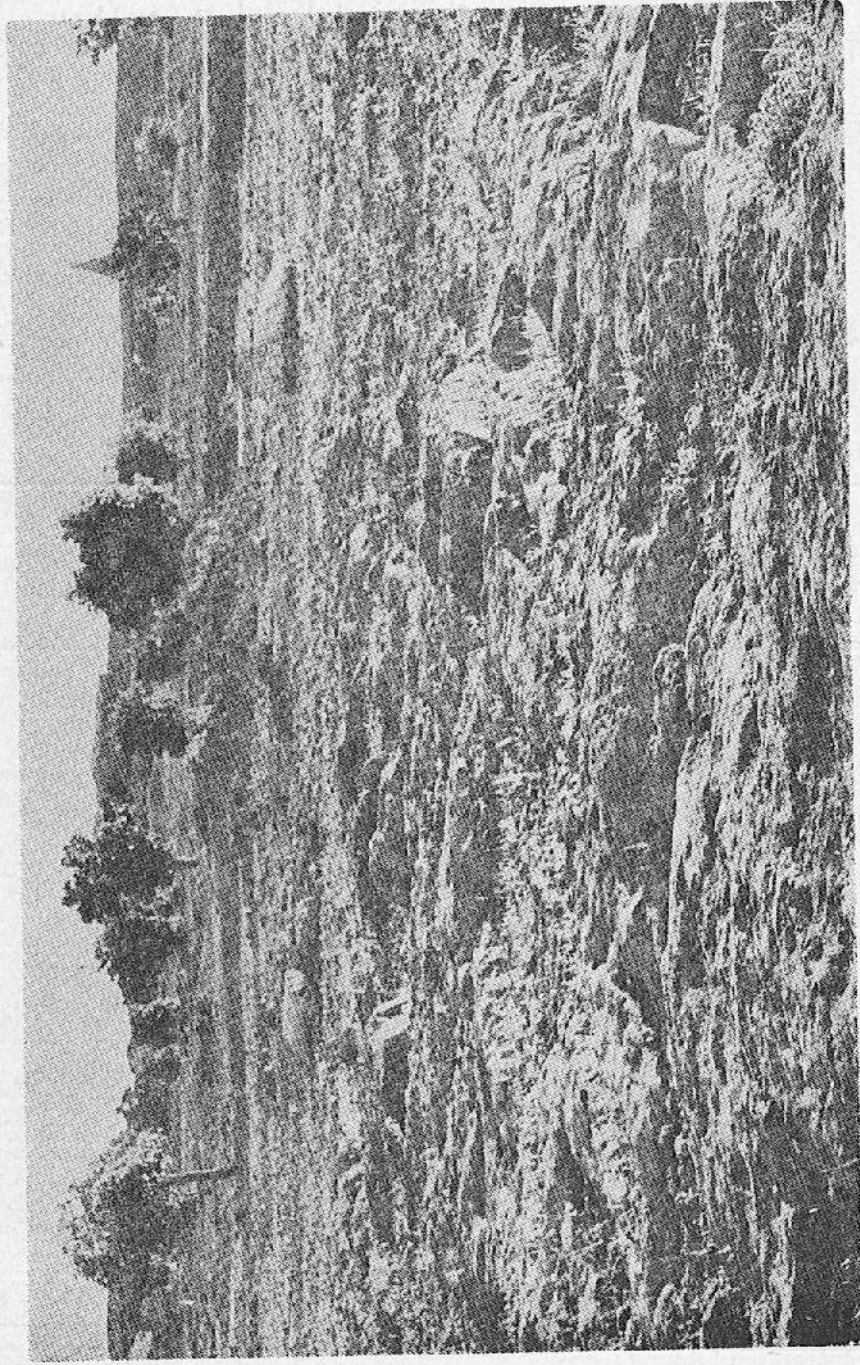
بفاصله صد متری جبهه جنوبی آتشدان ، چهارطاقی آتشگاه در مرتفع ترین نقطه کوه خضر در مکانی مناسب بادید کافی از هر جهت برای انجام مراسم نیایش آتش ساخته شده است . این آتشگاه نظیر سایر آتشگاههای زمان ساسانی مربع شکل و بوسعت  $4/70 \times 4/70$  متر مربع است که دو هر گوشه آن چهار پایه مکعب شکل که طول و عرض قاعده آن  $1 \times 1$  متر است ساخته شده و بر روی آن گنبدی وجود داشته با چهارطاق هلالی شکل در جهات چهار گانه آن که دهانه هر یک از آنها  $2/90$  متر بوده است و بدین ترتیب فضائی باز و قابل رویت جهت شعله های آتش فراهم شده آتش مقدس را از آتشدان هنگام برگزاری مراسم در اعیاد باین مکان منتقل مینموده اند و جمعیت بومی زردشتی مذهب عهد ساسانی در اطراف این چهارطاقی جمع شده بدون آنکه به آتش نزدیک شوند آن را از دور نظاره و آئین مذهبی خود را انجام می آوردند . باستناد سکه ای که پروفیسور گریشمن ضمن عملیات حفاری در این محوطه بدست آورده و مربوط بهرمز چهارم میباشد تاریخ آتشکده را میتوان در حدود ۱۶۰۰ سال پیش دانست .

بعلاوه آثار متجاوز از ۶۰ استودان که از مشخصات دوره ساسانی است در اطراف بدنه کوه خضر وجود دارد بنا به سنت زردشتیان عهد ساسانی اقوام اهورائی مردگان خود را در دخمه هایی که در بلندترین نقطه مسکونی و دور از انظار قرار داشت در معرض خوراك کر کس و لاشخور میگذاشته اند و سپس استخوانهای مردگان را جمع آوری کرده درون حفره ها ای که در دل کوه کنده بودند قرار میدادند . بقایای این گونه استودان یا استخوان دانه ها در اکثر نقاط که در قلمرو حکومت ساسانیان بوده

وجود دارد ولی در جزیره خارک چیز عجیب آنستکه در سر در بعضی از این استودانها آرم صلیب نسطوری دیده میشود. هر چند بیشتر این نوع استودانها مستطیل شکل میباشد که تقریباً وجه تمایزی است بین دخمه‌های گرد ساسانی و قبور نسطوری ولی این مطلب همه جا صادق نیست زیرا در اطراف نقش رستم تخت جمشید، آخور رستم فارس و کوه کبوتر دره شمال شوشتر دخمه‌های مستطیل شکلی وجود دارد که کاملاً شبیه استودانهای بزرگی است که نسطوریان مقیم خارک ساخته و بر بالای آن نقش صلیب راحک کرده‌اند. و از طرفی بعضی از استودانهای گرد نیز دارای نقش صلیب میباشد که شاید یکی از دلایل بارز مذهب مسیحیان ایرانی یعنی نسطوریان بوده که آئین تلفیقی را بوجود آورده‌اند که در واقع میانگین بین دو مذهب زردشتی و مسیحیت بود. و جنبه تمایل بزرزدشتی در آن بیشتر است، بدین معنی که نسطوریان معتقد بودند طبیعت مسیح نبودند بلکه طرفدار فطرت ذاتی دو گانه انسانی و الهی عیسی مسیح بودند و بدعت گزار آئینی خاص شدند که یکقدم به مزدک پرستان زردشتی نزدیک شده بود. چنانکه برخلاف کشیشان مسیحی برای کلیسائیان نسطوری ازدواج مانعی نداشت و صومعه نشینان نیز در این کار مجاز بودند که باتوجه باین مطلب و وجود کلیسای نسطوری غرب جزیره خارک که شرح آن خواهد آمد و تاریخ آن بین قرن پنجم و ششم میلادی ذکر شده است و باتوجه به نقش صلیبی که روی پله‌های این کلیسا حک شده و قابل مقایسه با نوع صلیب بالای دخمه‌ها میباشد میتوان یقین داشت که دخمه‌های نسطوری اطراف کوه خضر مربوط به همان اقوام و احتمالاً در اواخر قرن ششم میلادی بوجود آمده است. در این صورت میتوان یقین کرد که برخی از استودانهای ساسانی نیز پس از دو قرن توسط نسطوریان تغییر شکل یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. اما پیش از آنکه جهت آشنائی با کلیسای نسطوری رهسپار جبهه غربی جزیره خارک گردیم لازم است که ازدو آرامگاه بزرگ و جالب توجه که در بدنه کوه خضر مشاهده میشود بحثی بمیان آید. بنا باظهار اکثر محققین این دو آرامگاه مربوط به قوم پالمیری میباشد که یکی در جبهه جنوبی و دیگری در جهت شرقی قرار گرفته است، ولی بعلمت استفاده از بدنه‌های حجاری شده و مخصوصاً ستونهای

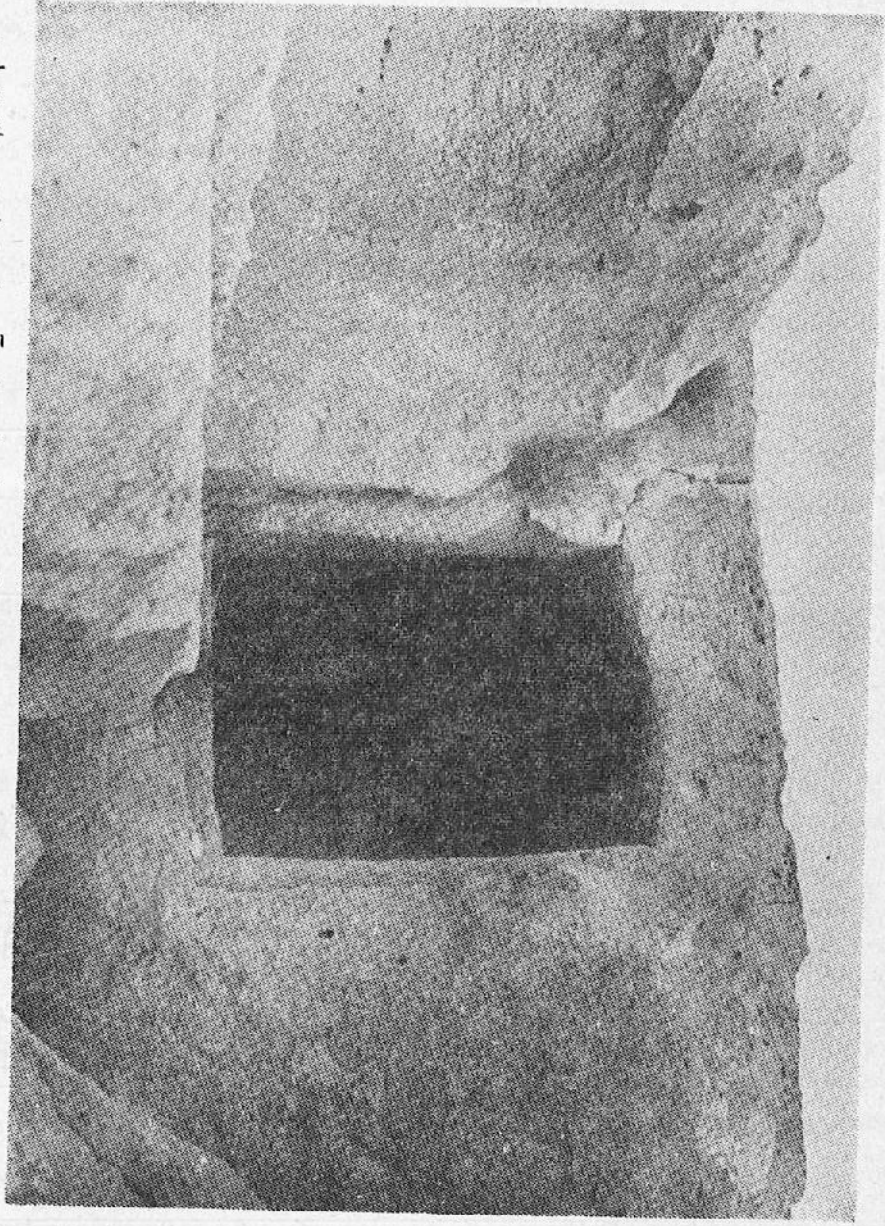


نمونه‌های از استودانهای اقوام زردشتی ساکن در جزیره خارک در دوره ساسانی که در اواخر ارتفاعات معروف به خضر ایجاد شده است.



بقایای قهبری که در دامنه شرقی و شمالی کوه خضر درون کوه حفر شده که بنظر می‌رسد علاوه بر استفاده دفن اجساد دوزمان ساسانی برخی از آنها بمنظور دخمه‌مورد استفاده بوده است

یکی از دخمه‌های مورد استفاده اقوام نسطوری جزیره خارک که برپیتانی این معماره آرام‌مطلب نسطوری حاکم شده است



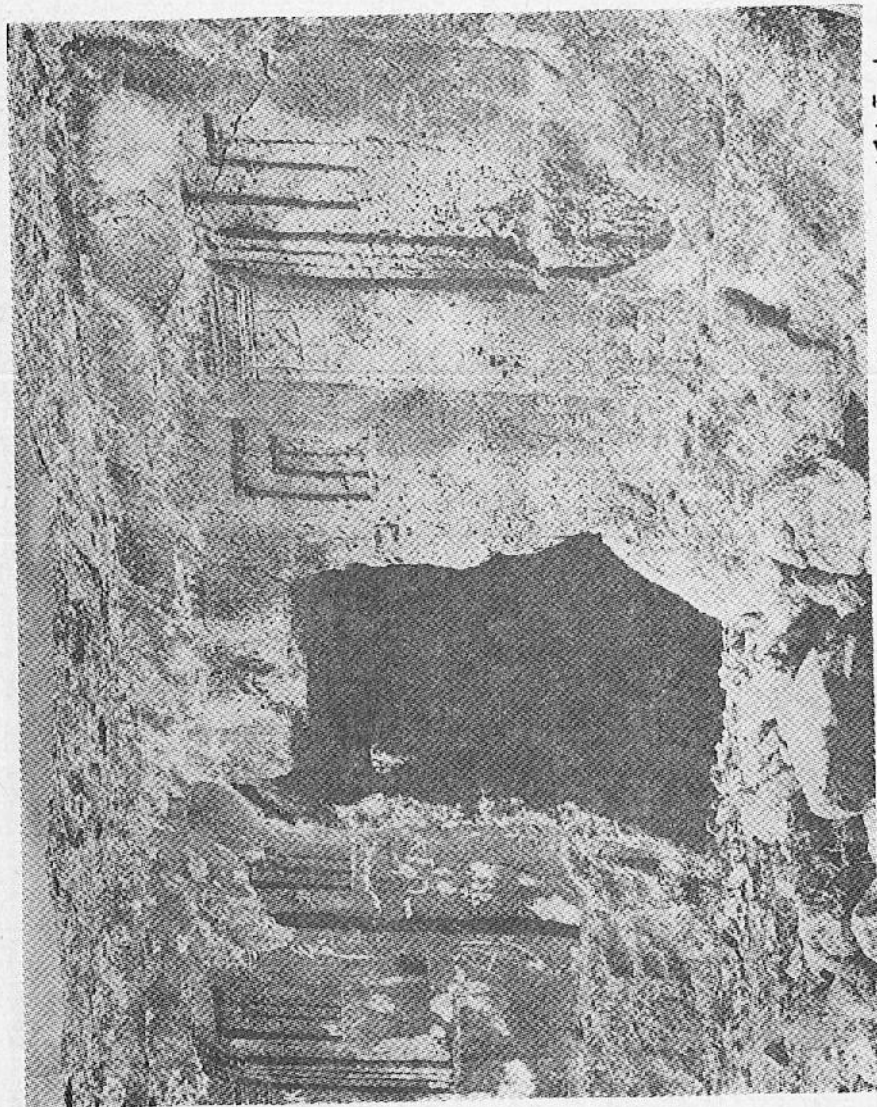
این دو آرامگاه و همچنین بدنه‌های حدمشترك بين قبور که احتمالاً توسط هلندیها بریده شده هر دو آرامگاه از شکل اصلی خود خارج شده است ولی آرامگاه جنوبی نسبت به آرامگاه شرقی تقریباً سالمتر باقی مانده و اینک بشرح این دو آرامگاه می‌پردازیم.

معابد و قبور پالمیریان (تدمر) :

شهر تاریخی تدمر (پالمیر) در شمال شرقی دمشق قرار داشت این شهر در دوره تاریخی مرکز مهم بازرگانی و مردم پالمیر خود بازرگانان ماهری بودند که در قرون اولیه میلادی رابطه تجارت دنیای آنروز را از هندوستان با دریای مدیترانه بدست داشته و در زمان رومیان باوج شهرت رسیده بودند. و گویند وقتی که شاپور اول از جنگ والرین مراجعت میکرد سوریه و کاپادوکیه را تسخیر نمود ولی هنگام بازگشت مورد حمله امیر تدمر قرار گرفت و شکست خورد و قسمتی از غنائم خود را از دست داد هر چند این شکست در برابر پیروزی شاپور بر والرین موضوعی ناچیز بود و از اهمیت و اعتبار شاپور نکاست ولی حاکی از قدرت و نیرومندی دولت پالمیر در سال ۲۶۰ میلادی میباشد (۱).

۱ - این مطلبی است که در بعضی کتب تاریخی آمده است ولی دلائل و اسناد باستانشناسی رد این نوشته را ثابت میکند باین معنی که در شهر دورادروپوس معبدی از خدای پالمیریان کشف شده است که بر بدنه‌های آن نقوشی از سرداران ساسانی و کتیبه‌ای بخط پهلوی وجود دارد و بر طبق تحقیقات پروفیسور لوکونین دانشمند باستانشناس معروف شوروی وجود این تصاویر را در معبد پالمیریان دال بر تصرف شهر دورادروپوس توسط شاهپور اول ساسانی و اقامت طولانی لشکریان وی در این مکان میدانند پروفیسور لوکونین Lukonin باستناد خط پهلوی و علائم کلاه سرداران ساسانی و همچنین نوشته نام هرمز پسر شاهپور تاریخ این نقوش را که اکثراً حاکی از پیکار سواران ایران ورم میباشد بین سالهای (۲۵۶) تا (۲۶۲) میلادی ذکر کرده است بنابراین میتوان پنداشت که از این پس کشور تدمر دستخوش تجزیه شده و از امپراطوری غرب (رم) جدا گردیده و دوره درخشندگی و طوفانی کوتاه مدت آن پایان رسیده است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب تمدن ایران ساسانی تألیف پروفیسور ولادیمیر گریکورویچ لوکونین ترجمه آقای دکتر عنایت‌اله رضا صفحه ۹۱ مراجعه شود.



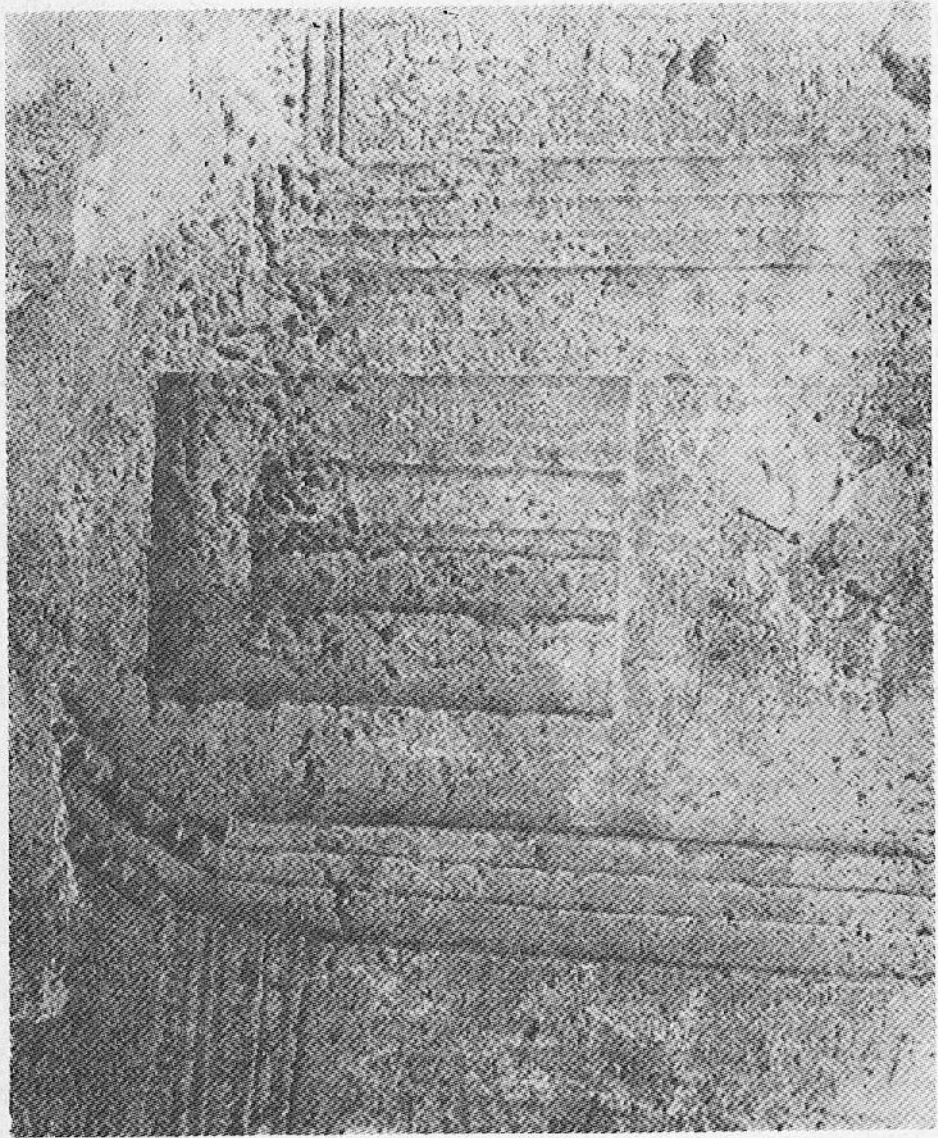
نمای آرامگاه شرقی پالمیریان که در دامنه کوه مقدس خضر و درون آن حفر شده است تزئینات اطراف مدخل این آرامگاه نمایشگر معماری عصر پارتی و ساسانی است که بصورت پنجره‌ها و درگاه‌ها و طاق‌ها و حجره‌های ستونی شکل حجاری شده است.

تجار پالمیری که مقر اصلی آنها نزدیک دمشق بوده در حقیقت واسط داد و ستدامتعه و کالاهائی بودند که از شرق بغرب عرضه میگردید. در این زمان پنبه و ابریشم چین از طریق دره سند بخلیج فارس وارد میشد. و از آنجا به بنادر کشور مصر در بحر احمر برای غربیان حمل میگردید همچنین ادویه هندوستان مانند فلفل و دارچین و زنجبیل مشتریان زیادی داشت و رونق تجارتی زیادی پیدا کرده بود و بازرگانان پالمیری در اثر حمل و عرضه نمودن کالای شرق به غرب اهمیت خاصی یافته بودند. نظر بموقعیت مهم مکانی جزیره خارک که شمالی ترین جزیره خلیج فارس و جنوبی ترین نقطه پایگاه کشتی های تجارتی پالمیریان بود عده ای از اهالی تدمر بمنظور کسب و تجارت در این جزیره مستقر شده بودند.

توجه باینکه در زمان پارتها مدتی راه دریائی خلیج فارس در دست رومیان بوده است اقامت پالمیریان در این جزیره چندان بعید بنظر نمیرسد. ولی در تمام طول دوره ساسانی سراسر خلیج فارس در حیطه تسلط ساسانیان در آمده است تاریخ این اقامت با توجه بسبکهای مختلف معماری بناهای مستحدثه که در آنها اسلوب خاص معماری پارتی و ساسانی کاملاً رعایت شده است، میتوان تاریخ اشغال این پایگاه تجارتی و استفاده آنرا توسط پالمیریان در اواخر سلطنت پارتیان و در حدود قرن اول و دوم میلادی تصور نمود. سوداگران پالمیری امتعه و کالاهائی را که از شرق به این جزیره میرسید در این مکان بکشتی های خود منتقل و از طریق فرات به بنادر مدیترانه حمل میکردند تا از آن بنادر بکشور روم و مغرب زمین برسانند. بهر جهت مامظاهر و آثار تاریخی فعالیت و سکونت اقوام پالمیری را در جزیره خارک می بینیم ولی پیش از شرح این آثار حاجت بتذکار است که مختصری از خصوصیات معماری و مشخصات هنری این قوم را در دوره تاریخی یاد آور شویم.

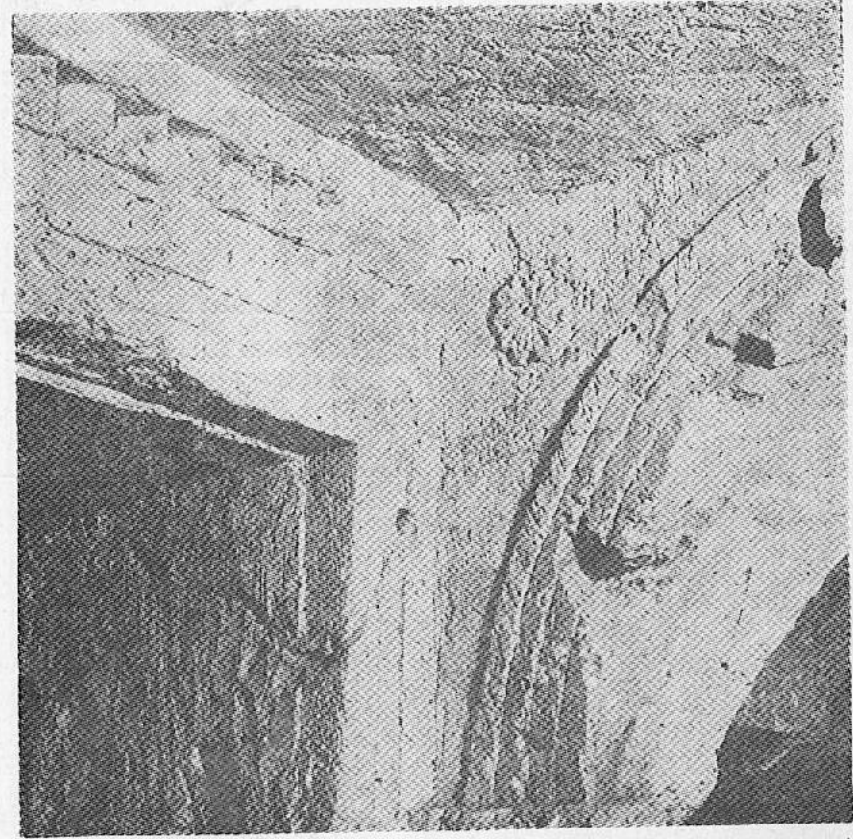
ابنیه تاریخی و هنر حجاری تدمر در دوره تاریخی حائز اهمیت بوده است و کیفیت آرامگاههای آنان که در دل صخره حفر شده است درست شبیه قبرستانهای زیرزمینی مسیحیان در حدود ۲۵۰ بعد از میلاد است و نقوش روی بعضی از قبور تدمر قابل مقایسه بانقش برجسته ای است که در آرامگاه جزیره خارک مشاهده میشود. نقش

منظره تنبلیات کنگرئی و کیوئی و درگاهها و پنجره گوندها چنانچین مدخل آرامگاه پالمیریان





بقایای ۵ قبر درجبهه شرقی آرامگاه جنوبی پالمیریان که بطور کشفی ساخته شده و تا پوتهای حامل اجساد درون آنها قرار داده می شد .



نمای زاویه جنوب غربی دهلیز آرامگاه شرقی پالمیریان که در نهایت سلیقه دردل کوه حجاری شده و تزئینات کنگره ای در اطراف مقابر و نقش گل رزاس در دو طرف نمای دهلیز آرامگاه نقش شده است .

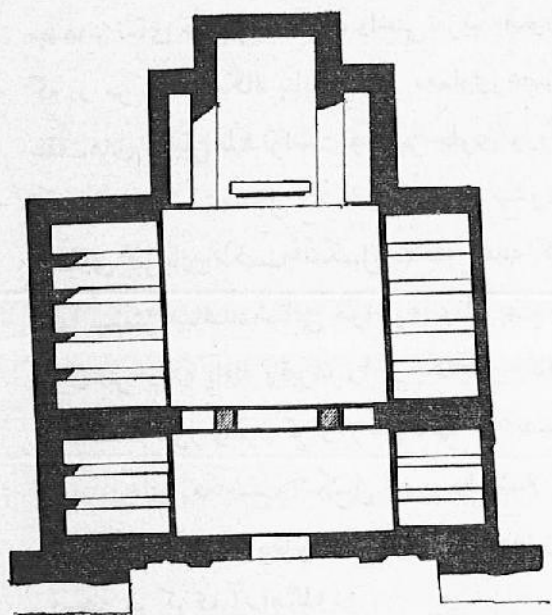
برجسته زاویه شمال شرقی یکی از آرامگاه‌ها که شخصی را بحالت ایستاده بر روی کسره‌ای در روی سرستونی حجاری نموده‌اند. قابل مقایسه با خدای نگهبان زمین در مذهب پالمیری است. و با نقش برجسته دیگری که شخصی را در حالت استراحت نشان میدهد مشابه نقوشی است که در این زمان در پالمیر مرسوم بوده و انتساب آنرا بقوم پالمیری به ثبوت میرساند. بعلاوه درون هر یک از آرامگاهها کیفیت ساخت مقابر شباهت کلی آنرا با مقابر تدمری کاملاً نشان میدهد. هر چند در این ابنیه کتیبه مهمی وجود ندارد ولی بقایائی از خط شامی ملاحظه شده است. پروفسور واندنبرگ باستانشناس بلژیکی در کتاب معروف خود بنام باستانشناسی ایران کهن باین مطلب اشاره کرده و شاید یکی از دلایل مستند انتساب آن به اهالی تدمر وجود همین کتیبه بوده است. شاید نوشته‌های دیگری هم وجود داشته که هنگام تخریب این بنا و برش بدنه و ستونهای آن توسط هلندیها از بین رفته است، با این وجود سبک و اسلوب این ابنیه کاملاً تحت نفوذ معماری پارسی است بدین ترتیب که درون هر آرامگاه سه اطاق وجود دارد که اطاق وسطی نسبت به اطاقهای جانبی بزرگتر و مرتفعتر ساخته شده است و سایر عناصر ساختمانی از قبیل نمایش قرنیزها و کنگره‌های تزئینی، ستونها و سرستونها کاملاً دارای هیئت پارسی و ساسانی است و درگاهها و ورودی‌ها نیز چنین وضعی دارند. اما موضوع جالب توجه و قابل اهمیت چگونگی اصل بنا است که آیا واقعاً این بناها قبرستان یا اینک مکانی برای آئین نیایش و امانت گذاشتن اجساد بوده است؟ تصور می‌رود که این نوع امکانها تنها بمنظور جادادن اجساد نبوده بلکه به نیایش و انجام مراسم مذهبی اختصاص داشته که ضمناً از آن برای امانت گذاشتن مردگان نیز استفاده میشده است باین صورت که آنها را در تابوتهای چوبی در این مکان نگهداری مینموده‌اند. و شاید مدت امانت بستگی کامل با ورود کشتیهای پالمیری و رجعت آنها به سوریه داشته است، جایگاه تابوتها بطور کشویی ساخته شده و وضع ظاهری آنان موید اینست که این تابوتها ثابت نبوده و در مواقع لازم میتوانسته‌اند بسادگی

آنرا از جایگاه خود خارج و بمکان دیگری که شاید همان وطن اصلی پالمیریان بوده است منتقل سازند.

اینک که تا اندازه‌ای نسبت بموقعیت و سبک و مشخصات این قبیل آرامگاهها آشنائی حاصل شد، بشرح دو آرامگاهی که از قوم تدمر در جزیره خارك و در دامنه کوه خضر وجود دارد می‌پردازیم و برای سهولت از آرامگاه جبهه شرقی که تقریباً نمایشگر وضع آرامگاه دیگر و همچنین نیایشگاههای پالمیری است شروع مینمائیم.

#### آرامگاه شرقی پالمیریان :

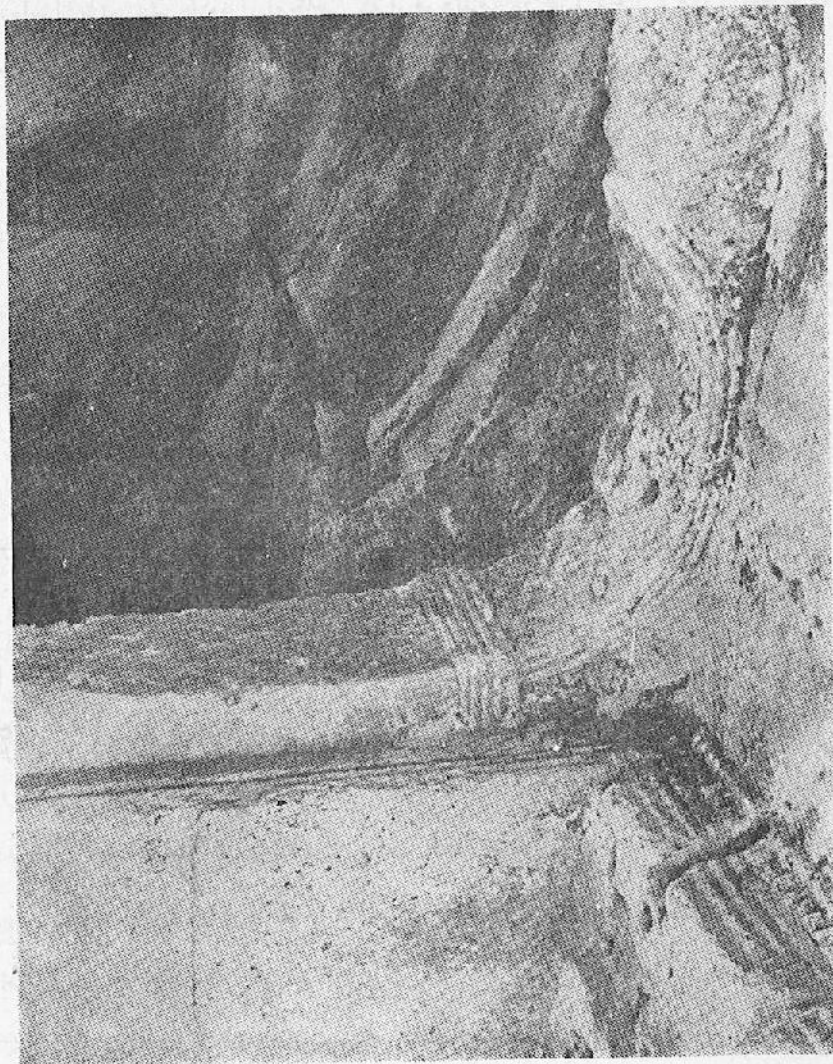
این آرامگاه رو بشرق و مشرف بدشت مسکونی جزیره است مدخل آرامگاه که در وسط قرار گرفته دارای ۱/۵ متر بلندی و ۱۵ سانتیمتر پهنا است در جوانب این مدخل نقش برجسته‌ای بشکل ستون و پنجره نما حجاری نموده‌اند، بدین ترتیب که نمای درگاهی که بین دو ساقه ستون که هر یک دارای سرستونهای تزئینی بشکل قرنیز و اسلوب معماری ایرانی است قرار گرفته، فاصله دو ستون در این نما سازی ۸۰ سانتیمتر است که فواصل آنها را قوسهای هلالی شکل ساسانی که از روی پایه عقب تر زده شده با تزئینات کنگره‌ای و به بلندی ۱۵ سانتیمتر بوجود آورده‌اند. پنجره نماهای داخل بابعاد ۳۰ × ۵۰ سانتیمتر در وسط این درگاه ساخته شده. اطراف این پنجره نماها را نیز قرنیزها و کنگره‌های دندانه‌ای مثلثی شکل تزئین نموده است که بطور قرینه در جناحین ورودی این تزئینات قرار گرفته‌اند. در زیر نقوش، که در یک سطح افقی سوراخ‌های متعددی است که در هر طرف تعداد آنها به ۱۵ عدد میرسد که یقیناً در مواقع لزوم مشعل یا شمع در آن قرار می‌داده‌اند و یکی از دلایل اینکه اماکن مزبور فقط قبرستان نبوده بلکه تشریفات مذهبی هم در آنجا انجام میشده است وجود همین حفره‌های جای شمع میباشد که در موقع مراسم مورد استفاده بوده است. و بدین ترتیب در مواقع مخصوص که مشعلها و یا شمعدانها روشن میشده بعلت انعکاس روشنائی در بدنه صخره که مقابل دریا قرار گرفته علاوه بر جنبه تزئینی بمنزله علائم و نشانه‌های سودمندی برای جهت‌یابی کشتیها



00 50 100 200

طرح یکی از معابد پالپیریان (پلان)  
مقیاس ۱:۲۵

قسمتی از تزئینات و حجاری دهلیز آرامگاه جنونی که در آن بقایای یکی از درگاههای ورودی به معبد  
معتبر دیده میشود و درست کنیت حجاری این ساقه ستون و قوس آن شاخصی از معماری عصر پارسی و ساسانی است.



در شب بوده است (۱).

محوطه داخلی نیایشگاه:

هنگامیکه وارد آرامگاه میشویم کیفیت کار استادان حجار که اقدام به حفر درون این صخره و تزئینات و حجاری آن نموده اند جلب توجه مینماید. ضخامت بدنه ورودی از ۴۰ سانتیمتر تجاوز نمی کند همین امر دقت و ظرافت کار را نشان میدهد. نمای عمومی محوطه داخلی تقریباً بصورت صلیبی شکل باطاق ضربی است که در مرکز آرامگاه بنا به سنت معماری عصر پارتی و ساسانی نسبت به پوشش سقف های جنبین بلندتر است و دهلیز جلوی ورودی فضائی بوسعت  $۲ \times ۴$  متر است که در سمت راست مدخل، اشکفتی مشاهده میشود که درون آن سه ردیف افقی و سه ردیف عمودی قبرهای مکعب شکل ساخته شده که طول هر یک  $۱/۹۰$  متر و بلندی آنها نیم متر میباشد، شکافی سراسری و ظریف به عمق ۳ و پهنای ۳ سانتیمتر در سراسر طول قبر ادامه یافته و قبرها را از یکدیگر جدا مینماید. کیفیت حجاری شکافهای جداکننده قبور و طرز قرار گرفتن آنها که بصورت سه طبقه است نشان میدهد که تابوت های مکعب شکل چوبی را که دارای زائده ای کشو مانند بوده در این مکان جا میداده اند. سمت چپ دهلیز نیز دارای وضع مشابه ای می باشد صحن مرکزی آرامگاه:

از بقایای آثار مخروبه و ستونهای بریده شده و با توجه به نقش سطح خارجی و اطراف ورودی بنا که الهام از سبک معماری عصر تاریخی ایران است. استنباط میشود که محوطه مرکزی دارای یک ورودی باطاق هلالی در وسط و دو راهروی کوچک متقارن بوده است. که قسمتی از قوسهای بالای درگاههای کوچک و باطاق آنها با سبک معماری ساسانی باقی مانده و در حاشیه هر یک از این دو درگاه کوچک نقش برجسته گل رز نه پری حجاری شده است. نوع پایه ستونها و سرستونهای حمال قوسهای طاق کاملاً ایرانی است و شبیه نماسازی سطح خارجی آرامگاه است.

۱ - در آتشکده زمان ساسانی جزیره خارك نیز در این جهت دو ورودی تمییه شده بود تا شعله آتش دید بیشتری داشته باشد.

هنگامیکه از مدخل وسط و بادرگاههای جناحین آن وارد صحن مرکزی میشویم فضائی مستطیل شکل بابعاد  $۳/۵ \times ۴/۵$  متر، صحن مرکزی را تشکیل میدهد و بطور متقارن در سمت چپ و راست این مکان بقایای ۵ قبر افقی ۲ طبقه مانند جایگاههای تابوتها دیده میشود. اختلاف سطح فضای مرکزی نسبت بسطوح جوانب خود در حدود نیم متر است و بهمین علت در این مکان بجای سه طبقه قبر گنجایش حجاری برای دو طبقه ردا داشته است.

ایوان انتهائی یا ایوان مقابل مدخل:

حجاری و حفر بدنه انتهائی آرامگاه از نظر شکل کاملاً قرینه ورودی درگاه وسطی دهلیز میباشد ولی اطراف آنرا بصورت جایگاه قبور که در این بنا بیشتر مورد توجه بوده ساخته اند. هر چند وضع ظاهری آن طوری نیست که بتوان تعداد قبرهای این جبهه را مشخص نمود ولی از نظر سبک معماری که صحن مرکزی بالاتر از سطح حجاری های جنبین میباشد احتمالاً یک ردیف قبور سه گانه بطور عمودی در هر یک از جناحین ایوان وجود داشته است. بنابراین آرامگاه شرقی پالمیریان جمعاً گنجایش ۴۴ تابوت ردا داشته است. در مرکز این نیایشگاه در بجه ای دایره شکل بقطر ۵۰ سانتیمتر برای روشنائی در سقف ایجاد شده و هر چند در این مکان نقش برجسته و تزئینات گل و بوته نظیر آرامگاه جبهه جنوبی وجود ندارد ولی حواشی قبور و سقف رادرنهایت سلیقه با کنگره های قرنیز مانند و ستون نماها تزئین نموده اند.

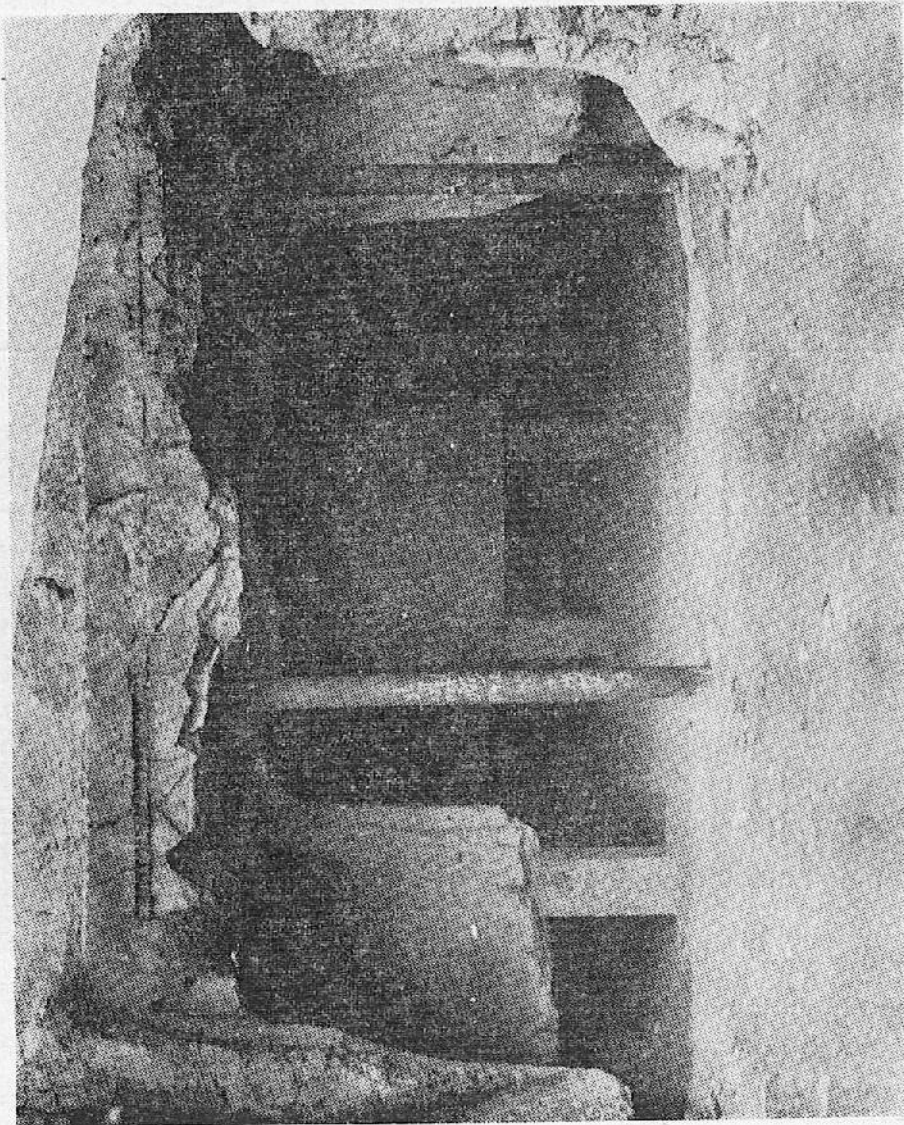
متأسفانه بواسطه استفاده از سنگهای حجاری شده ستونها و بدنه های قبرها، آثار مختصری باقی مانده و کف آن نیز بعلت نفوذ آب بتدریج قیافه اصلی خود را از دست داده و بصورت ناهمواری درآمده است.

آرامگاه جنوبی:

برای مشاهده و مطالعه آرامگاه جنوبی بهتر است که ابتداء آرامگاه شرقی را با دقت ملاحظه نمائیم چه از نظر حجاری و اسلوب ساختمانی، آرامگاه جنوبی

بامختصر اختلافی نظیر معبد شرقی ساخته شده است و با وجود لطامت شدیدی که بر آن وارد شده مع الوصف وضع ظاهری و ورودی آن نظیر آرامگاه شرقی و دارای تزئیناتی بوده است. باین ترتیب که علاوه بر قریزهای کنگره ای، فواصل بین دوسر ستون در جوار یکدیگر ایجاد مثلث های تزئینی نموده اند. که نمایشگر وضع اولیه معبد میباشد.

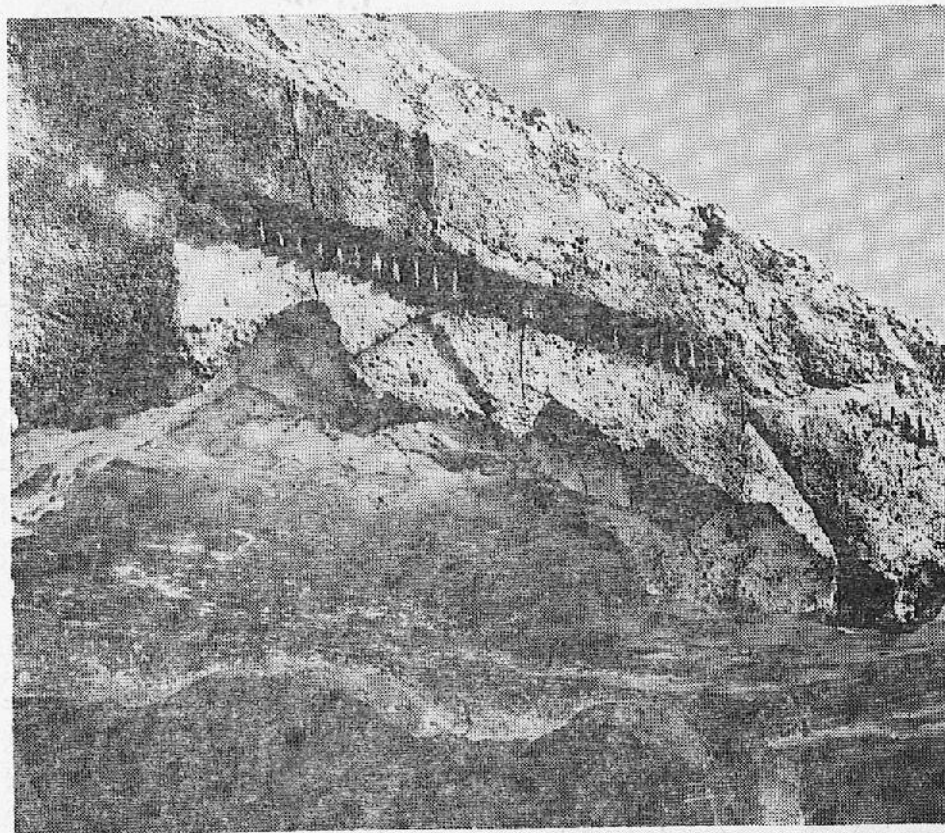
هنکامیکه وارد دهلیز این آرامگاه میشویم چیزیکه بیشتر جلب توجه میکند درز و ایای ورودی دهلیز، نمای دوسرستون مدور است که دارای سرستونهای و ولوت دار میباشد که نظیر آن در آرامگاه شرقی وجود ندارد، در سمت راست و چپ این آرامگاه جایگاه تابوت های اجساد بهمان تعداد و کیفیت آرامگاه شرقی ملاحظه میشود و در گاههای ورودی بمحوظه مرکزی این نیایشگاه نیز شبیه ورودی دهلیز آرامگاه شرقی است، و یک و روی و دودرگاهی در اطراف آن ساخته شده است. در دو طرف صحن مرکزی نیز جایگاه ده تابوت حامل اجساد بطور دو طبقه مقابل یکدیگر حجاری شده است. ولی در بدنه شمالی این آرامگاه با آرامگاه شرقی اختلافی بدین شرح وجود دارد. که آثار محو شده نقش برجسته انسانی که بر روی تختی به بالش تکیه داده و در دست چپ قدحی از شراب یا شیشی دیگری که چندان مشخص نیست گرفته، و در پائین پای او نقش برجسته دیگری بمقیاس خیلی کوچکتر دیده میشود. روی هم رفته بعلمت نامرغوبی جنس سنگ، نقوش برجسته این مکان آنطوریکه باید و شاید جلب توجه نکرده و فاقد ارزش هنری بوده و در آن رعایت تناسب هم نشده است، ولی حاشیه ای که بصورت طاق نما اطراف نقش برجسته را فرا گرفته مبین آنست که این شخص درون ایوان یا مکانی در حالت استراحت است، نمای این ایوان چه از نظر ساخت ستونهای تزئینی و چه از لحاظ کیفیت پوشش طاق هلالی، نمایشگر سبک معماری پارتی و ساسانی است. در طرف چپ این نقش برجسته جای قبور بطور ناقص حجاری شده است و چون فاقد شکافهای کشتویی جای قرار گرفتن تابوت است، میتوان استنباط کرد که این جایگاه بهللی ناتمام باقی مانده، ولی در محوطه سمت راست



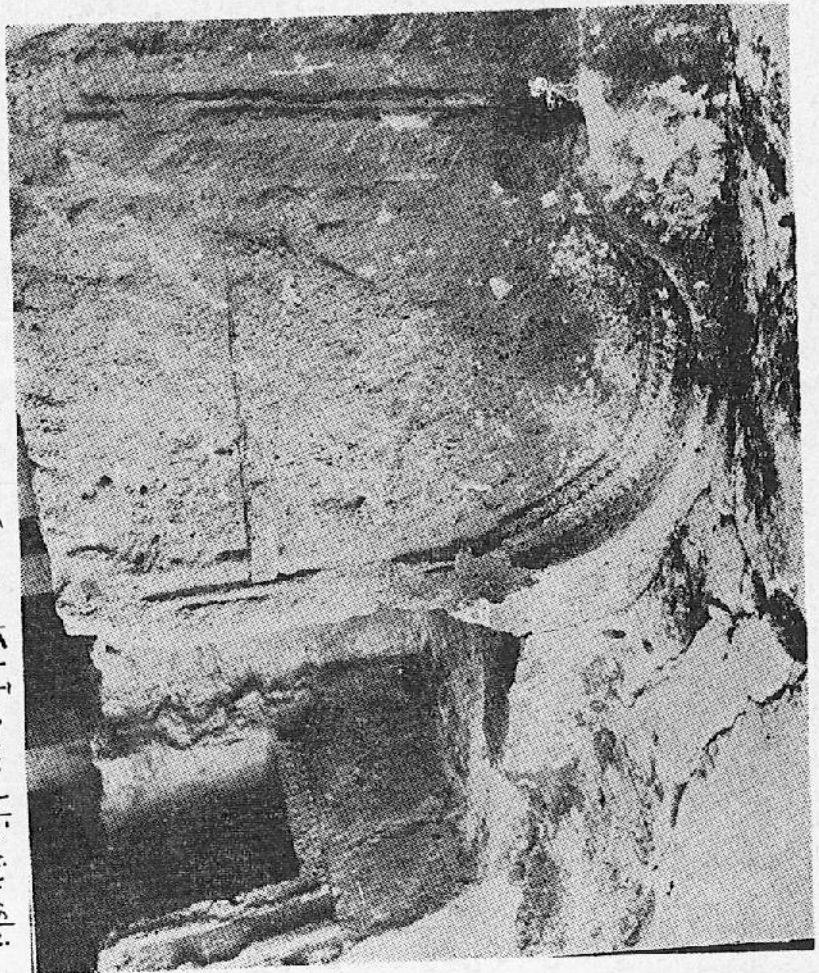
منظره عمومی آرامگاه جنوبی پالمیریان در دامنه کوه خضر جزیره خارک



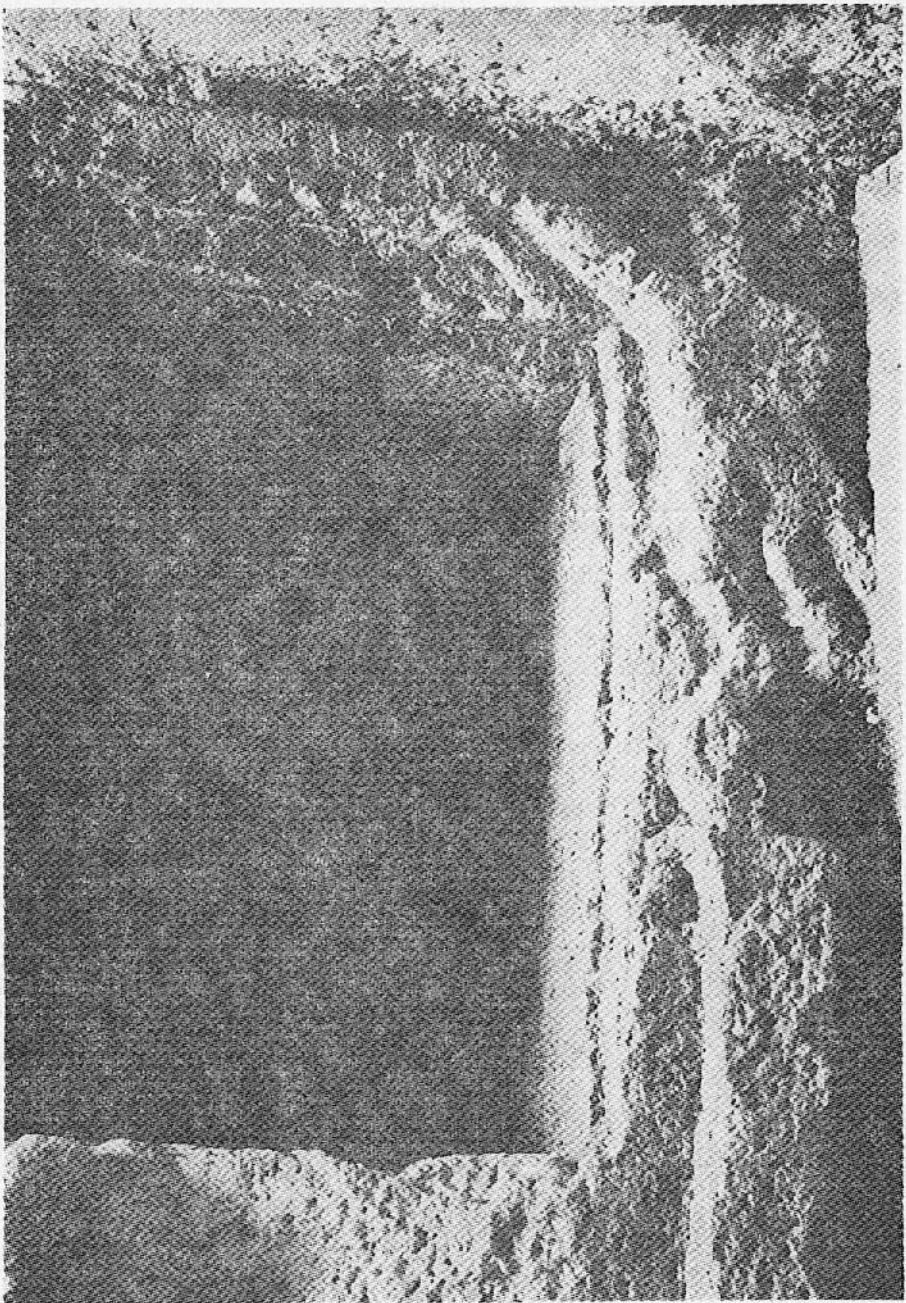
درداویه جنوب شرقی دهلیز دونوع سرستون تزئینی که یکی از آنها بسبک  
ایونیک است جلب توجه مینماید



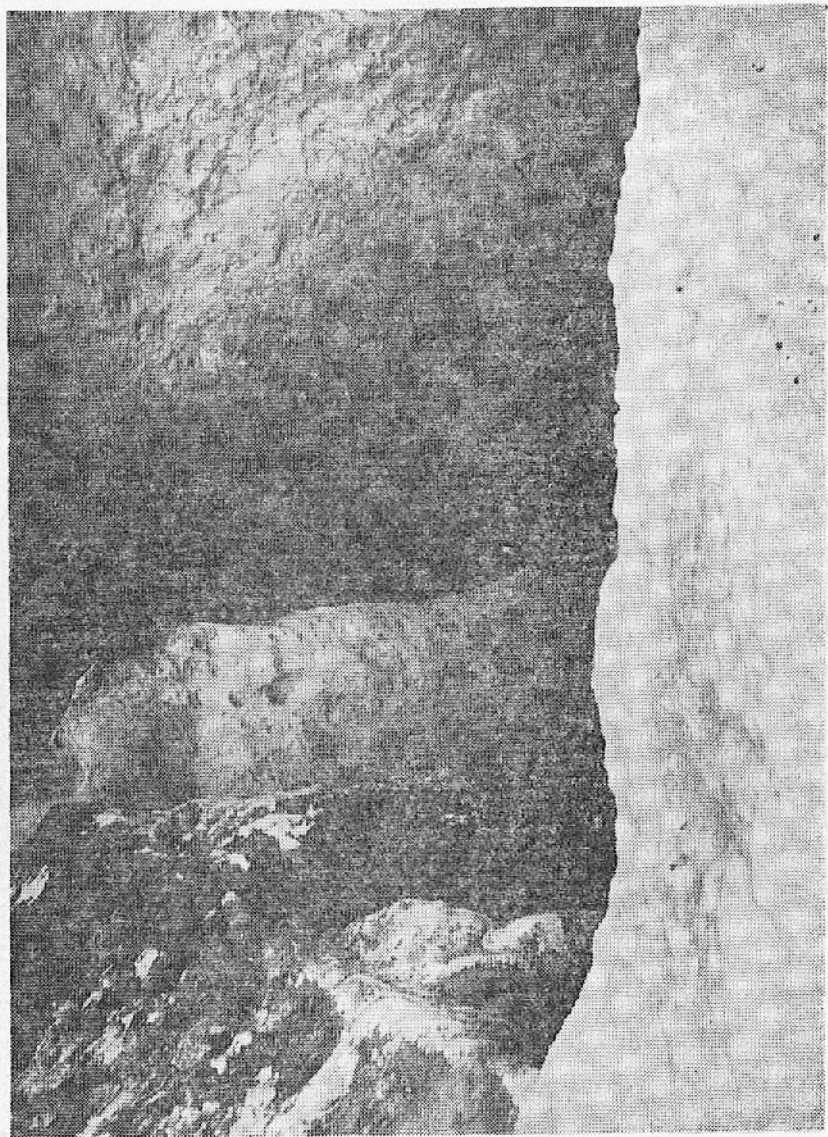
قسمتی از تزئینات کنگره ای پیشانی مدخل آرامگاه جنوبی و تزئینات مثلثی شکل که نماینده  
فواصل ستونهای تزئینی این مدخل بوده است.



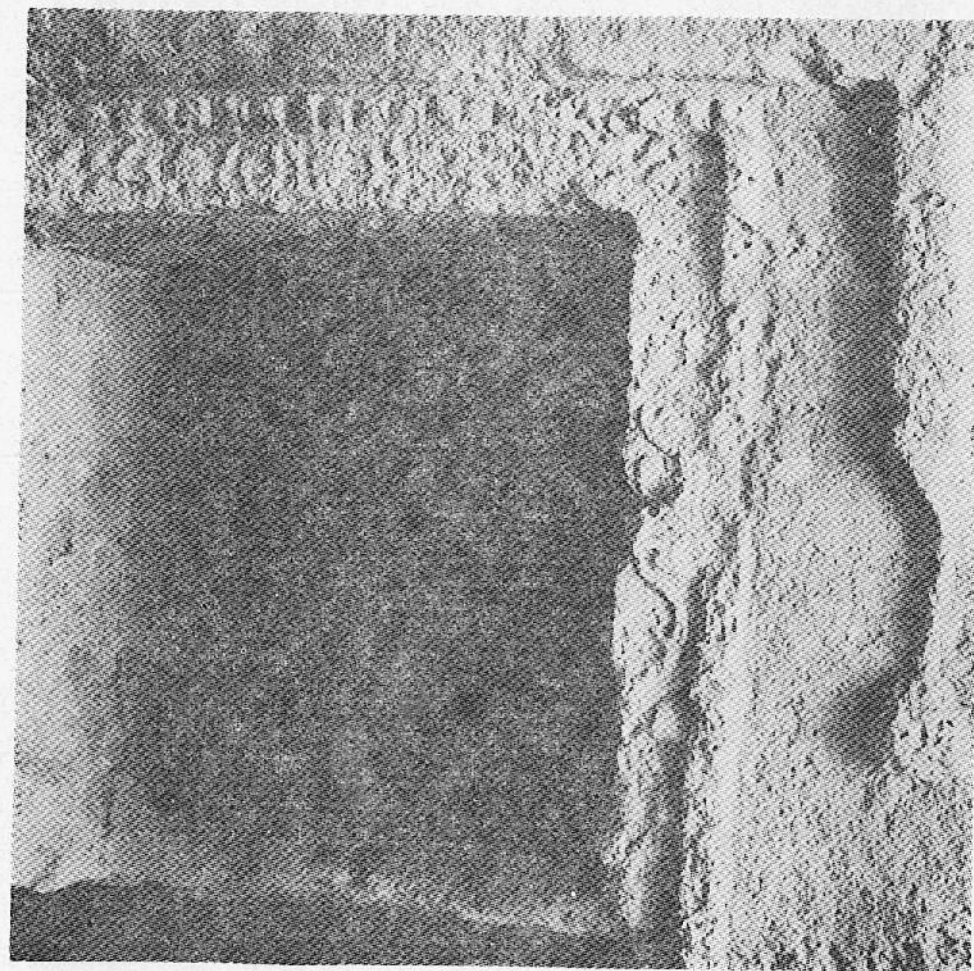
نمای بینه مقابل ورودی آرامگاه جنوبی که بسبب خامی طاقنماها مانند حجاری و تزئین شده است و در مرکز آن نقش برجسته شخصی که بر بستری لپیده نقش شده است در جناحین این نقش برجسته دخمه‌های متعدد و عمیق وجود دارد که از آنجمله است مزاره ای که در پشت این نقش برجسته بوجود آمده که احتمالاً مقبره همین شخص بوده است.



نمای مقبره پشت نقش برجسته آرامگاه جنوبی که اطراف و حاشیه آن دارای تزئینات و در زاویه شمال غربی نقش برجسته به النوع نگهبان زمین در آئین پالمیریان بر روی گوتی ایستاده است که این گوی بر روی ستونی متکی است.



بقایای حجاری شده قبور پالمیریان درون آرامگاه جنوبی که  
جای کشفی تابوتها بر بدنه آن پیداست



حواشی این دخمه داباشاخ و برگ تارك كه الهامی از تزئینات دوره تاریخی ایران است  
تزیین نموده اند

که بصورت صلیب ناقص حجاری شده آثار سه حفره غیر متقارن وجود دارد.  
 الف - دخمه‌ای با ابعاد  $2 \times 1 \times 1$  متر که در پشت نقش برجسته فوق‌الذکر قرار دارد که احتمالاً این مقبره متعلق به همان فردی است که نقش او را در جبهه جلو حجاری کرده‌اند.

اطراف این دخمه نقوش برجسته دیگری جلب توجه مینماید، از آنجمله شخصی بطور مایل بازانوهای خمیده بر روی ستونی بایک پا ایستاده و دست راست خود را متکی بحاشیه برجسته و قرنیز مانند این دخمه به حالت نثار، یا اشاره دراز کرده و دست چپ او بر پهلو متکی شده است و احتمالاً «گوئی» که بر آن ایستاده نمایش زمین است، این نقش تصویر رب النوع نگهبان زمین در آئین پالمیریان قدیم میباشد.  
 ب- در مقابل این دخمه حفره دیگری بهمان ابعاد وجود دارد که حواشی آنرا باشاخ و برگهای (مو) نظیر آنچه در تزئینات جامهای سیمین ساسانی دیده میشود مزین نموده‌اند. سومین دخمه نسبت به این دو دخمه تقریباً ساده‌تر است و حفره کوچک مربع شکلی در انتهای آن وجود دارد که مورد استفاده آن غیر مشخص است.



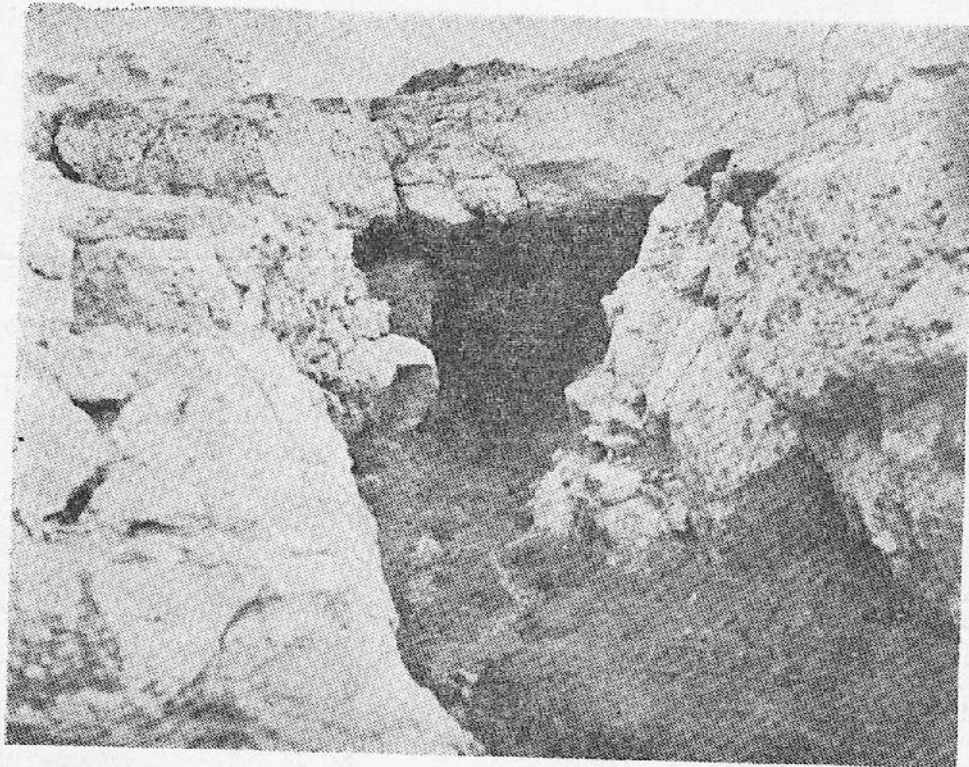
قسمتی از بدنه دهلیز آرامگاه جنوبی که در اثر تخریب جدار در حال سقوط است. بر روی این بدنه کیفیت حجاری قیرهای کثوئی بخوبی نمایان است یعنی شیارهای طویل بعمق و پهنای ۳ سانتیمتر که بمنظور جای گیری زائده لبه تابوتها بوجود آمده است

### بقایای استخر و باغچه‌های قدیمی جبهه غربی خارک :

هیئت باستانشناسان ایرانی که بمنظور بزرگداشت و حفظ و صیانت آثار باستانی خارک و تعیین محدوده و حریم آن در زمستان ۱۳۵۰ به جزیره خارک وارد شدند، موفق گردیدند قسمتی از یک کانال کشی قدیمی و استخر مربوط به آن را که علاوه بر آب نمای درون باغچه‌ها بمنظور ذخیره آب و آبرسانی به مزارع جبهه غربی جزیره ایجاد شده بود نمایان سازند. در این سوی جزیره در ساحل دریا بعلت مرغوبیت نوع خاک که در اثر سیلاب و بارندگی‌های شدید فصلی و شستشوی گل ولای بصورت نوعی گل رس در کنار دریا پهن شده است جلب توجه اقوام دوره تاریخی را بمنظور استفاده از این مکان و مشجر نمودن آن که یقیناً از نوع درختان میوه دار از قبیل خرما و انجیر و انگور و انار بوده نموده. و با توجه بموقعیت خاص طبیعی شکفت نقب (۱) مانندی که در سطح فوقانی این قسمت وجود داشته باهوشمندی و پشتکار اقدام به حفر قنات‌هایی در دل صخره نموده‌اند. نظیر این قنات‌ها در جبهه شرقی و مرکزی جزیره وجود دارد، که از هر لحاظ قابل مقایسه با حجاری‌های سوی غربی است. و یقیناً میتوان آنها را به همت مردانه و توانائی ساسانیان نسبت داد. و صومعه‌ها و کلیسای نسطوری در مجاورت این کانال کشی بواسطه موقعیت مناسب و زیبایی منظره آن ساخته شده، و پیش از احداث کلیسا این قسمت از جزیره خالی از هرگونه تاسیسات بوده است. این قنات‌ها که بمنظور آبیاری باغچه‌ها ایجاد شده بود رفع نیازمندیهای نسطوریان متقیم این قسمت جزیره را مینموده است. بنابراین میتوان حداقل، ایجاد و حفر آنها را مربوط به قرن پنجم میلادی و پیش از تاسیس کلیسا بدست ساسانیان دانست.

علاوه بر قناتهای مذکور در سمت جنوبی کلیسا و در مسیر کانال قدیمی و در نزدیکی محل به معبد سه حلقه چاه دیده میشود که برخلاف چاههای زمان ساسانی که در این جزیره معمولاً بشکل مکعب میباشند بطور استوانه‌ای ساخته شده است و این

۱- این شکفت نظیر نقب و چشمه‌ای میباشد که در جبهه شمالی جزیره وجود داشته و دریاچه طبیعی را مملو مینموده است.



مظهر چاههای قدیمی دوره ساسانی جزیره خارک که بصورت شکفتی بنظر میرسد و جوی باریکی که ضمن لارویی و تنقیه چاهها جریان پیدا نموده و در تصویر مشاهده میشود.

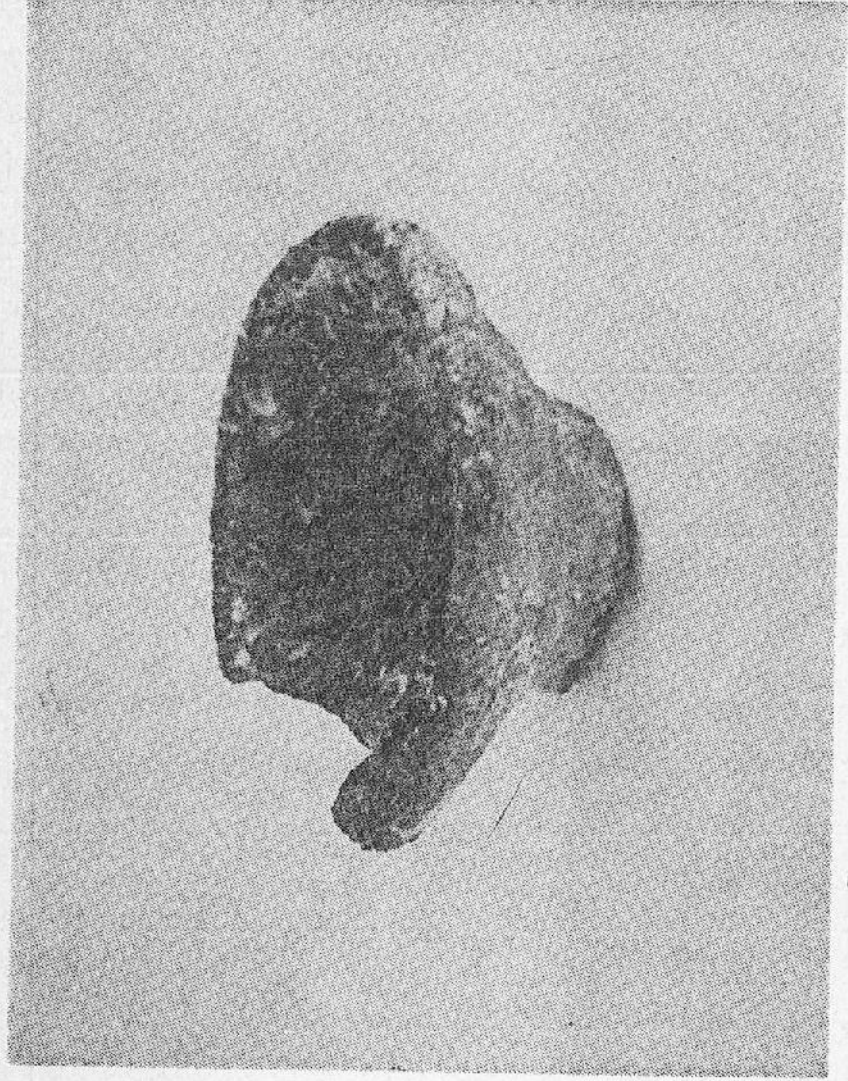


یکی از آخرین چاههای مکعب شکل دوره ساسانی و نزدیک بهطهر اشکانی مانند قنات و مشرف به باغ و استخر قدیمی در ناحیه غربی جزیره خارک .

اختلاف سبک چه از نظر فاصله بین دو چاه و چه از لحاظ کیفیت حجاری فرم چاهها کاملاً مشهود است. در این چاههای استوانه‌ای شکل نسطوریان برای آبکشی با دلو یا سطل سطح جریان آب را که در عمق ۷ متری است در حدود ۸۵ سانتیمتر عمیق‌تر نموده‌اند و از طرفی دیگر فواصل کم بین حلقه چاههای مدور با فاصله‌های ثابت چاههای مکعب شکل ساسانی نشان می‌دهد که این چاهها بعداً بوجود آمده‌اند بنا بر این برای انتساب چاههای استوانه‌ای شکل در این مکان به نسطوریان جای تردید نیست زیرا همین کیفیت حفاری چاهها را در نزدیک منازل صومعه نشینان مشاهده می‌نمائیم و آنها نیز از نزدیکترین مادر چاههای مکعب شکل زمان ساسانی برای استفاده از جریان آب اقدام به کانال کشی تا نزدیکترین محل سکونت خود نموده‌اند. شکل این چاهها که منتسب به قوم نسطوری است کاملاً از نوع چاههای مدور میباشد، در حالیکه آبگیر یا حوض آنها کاملاً مستطیل شکل است یعنی درست برخلاف آنچه ساسانیان در این جا عرضه کرده‌اند. یک قطعه ظرف سفالی کوچک و ساده هنگام تنقیه و لارویی چاهها بدست آمده که از نظر شکل قابل مقایسه با ظروف اواخر دوره ساسانی است، هر چند خمیر آن مرغوب نیست و فاقد ارزش هنر سفالگری است ولی از نظر تاریخ گذاری حائز اهمیت است. و همچنین ضمن لارویی قناتها آثار سنگ چینهائی در اطراف کانال و مسیر آب مشاهده شد که حدس زده میشود مربوط به لارویی و بازسازی کانال در زمان نسطوریان بوده است.

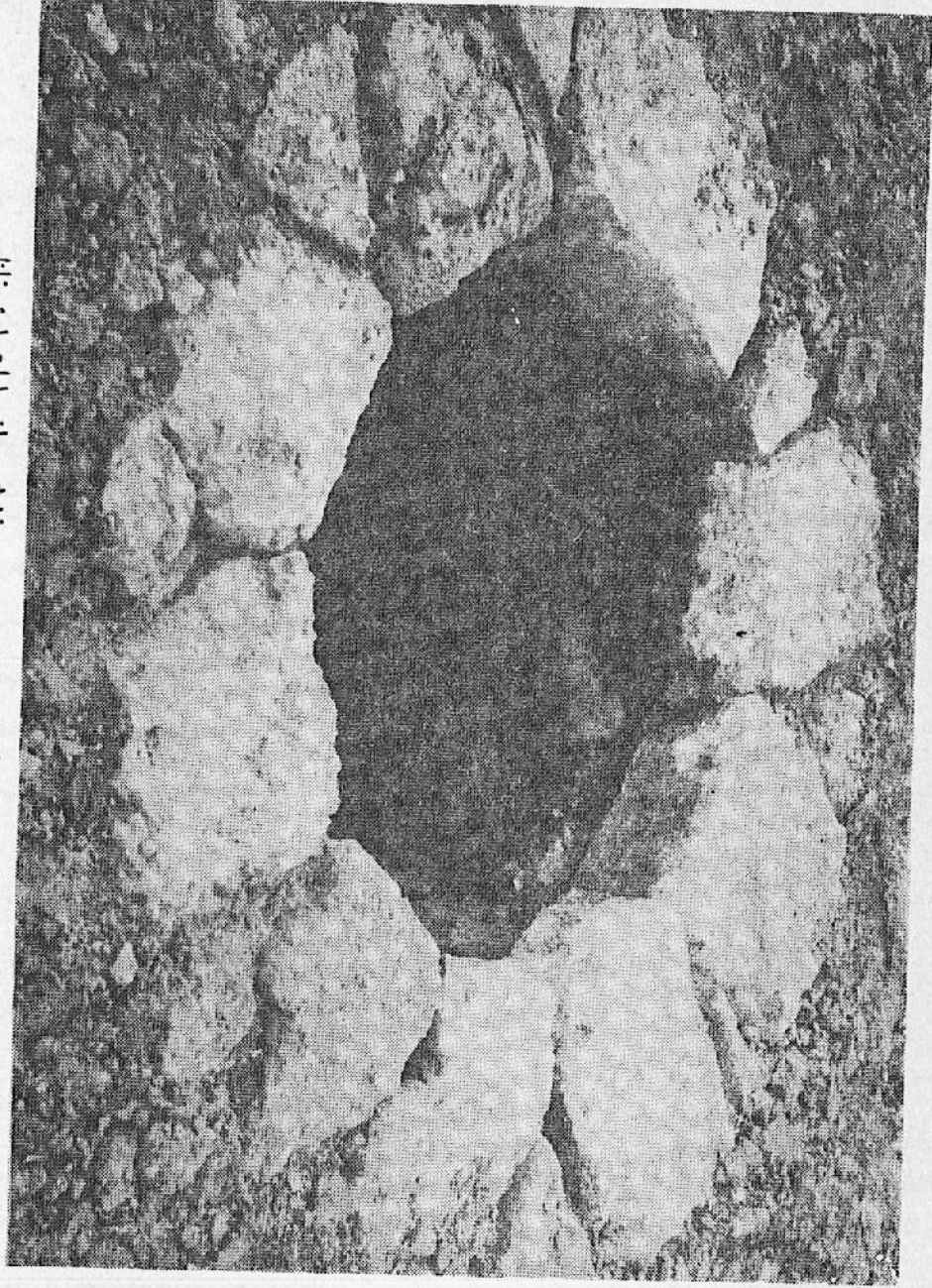
حفر این قناتها از سطح صخره در دامنه غربی جزیره شروع و در جهت شیب آن بطرف دره‌ای که امروز به باغ صالح معروف است ادامه مییابد (۱).  
عمق چاهها نسبت به شیب آنها ۶ تا ۷ متر است (۲) و تا مظهر قنات که گفتیم

- ۱- این باغ پس از احیاء توسط شرکت ملی نفت ایران باغشاه نامیده شد .
- ۲- وجود آب شیرین در چنین عمقی و در جزیره مرجانی خارک که آب دافرون میبرد موجب اظهار نظر بسیاری شده است که احتمال می‌دهند سرچشمه این آب در خود جزیره نیست و از مجرائی در زیر دریا جریان دارد، ولی بنظر نگارنده در این جزیره زمینهای مستعد فروکش آب باران با اندازه کافی وجود دارد بویژه که هوای شرجی نیز باین امر کمک می‌کند.



ضمن عملیات لارویی و تنقیه قنوات قدیمی ظرف سفالی ساده و لبپریده‌ای که یادآور ظروف  
اواخر دوره ساسانی است بدست آمد. نظیر این ظرف سفالی ضمن حفاریات دوره ساسانی پیشاپور  
نیز پیدا شده است

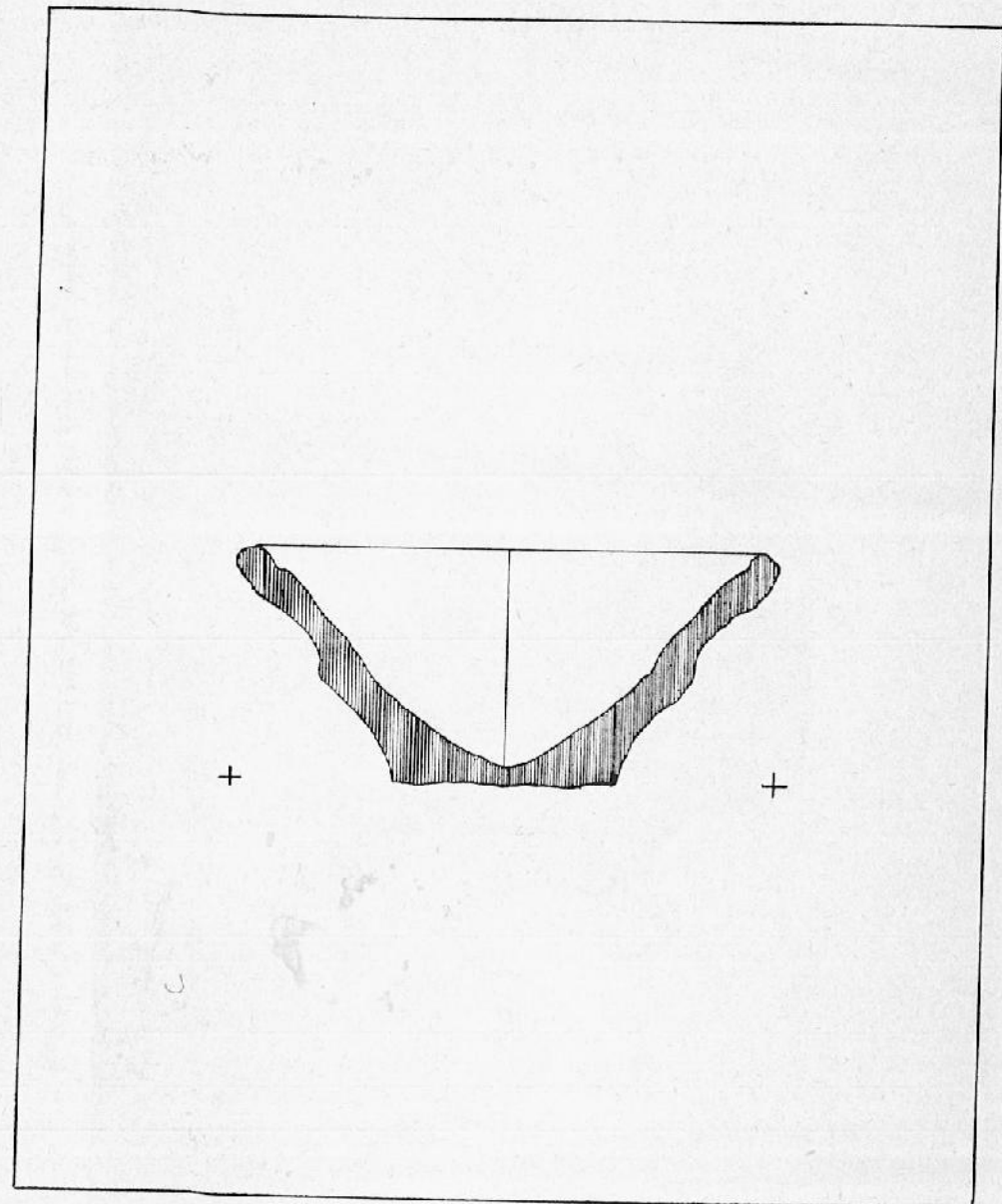
نمونه‌های استوانه‌شکل نسطوریان در جنه غری خیزیره خارک پس از عملیات اکتشافی.



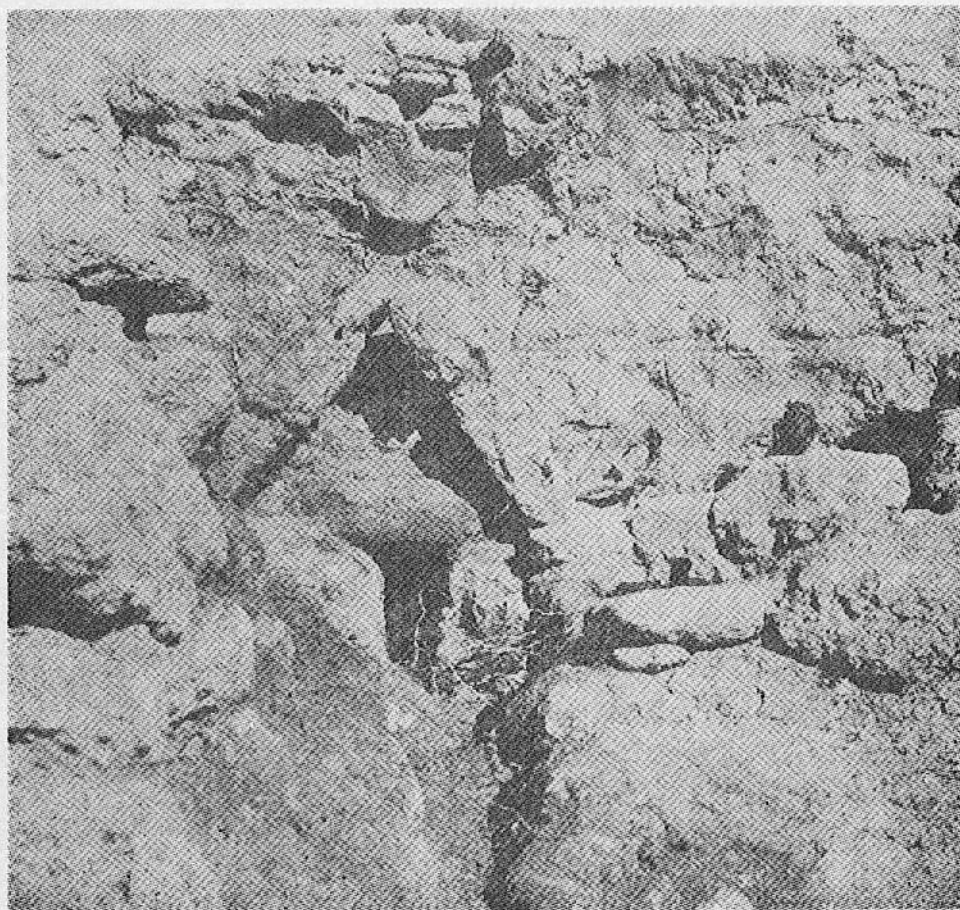
بصورت شکفتی طبیعی است متجاوز ازدهها حلقه چاه بابعاد متوسط  $۱ \times ۱ \times ۱/۵$  متر مکعب حفر شده است. ولی مظهر قنات که مشرف بدره ای عمیق است بعلمت فرو ریختن سطح طبیعی و ناهموار بودن آن و مخصوصاً شکافهای درهم و برهم بین قطعات سنگهای عظیم و سنگین افتاده که باصطلاح بصورت آب دزد در آمده اقدام به ایجاد جویبارهای بسیار ظریف و ناودانی شکل نموده اند که اکثرأ با تراش درون سنگها در مسیر مناسب آب و ساختن قسمتهای مخروطی و وصالی این مجراهای مصنوعی و تراش درون صخره ها همراه بوده است و در فواصل آنها گاهی سنگ آبهای ناودانی شکل بمنظور برداشت آب و ایجاد آبشار نصب شده و باین ترتیب توانسته اند آب را بمکانی مناسب و مشرف به باغچه های خود در استخری عظیم جاری و ذخیره کنند. تا بموقع بتوانند بنحو مطلوب و مداوم باغچه را آبیاری نمایند. و این شیوه آب رسانی یکی از روشهای پیشرفت در امر زراعت و کشاورزی ساسانیان در نقاط کم آب بوده است. و نظایر آن در سایر نقاط ساسانی نشین و کم آب مانند تنگ قندیل در حوزه بیشاپور کازرون و فیروز آباد شاه آباد غرب که با مصالح یکنواخت یعنی سنگ و ملاطی شبیه گچ و ساروج ساخته شده است مشاهده میشود.

این آبگیر بقطر  $۷/۲۵$  و بلندی  $۱/۲۵$  متر که دارای دو مجرای تحتانی و فوقانی است، گنجایش بیش از ۵۰ متر مکعب آب دارد. مجرای تحتانی تنبوشه سفالی است که بمنظور استفاده کامل آب استخر در هنگامی که مملو بوده است کار گذاشته شده. دهانه سفالین این تنبوشه نیز لبه های ظروف دوره ساسانی را بیاد می آورد و شبیه تنبوشه های است که در این زمان ساخته میشده و با توجه بقطر دهانه این مجرا که در حدود ۱۰ سانتیمتر است میتوان مقدار فشار آب و همچنین آب مورد نیاز باغچه را که در این استخر ذخیره میشده در نظر گرفت (۱).

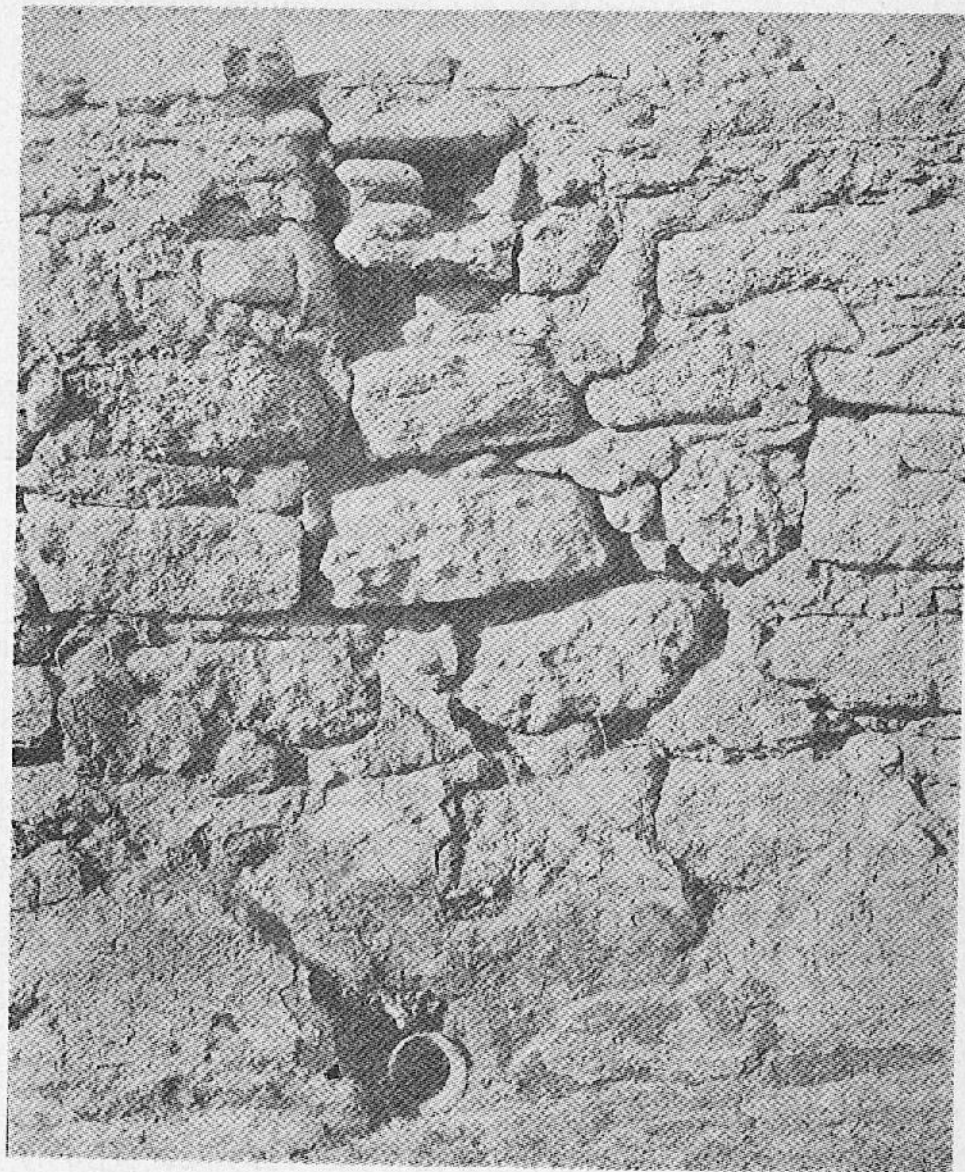
۱- بنا بمعقیده پروفیسور بومن Bowman باستانشناس استرالیائی در این آبگیر مراسم غسل تممید بزرگسالان نسطوری انجام میگرفته است



طرح ظرفی که ضمن لارویی چاههای جزیره خارک بدست آمده است.

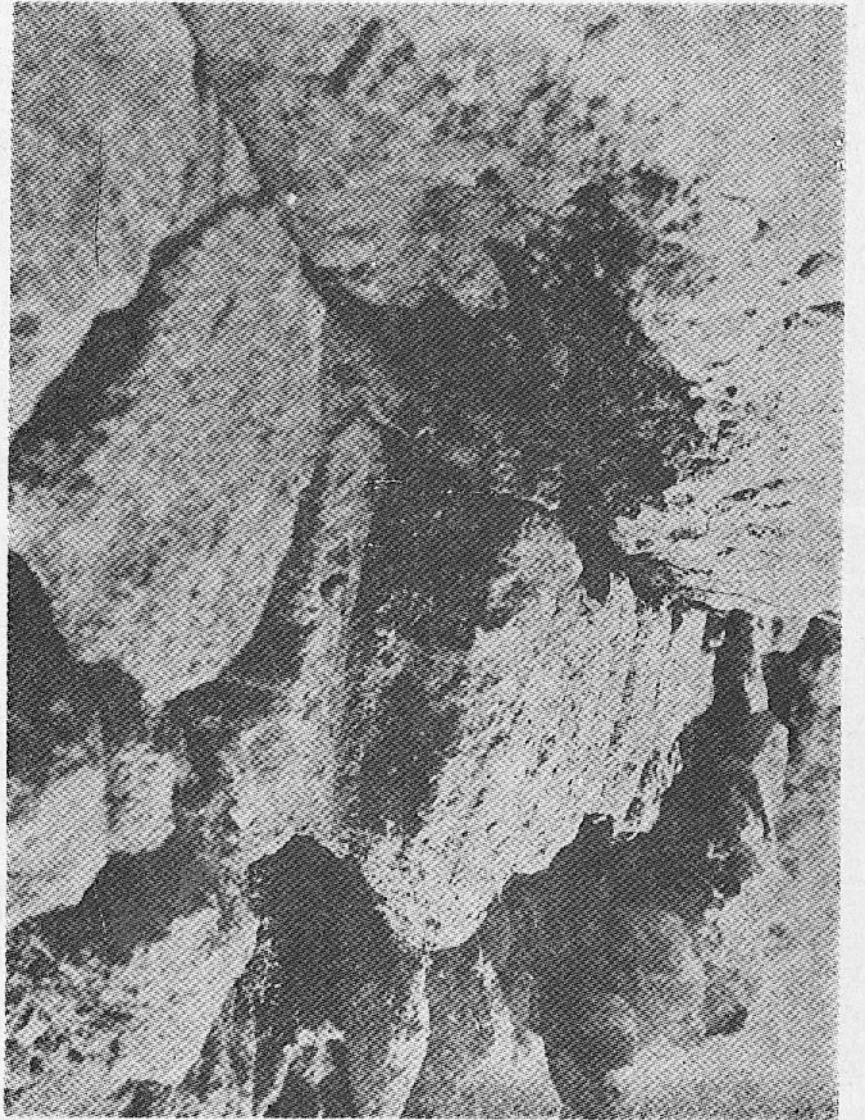


بر روی مجرای خروجی این آبگیر دوسنگ تراشیده ناودانی شکل بصورت ضربی طوری کار  
گذاشته شده است که وقتی آبگیر مملو بوده و آب از مجرای فوقانی جریان داشته تشکیل آبشار  
و آب نمائی میداده است



مجرای تحتانی آبگیر را با تنبوشه سفالی و مجرای فوقانی را با سنگ چین ساخته اند.

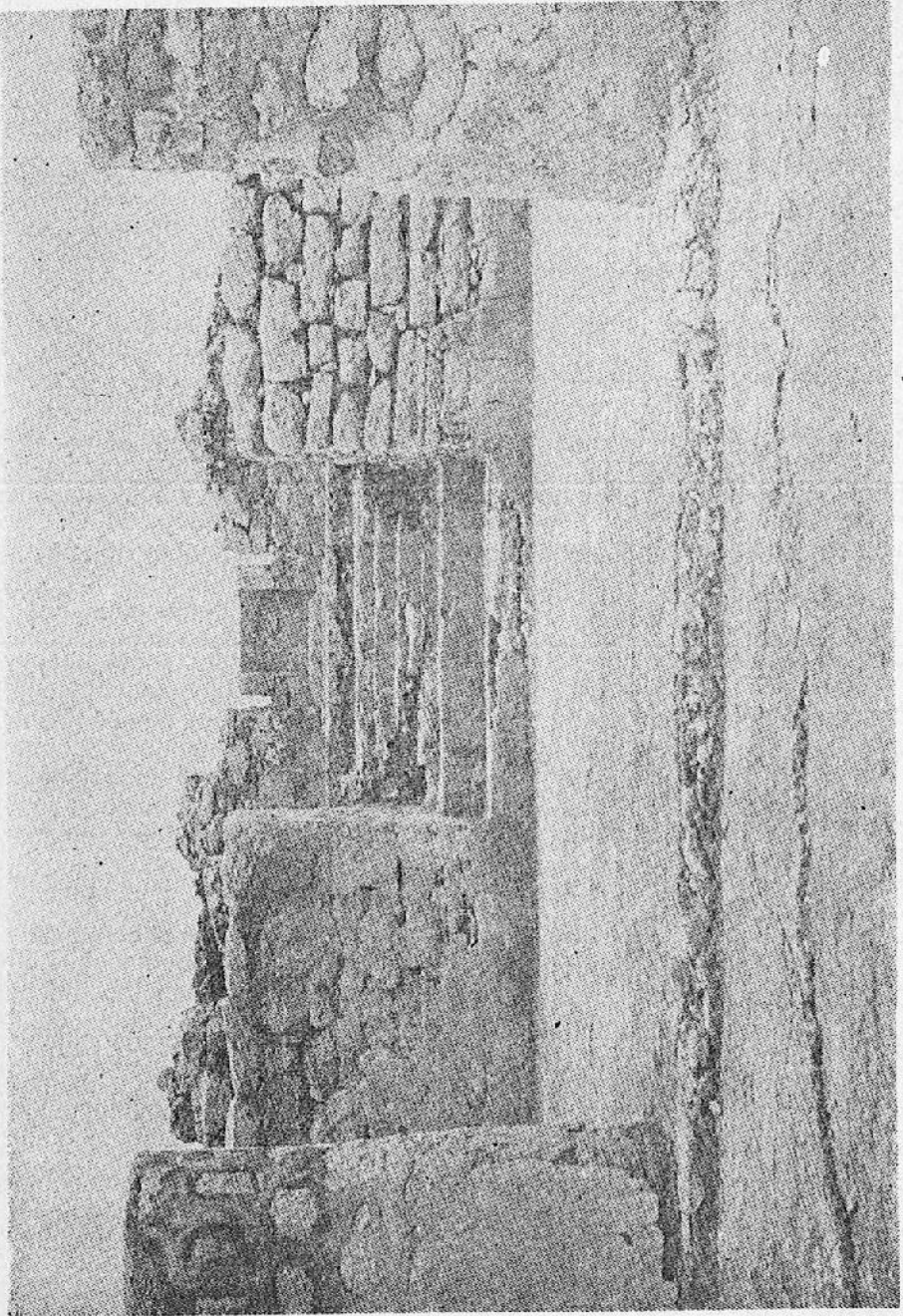
ضمن عملیات خاکبرداری و بنایان ساختن آبگیر جبهه غربی واقع در باغ صالح جزیره خارک معلوم شد که قبلاً آبگیری در این مکان با سنگ‌های حجاری شده در قرن پنجم میلادی ساخته شده است که بهمان در اثر فشار آب یا زلزله قسمتی از این استخر را آب برده و درون آن آبگیر فعلی ساخته شده است.



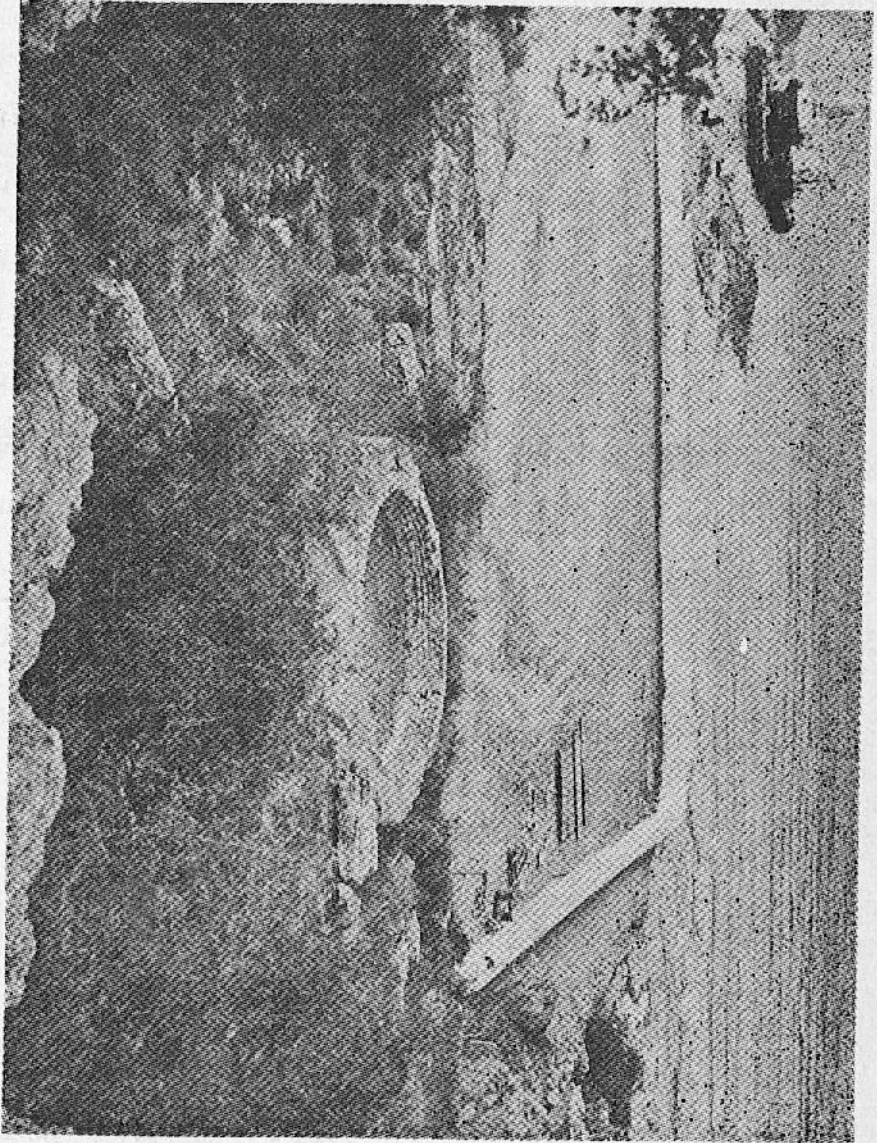
در فاصله يك متری و محاذی این مجرا - مجرای فوقانی از لاشه سنگ و ملاط گچ ساخته شده و در هنگامی که آبگیر مملو بوده آب از آن جریان داشته است. بدنه استخر ۱/۲۵ سانتیمتر ضخامت دارد و به ترتیبی که ضلع جنوبی آن متکی بصخره‌های شیب‌دار و بقیه سطوح جانبی آن بطور سنگ‌چین از قطعات سنگ‌های محلی بدون تراش با ملاط گچ و آهک ساخته شده است. ضمن عملیات کاوش معلوم گردید که قبلاً آبگیری بزرگ‌تر وجود داشته که در اثر فشار آب ویران شده و بعداً آبگیر جدید درون آن ایجاد شده و قطعات سفال و شیشه‌های جمع‌آوری شده ضمن خاکبرداری تعلق آنرا به اواسط دوره ساسانی می‌رساند و تاریخ تقریبی این استخر در قرن پنجم میلادی و پیش از کلیسا بنظر می‌رسد (۱). بهر جهت تا پیش از تسطیح باغچه‌های مذکور بمنظور تأسیسات نفتی آثار کثرت‌بندی این باغچه‌ها دیده می‌شد که نیازمندیهای اقلیتی را که در این جزیره مسکون بوده‌اند از حیث محصول و سبزیکاری برآورده می‌نموده است، مضافاً باینکه از انشعابات سطح بالاتر از آبگیر توانسته‌اند مقدار آب لازم را جهت سایر اشجار که در دامنه شیب‌دار دره وجود داشته برسانند/ همانطور که گذشت این باغچه بنام باغ صالح معروف است که از نام آن میتوان استنباط کرد که در دوره اسلامی نیز باغچه مذکور دایره بوده است. شرکت ملی نفت ایران بمنظور احیای این قنات و باغ قدیمی که از جمله آثار معتبر و ارزشمند دوره ساسانی است اقدام به لارویی و جریان انداختن چشمه‌های آن نموده و با مرمت کانال و استخر قدیمی باردیگر خطرات آبیاری این قسمت از تأسیسات و امور زراعی قدیمی را زنده و با غرس درختان مناسب و باغچه‌بندی و گلکاری جلوه خاصی باین مکان داده و بنام باغ شاه نامگذاری کرده است.

۱- احیاء و مرمت استخر قدیمی یقیناً توسط نستودیسان بعمل آمده است زیرا یکنواختی ملاط و مصالح مستعمل قابل مقایسه با مصالح بکار رفته در بنای کلیسا است.

نمای دهلیز کلیسای نسطوری که بادوستون استوانه‌ای شکل تزئین یافته است.



حصاری که در این تصویر و در زیر آ بکبر مکشوفه نمایان است محل کثرت بت‌های و سبزی‌کاری قدیمی این جنبه از جنبه‌ها خاراک میباشند که مورد استفاده ساکنین جزیره خاراک در قرن پنجم و هشتم میلادی بوده است.



## کلیسای خارک

در ایران عهدساسانی آزادی مذاهب مادام که ایجاد خطری متوجه دستگاہ حکومت نمیکرد وجود داشت بخصوص در زمان پادشاهان اولیه ساسانی یکی از چند مراکز مهم مسیحیان ایرانی در جنوب ایران ریشهر ذکر شده است بدون شک نسطوریان مقیم جزیره خارک وابسته به آن بوده اند و کلیسای بزرگ و مجهز آنان در خارک دال بر کثرت جمعیت مسکونی این جزیره میباشد. مسیحیان ایرانی که از قرن اول میلادی باین آئین در آمده بودند تا اواخر دوره ساسانی از فعالیت مذهبی برخوردار بوده اند منتهی همانطوریکه ذکر شد بعلمت کشمکش های سیاسی این زمان فعالیت مسیحیان شدت و ضعف داشته است باین ترتیب هنگامیکه مسیحیت مذهب رسمی روم نشده بود مسیحیان ایرانی آسوده خاطر سرگرم فرائض مذهبی خود بودند و بدون ابتکا بکشور مسیحی دیگری سعی داشته اند که با آرامش بکار روزندگی خود اشتغال داشته باشند ولی وقتی که روم شرقی مسیحیت را پذیرفت و دین رسمی قرارداد بازی مسیحیان ایرانی آغاز گردید و بتدریج برای دولت ساسانی ایجاد مزاحمت کردند و در نتیجه مورد سوء ظن واقع شدند و در قرن چهارم در زمان شاپور ذوالاکتاف تحت پیگرد و آزار قرار گرفتند ولی کشمکش سیاسی ایران و روم که در حقیقت رقابتی بین مذهب زردشتی و مسیحیت پیش آورده بود هر یک از دو دولت متمدن و مقتدر آن روزی سعی داشتند که حقانیت مذهب خود را بدیگری بقبولانند و چه آتشکده ها که خراب میشد و بجای آنها کلیساها بوجود میامد و برعکس کلیسائی که ویران میشد و برشالوده آن آتشکده ای تاسیس میگردد. سرانجام مسیحیان ایرانی پس از تجربات تلخ و ناگوار زیاد تصمیم گرفتند که در سال ۴۲۱ میلادی بطور مستقل و جدا از حمایت کلیسای غربی اقدام به تاسیس کلیسائی مستقل نمایند و اعلام شورای کلیسائی مسیحیان ایران در اوائل قرن پنجم میلادی بوجود آمد و یک شورای کلیسائی بزرگ نظر قطعی داد که فرقه نسطوری تنها آئین مسیحیان ایران باشد.

و باین ترتیب مسیحیان ایرانی بانی مذهبی شده بودند که در حقیقت بسیاری از معتقدات آنها بخصوص در باره رستاخیز مانند عقاید زردشتیان بود و اهریمن

مسیحیت همان انگره مینوی دین زردشتی است این فرقه که بنام نسطوری نامیده شده اند معتقد به وحدت طبیعت مسیح نبوده بلکه طرفدار سرشت دوگانه انسانی و الهی عیسی مسیح بودند و باین ترتیب بدعت گذار مذهبی بودند که به عقاید زردشتیان نزدیکتر بود از طرفی برخلاف کشیشان مسیحی برای کلیسائیان ازدواج مانعی نداشت بلکه تنها صومعه نشینان در این امر مجاز نبودند.

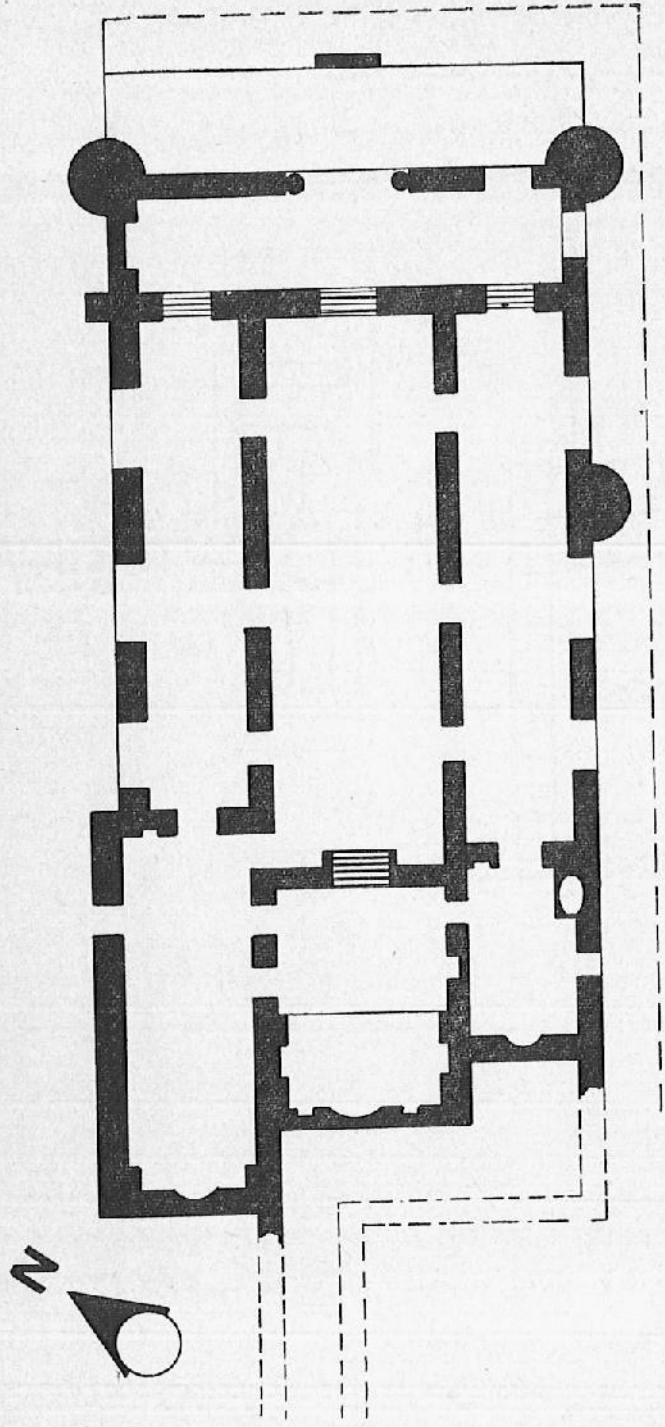
پروفسور گیرشمن در کتاب جزیره خارک در این مورد می نویسد از آغاز قرن پنجم وضع مسیحیان ایران بتدریج تغییر کرد.

پیش از پادشاهی بلاش (۴۸۸-۴۸۴) خلیفه شهر نصیبین تحت نظر نیروهای مرزی بود در دوره این پادشاه همین مقام کلیسای نسطوری به قسطنطنیه فرستاده شد که بسطنت رسیدن شاهنشاه را رسماً اعلام دارد. طوفان دیرپائی که بویژه در میان کلیسائیان فرقه نسطوری آن همه کشتار کرده بود فرونشست. مؤمنان بمذهب جدید که در بین آنان حتی اشخاص معتبری نیز دیده میشدند بزندگان فارغ از وحشتی دست یافتند.

کلیسای نسطوری جزیره خارک یکی از یادگارهای این دوره فراغت و آسوده بالی است.

ولی پیش از معرفی این کلیسا تاریخچه مختصری از این آئین عیسویت را که بنام آئین خاص مسیحیان ایرانی شناخته شده و در کتاب تمدن ساسانی تالیف دانشمند محترم آقای علی سامی در مورد اقلیت های مذهبی و نسطوریان دوره ساسانی آمده است یاد آور میشویم:

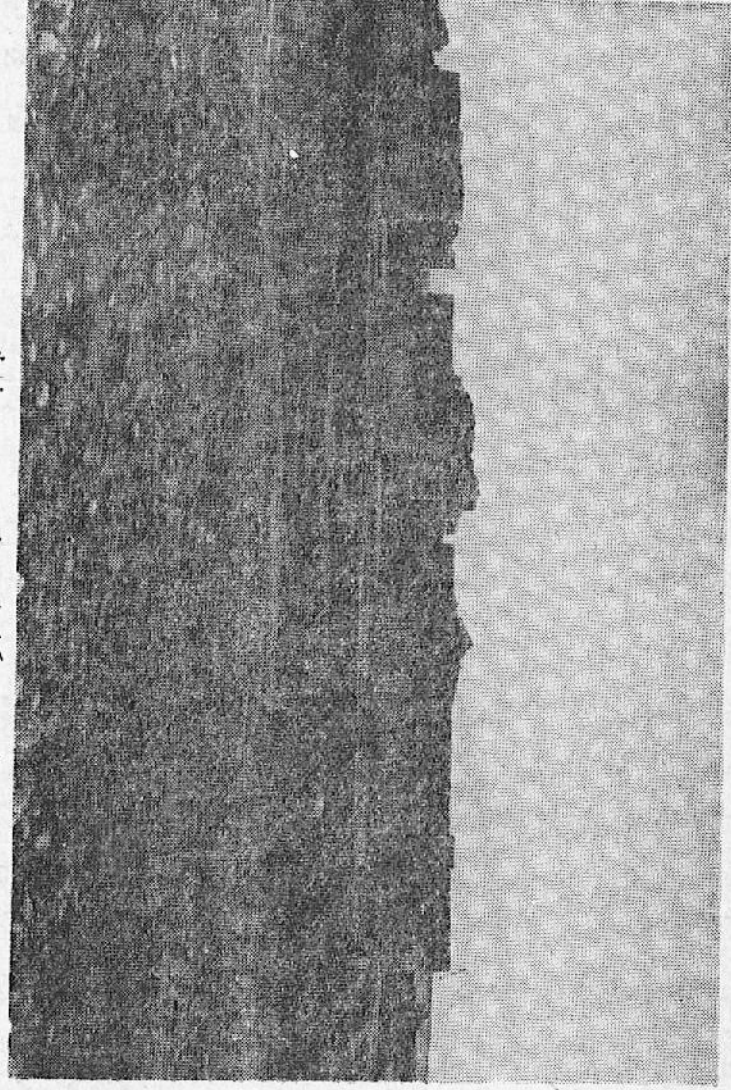
نسطوریان از پیروان نسطوریوس (نیمه اول قرن پنجم میلادی) کشیش شامی از اهل (ژرژمار نکند) شمال سوریه بودند. وی معتقد بود که در حضرت مسیح دو شخصیت و دو طبیعت وجود دارد (انسانی یا ناسوتی) (ربانی یا لاهوتی) ولی کشیش دیگر اوتیکس در صومعه نردیک قسطنطنیه معتقد بود که در حضرت عیسی دو طبیعت ولی یک شخصیت موجود است پیروان این فرقه را اوتیکیانیم و بعدها منوفیزی نیسم نامیدند آنها معتقد بودند که دو طبیعت ربانی و انسانی



SCALE 1:100

طرح نمازخانه کلیسای جزیره خارک و تالارهای اطراف آن

نمای عمومی کلیسای جزیره خارک.



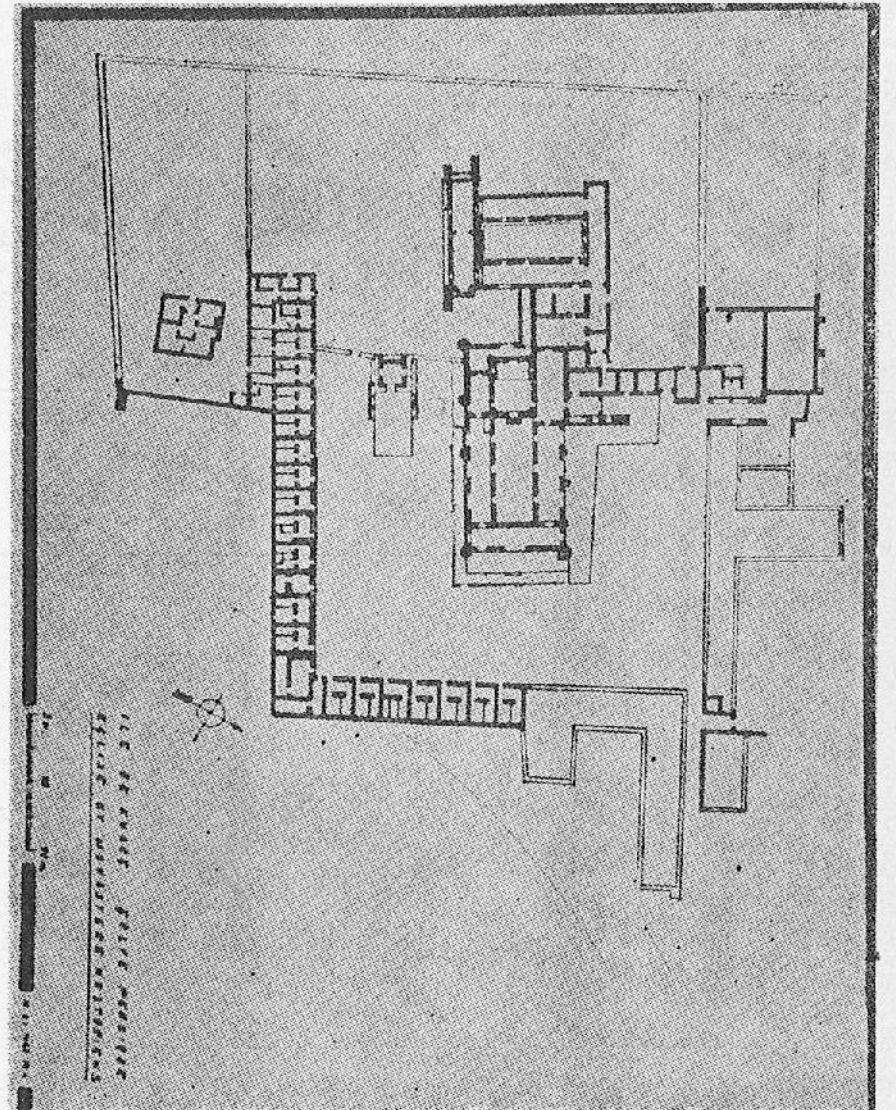
مسیح با یکدیگر عجین و یکجا شده طبیعت واحدی را تشکیل داده است و بعدها گفتند که در عیسی يك طبیعت و يك شخصیت است .

نسطوریها بدو شعبه مهم تقسیم میشدند، یوسفیها ساکنین موصل و ببا کلیسای روم همکاری میکردند، شمعونیهها ساکن دو شهر روان و اوریکه بنام (کلدانیها- آشوریها). یعقوبیان پیروان یسکی دیگر از روحانیان مسیحی بنام (یعقوب مارادیوس) بوده اند اینان در باره طبیعت و انسانی عیسی معتقدات خاص داشته، دسته‌ای از آنها که در سوریه و شمال عراق ساکن بوده اند یعقوبی و آنها که در مصر بوده اند قبطی و در حبشه (اتیوپی) نامیده شده اند .

✓ نسطوریان بسوی مشرق متمایل بوده و دولت ایران از آنها حمایت میکرد و کلیساهای نسطوری معروف بکلیساهای ایران گردیدند. مسیحیت از قرن اول میلادی وارد سرحدات ایران شد. ایزدو آزاری که رومیان در سده‌های اولیه میلادی نسبت به پیروان مسیح رو امیداشتند سبب شد که عده‌ای از اینها که با شاعه مذهب مسیح می‌پرداختند بحوزه شاهنشاهی اشکانی که جهت ادیان منطقه آزادتری بود وارد شوند .

در سال ۱۰۵ میلادی شخصی زردشتی و پقیدا نام که بمسیحیت گرویده بود بمقام اسقف اربل (شرق دجله) منصوب گردید و اربل ظاهراً نخستین شهر ایرانی بوده که دسته‌ای از عیسویان در آن متمرکز شده و بعد از آن شهر کرکوک (کرخای، بیت سلوخ) هم مسکن عده‌ای از پیروان این آئین بوده و این شهر بموجب «نامه شهدای عیسوی ایران» در زمان بلاش سوم اشکانی (۱۴۸-۱۹۱ م) تا سال بیستم سلطنت شاهپور اول یعنی از سال ۱۴۸ تا ۲۵۱ میلادی جایگاه مقدسی بود و در شهر سلوسی نیز عیسویانی بوده اند که بدون احتیاج برفتن بانطاکیه آزادانه مراسم مذهبی خود را اجرا نمایند بطوریکه نوشته‌اند تا پایان سلطنت پارتها متجاوز از بیست اسقف نشین در شهرهای ایران تاسیس شده بود که یکی از آنها اسقف نشین فارس بوده است پیروان و معتقدین مسیحیت، بتدریج در شهرهای بررگ ایران پرستشگاههایی ساختند

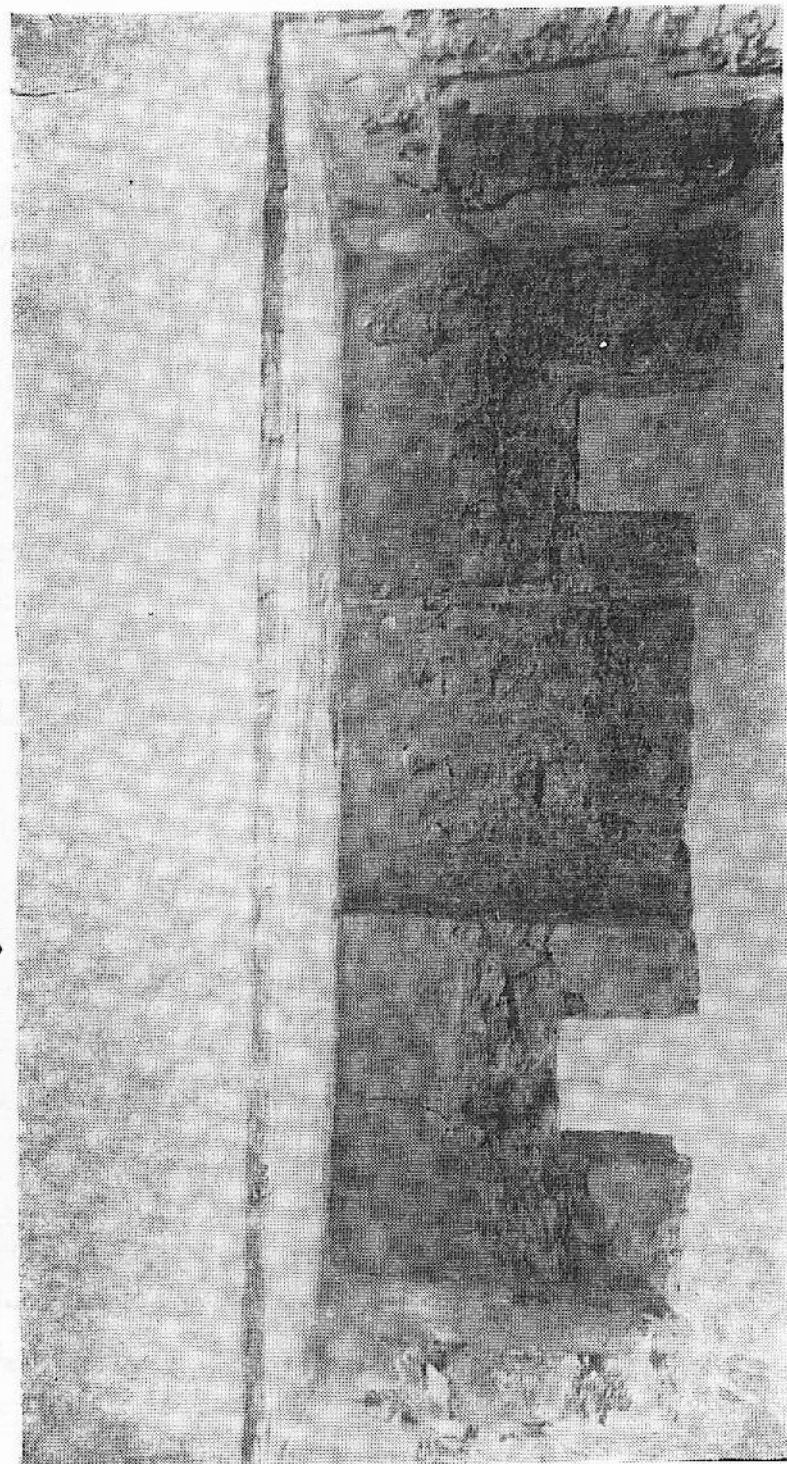
بعلاوه ساسانیان ضمن جنگهایی که با رومیان داشتند گاهی عده زیادی از



(طرح کلیسا و صومعه) از کتاب جزیره خارک تألیف پروفیسور کیرشمن



دالان غربی کلیسای نسطوری که در حدود ۲۰ سانتیمتر از سطح نمازخانه وسطی بائین تر است.



محوطه جای خوانندگان سرودهای مذهبی (کر) و محراب کلیسای نسطوری خارک.

سکنه يك شهر را کوچ داده و بداخل ایران منتقل مینمودند و وجود این مهاجرین در نواحی مختلف خود سبب انتشار عقاید مسیحیت در آن نواحی میشد .

تا زمانیکه امپراطوران روم مذهب مسیح را نپذیرفته بودند چندان واهمه‌ای از توسعه و نفوذ مسیحیت نداشتند زیرا خود آنها دشمن عیسویت بودند ولی از زمانیکه کنستانتین (قسطنطین) در زمان شاپور دوم مذهب عیسوی را پذیرفت و پایتخت خود را از رم به کنستانتین (قسطنطیه ۳۲۴ میلادی) انتقال داد شاهان ساسانی که خود مشغول و مروج و نگهدارنده دین زردشت بودند بر آن شدند که در رفتار خود با مسیحیان طریق جدی‌تری در پیش گیرند، زیرا از آن پس امپراطوران روم حامی و پشتیبان مسیحیان شدند و بالتبع قلب عیسویها با رومیها بود و بنفع آنها در ایران تحریکات و فعالیت مینمودند شاپور (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) در این باب بالصر احوه گفته است «آنان در میان ما زیست می کنند ولی با قیصر احساسات مشترک دارند» .

اما این تضيیقات هنگامی که نسطوریها در تبعیت ایران در آمدند تخفیف یافت و بلکه ایران پناهگاه فرقه نسطوری شد زیرا این دسته از پیروان مسیح مطرود دسته‌های دیگر و پیوسته از طرف آنها مورد ایذا و آزار بوده‌اند .

اختلاف بین نسطوریها و سایر فرق مسیحی در زمان پیروز (۴۵۹-۴۸۳ م) بالا گرفت، پیروز از این اختلاف برای تفرقه افتادن بین عیسویان مغرب (یعقوبیان) و عیسویان مشرق (نسطوریان) استفاده نمود و یکی از قدمهای برجسته کلیسای ایران در زمان پیروز تشکیل مجمعی از اساقفه شرقی در سلوسی بود در این مجمع ۱۲ تن اسقف شرکت جسته بودند و سه قانون مهم بتصویب رساندند که برای تقویت و تحکیم مبنای عیسویت در ایران بسیار سودمند و بوسیله آن حمایت شخص پادشاه و روحانیون و موبدان دین زردشتی را جلب نمود .

۱- اصول مذهب نسطوری، مذهب قطعی و منحصر عیسویان ایران شد.

۲- رهبانان در اجرای مراسم دینی از رقابت با کشیشان منع شدند.

۳- بروحانیان قدغن شد که که نذر تجرد نکنند و اجتر از زن فقط برای

صومعه نشینان جایز بود .

در نتیجه تصویب این قانون بر سو ما مطران نصیبین بنا باراده پیروز متأهل گردید. توضیح آنکه در قرن پنجم میلادی مدرسه ایرانیان السرها طرفدار فرقه

نسطوری شد و در نتیجه مورد مخالفت و بغض سایر علمای مسیحی (رها) و بیزانس شد بعکس مورد ملاحظت دربار ایران قرار گرفت و محصلین مدرسه ایرانیان (رها) به نصیبین که در کنار رود دجله و در سر زمین متصرفی شاهنشاهی ایران بود ، آمدند و مدرسه‌ای در این شهر تاسیس کردند و مبلغینی که از این مدرسه بیرون می‌آمدند بکلیساهای نسطوری حوزه شاهنشاهی می‌رفتند. از این به بعد دین عیسوی در ایران نضجی دیگر گرفت و پادشاهان ساسانی متعرض تبلیغات آنها نمی شدند . تیسفون مقر پاتریاک (بطریق) Patriach و در ریوادرشیر (ریشهر) و در گندی شاپور (جندی شاپور) هم مراکز مهمی دایر نمودند .

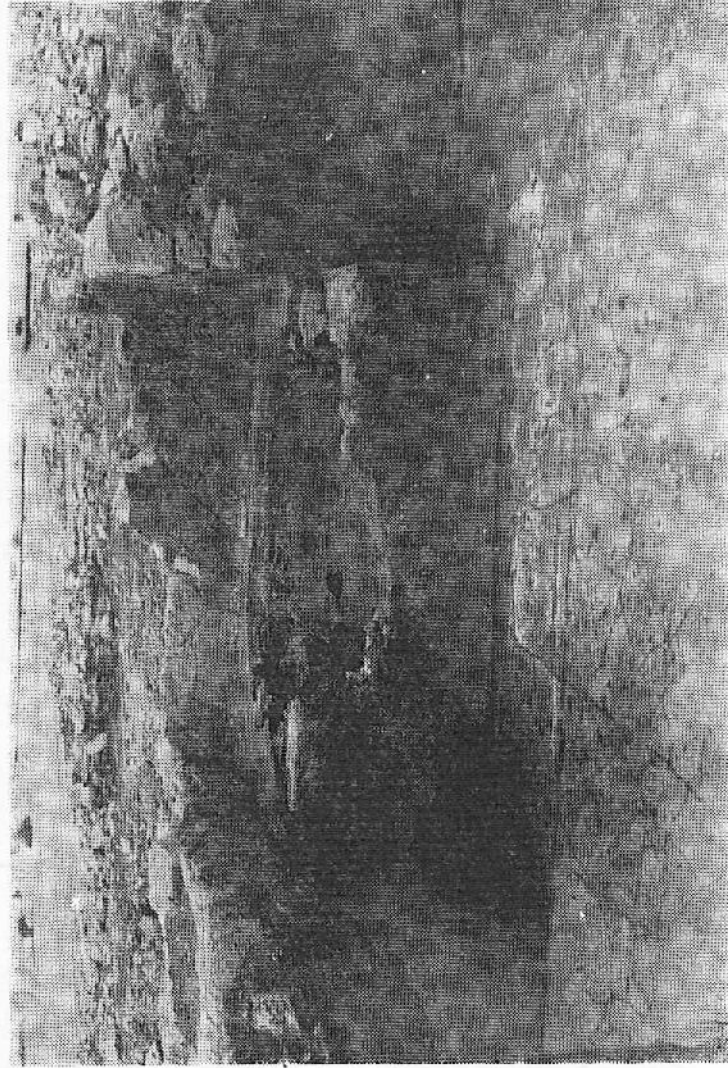
بر سو ما (۱) اسقف نصیبین دشمن سرسخت منوفیزیسیم (۲) (پیروان وحدت روح و جسم مسیح) رهبر نسطوریان ایرانی بود و بسیاری از ایرانیان برجسته که عیسوی شده بودند جزو این دسته بودند و اتفاقاً از پیروان استوار مسیحیت و در عقاید خود پا برجا بودند. اما مسیحیان ایران در نتیجه اذیت و آزاری که پیوسته در نتیجه تیرگی روابط بین دربار ایران و روم گریبانگیرشان میشد ، تصمیم گرفتند کلیسای خود را از کلیسای روم جدا سازند تارفع سوء ظن شاهنشاهان ساسانی و روحانیان زردشتی از همکاری آنها با رومیان بشود از این رو در سال ۴۲۱ جاتلیق مدائن دادیشوع شورائی از اقسف‌های ولایات ایران تشکیل داد که بنام شورای دادیشوع معروف است و بموجب رای این شورا کلیساهای ایران از کلیسای روم بکلی جدا گردید و از آن تاریخ بکلی با بیزانس قطع رابطه کرد و دادیشوع بطریق (پاتریک) ایران گردید .

نظریه نسطوریوس و نسطوریت Nestoriuss که در اورفا و سایر شهرهای عیسوی نشین بین‌النهرین طرفدارانی پیدا کرد به تفکیک کالی کلیسای روم از کلیسای ایران کمک و کار را یکسره کرد.

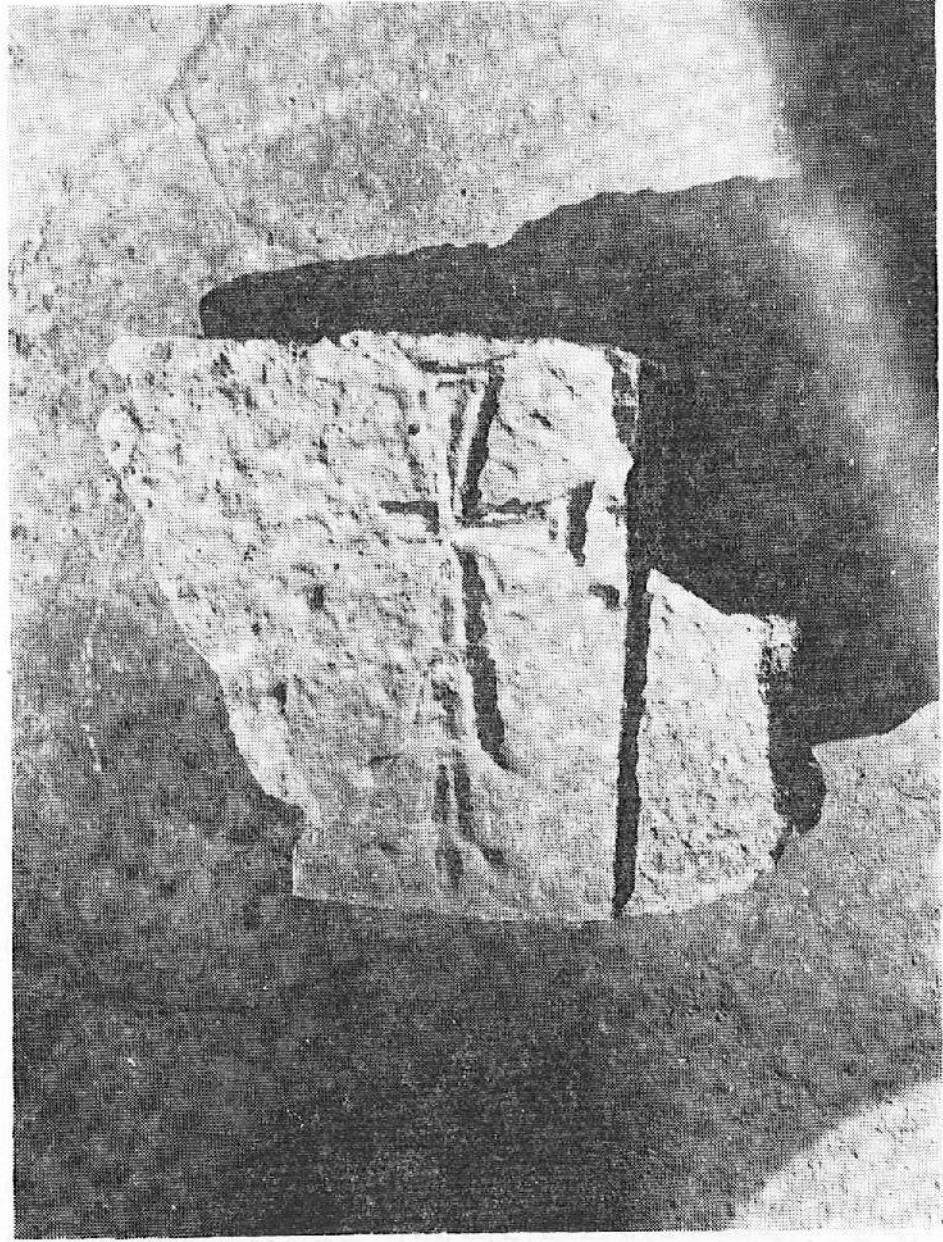
جمعیت عیسویان نسطوری امروز به کلدانیان معروف هستند و اغلب کاتولیک شده‌اند. ولی اکثریت عیسویان نسطوری در مالابار (۳) و تراوانکر (۴) و در شهرستان مدرس هند هستند. در بالای کوهی در شهر مدرس صلیب بزرگ باشکوهی با حواشی خط پهلوی در يك اطاق کنده شده و میرساند که متعلق بایرانیان نسطوری بوده است.

۱- برترین مقام روحانیت در نزد عیسویها - ۲ Monophysismes

۳- Malabar - ۴ Travankors



ظرف بیضی شکل بزرگی که با گچ در انتهای دالان شرقی کلیسا در درون اطاقی نصب شده  
شاید این ظرف برای شستشو و غسل تعمید مورد استفاده بوده است.



صلیب گچی با نقش قالبی (استامپی) مکشوفه از تالار اجتماعات کلیسا.

## کلیسای نستوری خارک :

کلیسای نستوریسان در مغرب جزیره و مشرف بدریاودر مجاورت قنات و باغچه ساسانیان از لاشه سنگهای محلی و ملاط‌گچ ساخته شده است. کلیسا دارای سه صحن و نمای آن رو به شمال می باشد.

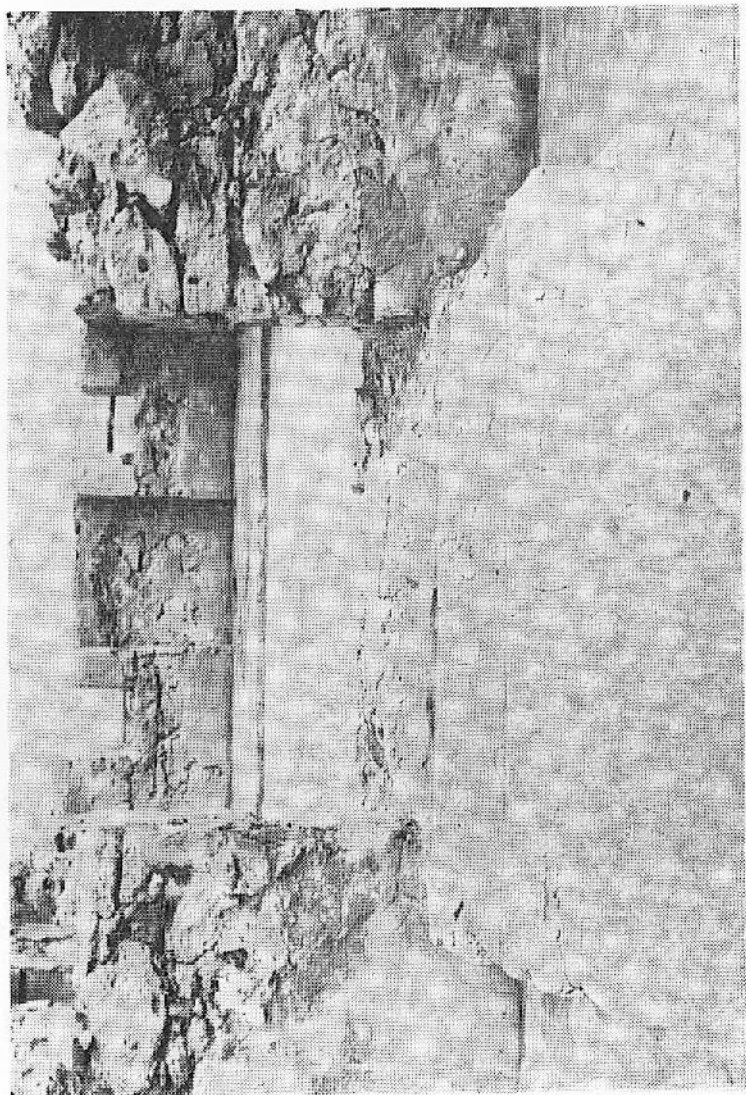
کلیسا بر فراز چند مصطبه بشرح زیر احداث شده است .

الف- تراسی بطول ۱۲ و پهنای ۲ متر با پله‌ای پهن که در جلوی دهلیز قرار گرفته به آن راه می‌یابد .

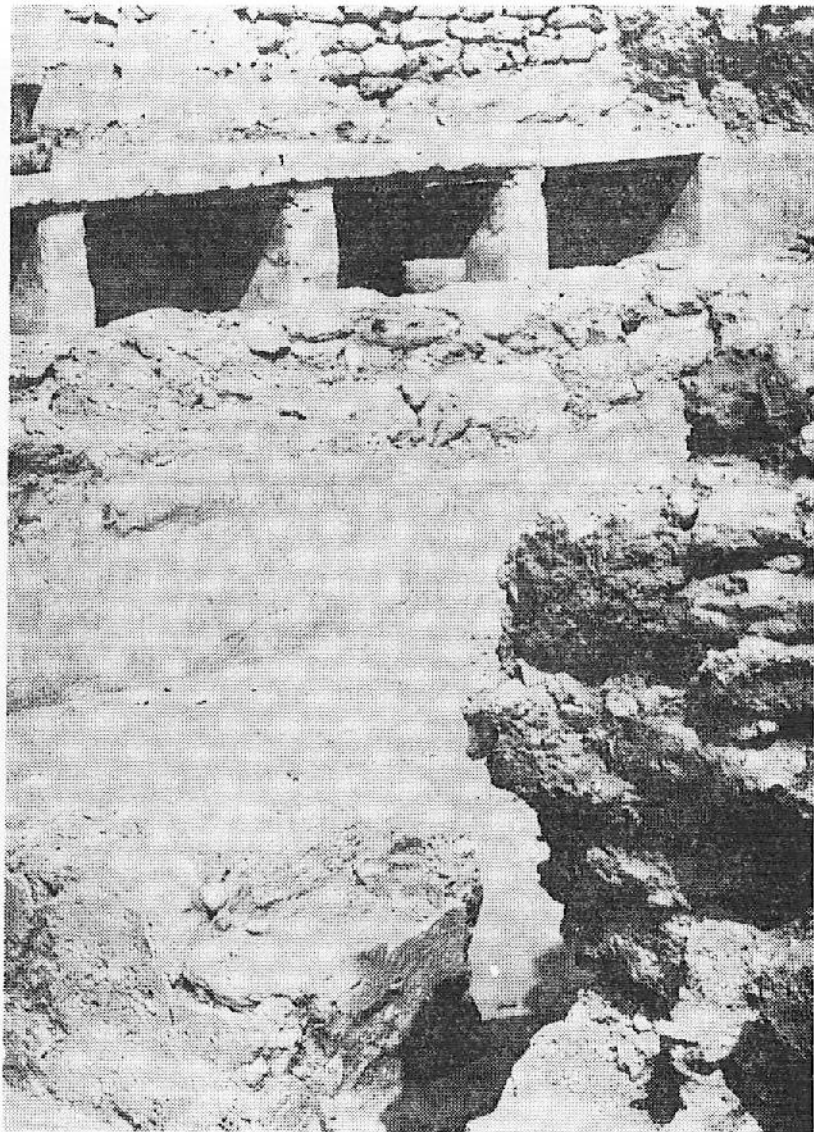
ب- دهلیز کلیسا که ۱۳ متر طول و ۴ متر عرض دارد و اطراف ورودی آن را که مدخل اصلی است با دو نیم ستون استوانه‌ای شکل تزئینی نموده‌اند. علاوه بر این ورودی دهلیز دارای چند درگاهی است که بطور قرینه بر روی مصطبه دور کلیسا و تارهای جنبین نمازخانه و همچنین تالار مرکزی راه دارند .

ج- صحن مرکزی کلیسا که محل نیایش و اجرای مراسم خاص مذهبی بوده محوطه ایست مستطیل شکل بطول پانزده و نیم متر و پهنای ۵/۲۰ متر که بنا بشیوه و سبک معماری این عصر نسبت بسطح دالانهای اطراف در حدود ۲۵ سانتیمتر بالاتر است ولی نسبت به محوطه محراب که در جبهه جنوبی آن قرار گرفته و همچنین مکان سرایندگان سرودهای مذهبی ۸۰ سانتیمتر پایین تر است و با چهار پله از وسط این نمازخانه به محل محراب راه می‌یابد .

د- تالارهای اطراف صحن مرکزی دارای پهنای کمتریست یعنی پهنای هر یک قریب ۲ متر کمتر از پهنای تالار وسطی می باشد ولی طول آنها باندازه طول نمازخانه ساخته شده ولی صحن تالار میانه در حدود ۲۰ سانتیمتر بالاتر است و سبک معماری آن که بصورت کلیسای های سه جهتی می باشد قوسهائیکه در طاقنماهای مقابل هر یک از تالارها وجود داشته و هم اکنون در جبهه جنوبی دالان شرقی بقایای آن وجود دارد سبک و اسلوب خاص زمان ساسانی را از هر لحاظ نمودار میسازد



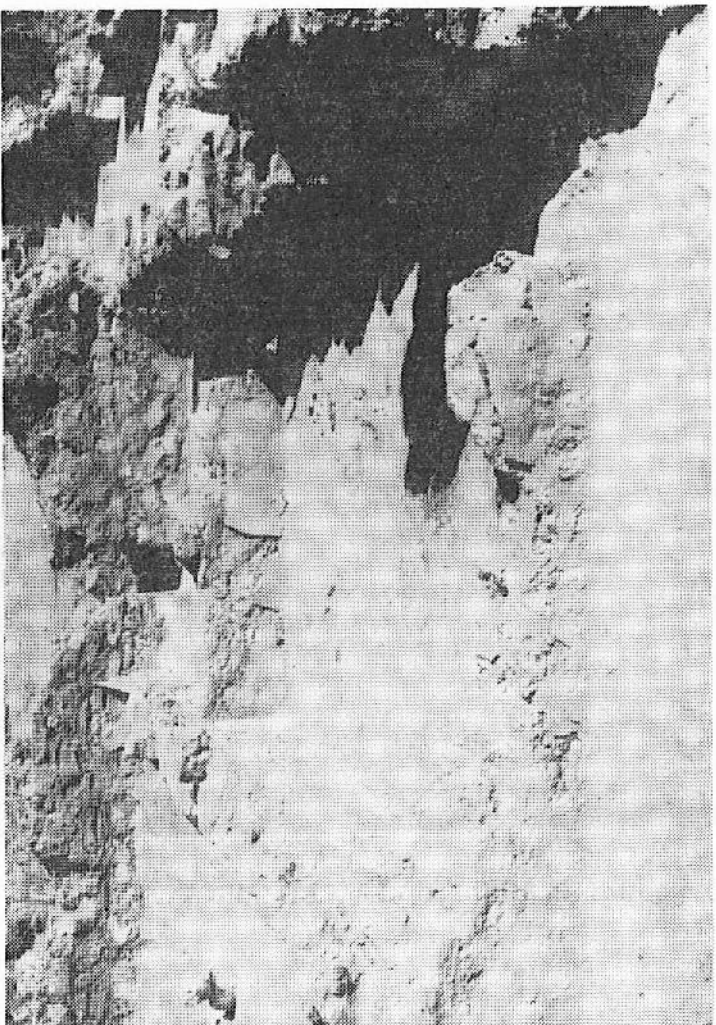
از درون نمازخانه کلیسا پله‌هایی به محراب کلیسا راه می‌یابد که بر روی آنها آرم صلیب نستوری حک شده است .



نمای کتابخانه و قراعت‌خانه کلیسا پس از مرمت و تعمیرات میزهای افتاده شده.

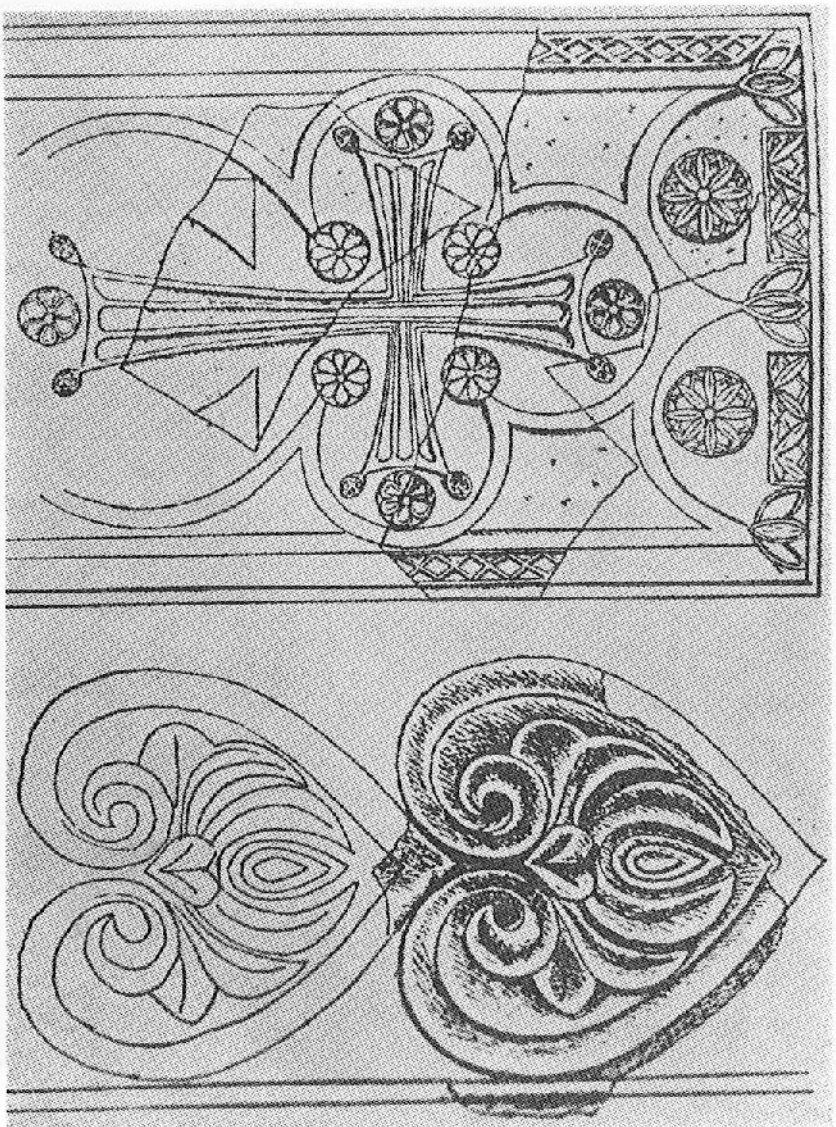


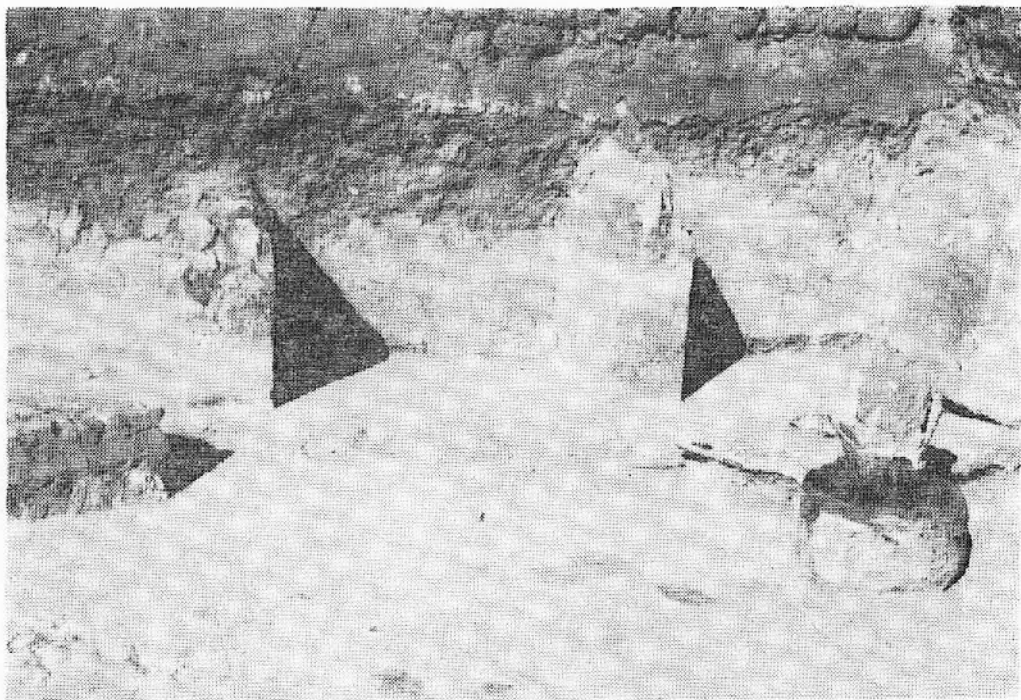
یک پایه چراغ سنگی (مشعل) که ضمن عملیات خاکبرداری در محوطه تالار اجتماعات کلیسا بدست آمد.



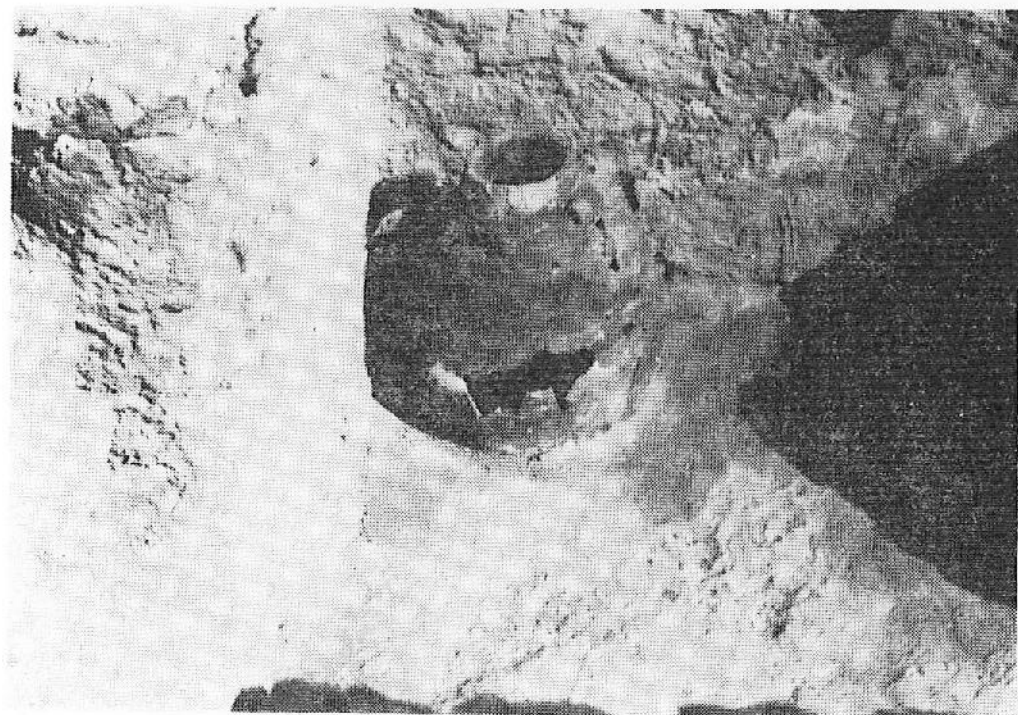
نمای مجموعه کتابخانه کلیسای نستاوریدان در خارک .

این تزئینات گچ بری درون کلیسا هنگام کاوشهای علمی پژوهشور کبر شمن بدست آمده ولی اینک آثار و بقایایی از آنها وجود ندارد .





صحن قرائت خانه کلیسا ضمن عملیات حفاری و مشعلی که در این مکان بدست آمده است



خمیره سفالی جای شراب مکشوفه از کلیسای نستوریان در خارک

در بدنه شرقی نمازخانه سه مدخل به پهنای ۱۲۰ سانتیمتر بدان شرقی و قرینه آن بدان غربی راه دارد، در انتهای تالار و بفاصله ۱۲۵ سانتیمتری آن چهار ردیف پلکان بطول ۲۴۳ سانتیمتر و پهنای ۳۵ و بلندی ۱۵ سانتی متر وجود دارد که در وسط هر یک از آنها علائم صلیب نستوری ظریفی حک شده است (۱) این پله‌ها به اطاق مربع شکلی منتهی میشود که در واقع آخرین مصطبه یعنی سکوی پنجم است این اطاق  $4/5 \times 4/5$  متر مربع وسعت دارد و احتمالاً دارای گنبدی بوده است. اطاق مذکور درست از یک سو روبروی محراب و از جهت دیگر مشرف بصحن نمازخانه کلیسا است و چون موقعیت خاصی دارد ممکن است در این مکان مراسمی انجام میگرفته و سرودهای مذهبی در همین جا خوانده میشده است. در مرکز این اطاق حفره‌ای مدور وجود دارد که جای نصب پایه‌ای بوده که متأسفانه امروز اثری از آن نیست ولی پروفیسور گیرشمن یادآور میشوند که محل محراب در وسط جایگاه خوانندگان سرودهای مذهبی بشکل دایره‌ای بود که در خاک گچی کنده بودند و هنوز تکه‌هایی از میز سنگی تیره رنگ در آنجا است (۲). محراب کلیسا در محوطه‌ای بوسعت  $420 \times 260$  سانتیمتر است که درون دیوار ایجاد شده و محوطه محراب دارای دو طاقچه مستطیل شکل کوتاه در جهات شرقی و غربی و دو پنجره در جهت جنوب و اطراف طاقهای مستطیل شکل آن میباشد که یقیناً دارای طاق هلالی بوده و با طاقنمای انتهای طالار شرقی مشابهت کامل داشته است.

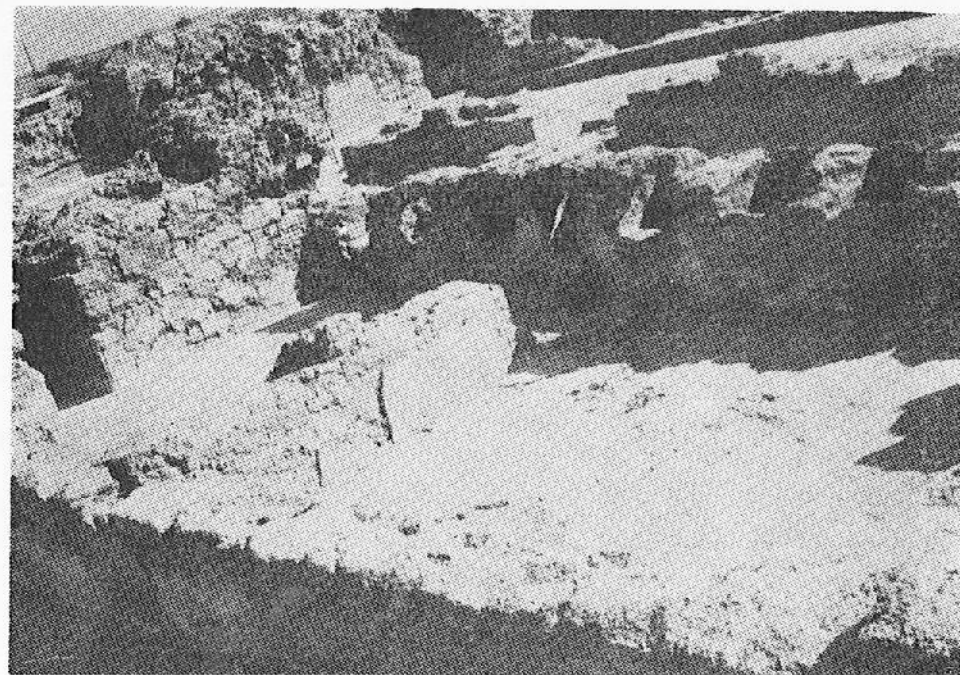
در زاویه جنوبی این مکان دو پایه ستون جای چراغی وجود داشته که اینک آثاری از آن در دست نیست. همچنین محوطه محراب دارای تزئینات گچبری صلیبی شکل و علامت مخصوص نستوری بوده که متأسفانه امروز از بقایای آن چیزی مشاهده نمیشود ولی پروفیسور گیرشمن در کتاب جزیره خارک از آنها یاد کرده و طرحهای آنها را ارائه داده است.

و در مورد تزئینات این مکان می‌نویسد محل سرودخوانان و دیوارهای خارجی خزان و جامه‌خانه را با گچ اندود کرده‌اند. پایه اصلی عبارت از یک رشته نقوش هنری و گیاهی برجسته و گرد است که بالای کنگره‌هایی رسم شده است (نگاه کنید به تصویر صفحه

- ۱- نقش صلیب روی پله‌های کلیسا کاملاً قابل مقایسه با نقوش صلیب بر پیشانی دخمه‌های اطراف کوه خضراست و این امر مؤید همبستگی آنها است.
- ۲- در وضع موجود اثری از این میز سنگی دیده نمیشود.



1000750004996  
کتابخانه مرکزی دانشگاه



نمای محوطه کتابخانه و رفهای متعدد جای کتابها.



کتابخانه مرکزی  
Central Library  
Tehran University

۱۰۶). جاهای دیگر چندین بزرگ خرماسبک خاص ساسانی قسمتهای فوقانی دیوارها رازینت میبخشد. بر درهای میان قسمت‌های سه‌گانه صحن صلیب نسطوری که طرح آن برای نخستین بار تأیید میگردد قرار داشت (نگاه کنید به صفحه ۱۰۰ عکس این صلیب مکشوفه که ضمن خاکبرداری در محل تالار اجتماعات کلیسا بدست آمده است). تزئینات گل و بوته‌ای مارپیچ و شاخ برگهای موزون ساخته از گچ با تزئینات حجاری شده به بنای ساسانی طاق بستان شباهت بسیار دارد و از همین جا میتوان تاریخ بنای صومعه و کلیسا را قرن پنجم یا ششم انگاشت.

این طاق دارای دو درگاهی به پهنای ۸۵ سانتیمتر است که توسط دو پله به اطاقهای پشت دالانهای شرقی و غربی وارد میشوند و هنگامیکه از درگاه جهت شرقی بمحوطه اطاق مستطیل شکل و موازی خوانندگان سرودهای مذهبی و محراب وارد میشویم دربندنه جنوبی آن اطاق با مختصر اختلافی از نظر کوچک بودن همان کیفیت طاقنمای محوطه محراب را در این مکان می‌بینیم بعلاوه در حال حاضر قسمت طاقنما شکل باطاق هلالی نسبتاً سالم که از مشخصات معماری خاص ساسانی است دیده میشود. در زاویه شمال شرقی این اطاق حوضچه سفالی بیضی شکلی نصب شده که اقطار آن یک متر در ۶۰ سانتیمتر است و احتمالاً این ظرف جای شستشوی غسل تعمید بوده و در نزدیکی آن مکانی برای ظرف آب مقدس وجود داشته است و خود محوطه نیز شاید محل اعترافگاه کلیسا است و طاقچه‌ای بابعاد ۵۰ × ۵۰ × ۵۰ سانتیمتر که با دو قطعه سنگ پوشش یافته، در زاویه شمال غربی بنا دیده میشود که یقیناً قرینه آن پیش از ویرانی بنا وجود داشته که محل لمپاو روشنائی بوده است. و آثار طاقچه‌های مخروبه که بقایای آن بچشم میخورد جای نگهداری اشیاء است. پروفیسور گیرشمن در مورد این جایگاه معتقد است که جانب چپ محل سرود خوانان خزانة و حوض کوچک زیر آب داری وجود داشته است. دیوار ته بیش از ۲/۵ متر ارتفاع دارد و با توجه به سقف آن این قسمت بصورت حجره بنظر میرسد. از وسط این اطاق دربندنه شمالی از مدخلی به پهنای ۱۱۰ سانتیمتر وارد کریدور شرقی کلیسا میشوند این دالان علاوه بر سه مدخل مذکور که به طالار اصلی راه دارد با سه درگاه وسیع‌تر به پهنای ۲۲۰ سانتیمتر جهت عبور گروه‌های بیشتر به حیاط کلیسا است که بعداً خواهیم دید این گروه‌ها از این قسمت به طالار اجتماعات که در پشت کلیسا ساخته شده راهنمایی میشده‌اند.

سطح خارجی دالان شرقی و غربی را بانیم ستون‌های استوانه‌ای شکل متصل بدیوار تزئین نموده‌اند.

طاق انتهائی کریدور غربی قرینه اطاق جبهه شرقی است که احتمالاً جای تغییر لباس و اطاقهای همجوار آن جای حفظ و نگهداری اشیاء بوده است ولی در تغییرات بعدی در قسمت انتهائی اطاق یعنی در زوایای جنوب غربی و جنوب شرقی اقدام به ایجاد دو سکوی مرتفع بابعاد ۶۰ × ۶۰ × ۱۵۰ سانتیمتر نموده‌اند که شاید بعنوان بستر از آن استفاده میشده ولی این دو سکو هنگام مرمت و استفاده بعدی که در این اطاق بعمل آمده، ساخته شده و در اصل هنگام بنای کلیسا وجود نداشته است و در مورد استفاده این مکان در کتاب جزیره خارك چنین آمده است در طرف راست سرودخوانان يك جامه‌خانه و در انتهای بستری بازوایای برجسته مجری اشیاء مقدس وجود داشت. میدانیم که راهبان نسطوری موظف بودند پاره‌ای از شبها کنار محراب بمانند. در برابر بستر که همیشه باسنگ و گچ ساخته میشده در زاویه دست راست مجموعه‌ای (۱) دیده میشود که از تنگنای مدخلی به پهنای يك دست در آورده‌اند محتمل است که اشیاء مقدس در آنجا نهاده میشد و راهبان با دست کردن در شکاف میتوانستند آنها را لمس کنند. دو پایه چراغ بشکل دو ستون کوچک نزدیک دو زاویه وجود دارد (۲).

بهر جهت در اطاق جامه‌خانه چهار مدخل بشرح زیر دیده میشود، دودرگاهی در بدنه شرقی که اولین آنها وارد محوطه محراب کلیسا میشود دو دسته خوانندگان از این درگاه بمکان خود در مقابل نمازخانه قرار میگرفتند و دومین در بفاصله ۱/۵۰ متری این مدخل قرار دارد که مستقیماً و هم‌سطح از کف وارد طالار اصلی کلیسا یعنی صحن نمازخانه میگردد. در وسط ضلع شمالی راهرو دالان غربی است و درگاهی نیز در جهت غرب اطاق وجود دارد که وارد دالان پهنی میشود که در آنجا بازمانده‌های سه سبوی سفالین که با قیر نصب شده بود وجود داشته است ولی امروز بقایای آن دیده نمیشود. اطراف این دالان را طاقنماهای کوچک و بزرگ که روبروی هر يك از آنها سکوهایی کم ارتفاع بصورت نشیمنگاه ساخته شده است فرا گرفته. در طرف جنوبی این دالان اطاقهای متعددی ساخته شده است که شاید جای نگهداری

۱- دروضع موجود بقایای این مجموعه وجود ندارد.

۲- بقایای دو پایه چراغ بشکل دو ستون نیز در حال حاضر وجود ندارد.

اشیاء و اطاق کوچک انتهائی متعلق دربنای بوده که این محوطه را پاسداری  
میکرده است .

### تالار اجتماعات کلیسا

پیش از توضیح طالار اجتماعات کلیسا حاجت بتذکار است که از يك بنای  
دیگر واقع در جبهه شرقی کلیسا ذکر نمایم .

هنگامیکه از راهروی دالان شرقی کلیسا که قبلاً گفتیم بصورت معبری بمنظور  
گذرگروه و دسته جاتی وسیع ساخته شده است، وارد فضای شرقی کلیسا میشویم و  
بنظر میرسد که عبور از این معبر جهت ورود به تالار اجتماعات الزامی بوده  
است، موازی با ضلع بدنه شرقی کلیسا و بفاصله ۸ متری آن در وسط حیاط بقایای  
سکوئی برجسته و مستطیل شکل به بلندی نیم متر و طول و عرض  $۵ \times ۱۱$  متر مربع  
وجود دارد که اطراف آنرا حفره هائی قبر مانند و سنگ چین در بر گرفته است که هر  
يك از این حفره ها ۲ متر طول ، ۶ سانتیمتر پهنا و ۵۹ سانتیمتر عمق دارد ولی از  
چگونگی این حفره های گور مانند اطلاعی نداریم و چون حفاری آنها بطور کامل  
صورت گرفته و در کتاب جزیره خارک هم چیزی در این مورد مشاهده نشد فقط بتوصیف  
این مصطبه اکتفا میشود. در جنوب آن اطاقکی مربع شکل بابعاد  $۳ \times ۳$  متر مربع  
باسه راهرو وجود دارد و جبهه جنوبی آن بسته است که یقیناً بر روی آن گنبدی وجود  
داشته و راهروی شمالی درست در وسط مصطبه و روبروی آن قرار گرفته و بدنه شرقی  
و غربی هر يك دارای يك درگاهی است ولی موقعیت راهروی شرقی با پله های پهن و  
طوبلی که دارد مؤید آنست که ورودی این بنا بوده و درگاه غربی و قرینه آن راهروی  
خروجی است و از نظر اجرای برنامه های بعدی مذهبی نیز چنین امری بحقیقت  
نزدیکتر است تا پس از تشریفات از فضای غربی بین این بنا و شرق کلیسا بدانسو  
رهسپار گردند .

در زیر این اطاقک شبستانی بشکل سردابه که با قلوه سنگ طاق ضربی آن  
پوشش یافته است ساخته شده با وجودیکه کیفیت استفاده بنا آنطوریکه باید و شاید  
روشن نیست اگر محل ناقوس کلیسا نباشد شاید آرامگاه یکی از رهبانان مورد  
احترام نستوریان بوده است که در اطراف آن قبور سایرین یحتمل کشیشان دفن شده  
باشد خاصه آنکه این بنا بصورت سکوئی برجسته در جوار کلیسا و در فضای بین حیاط

بعداً بوجود آمده است سردابه مذکور شبیه آرامگاه های زیرزمینی مسیحیان در  
قرن سوم میلادی میباشد .

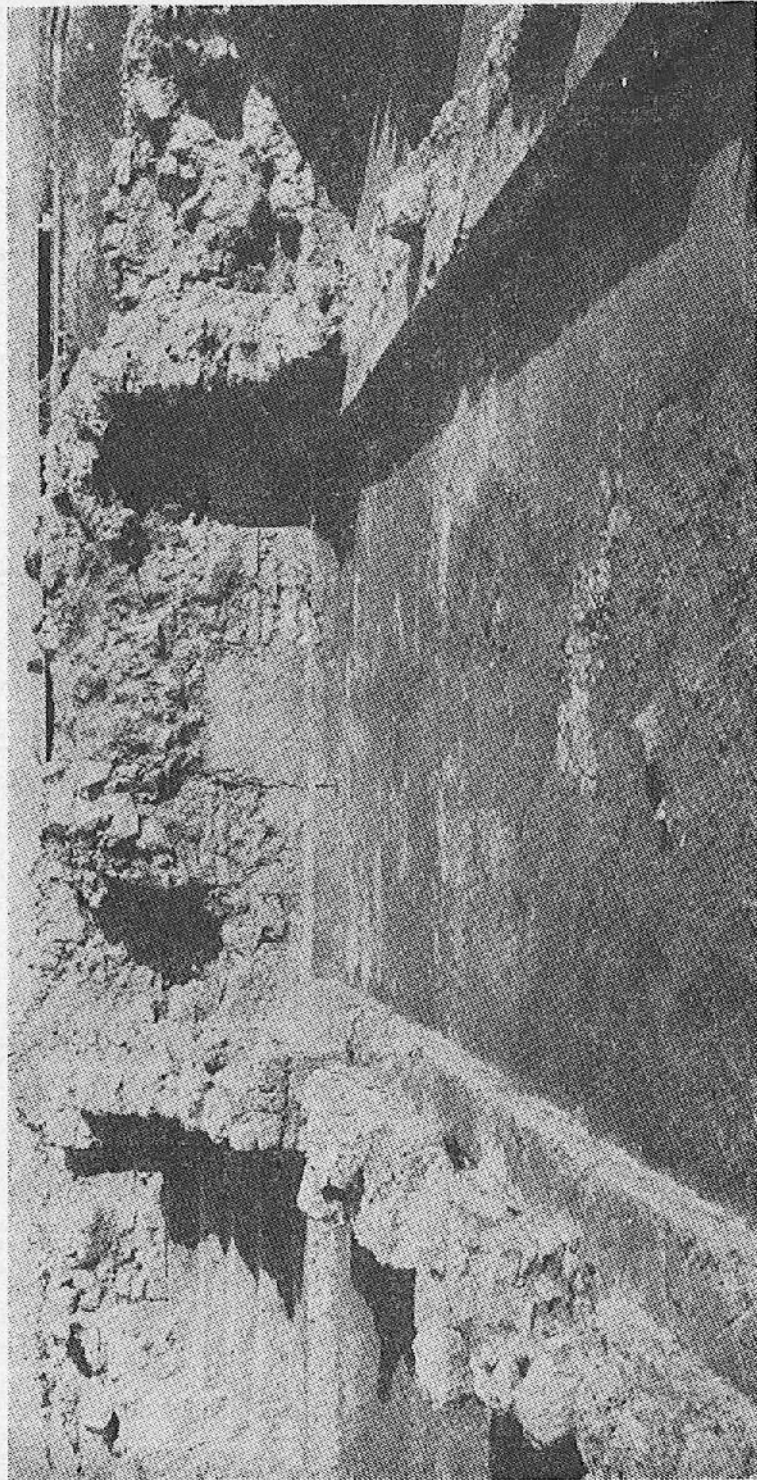
### تالار اجتماعات

در پشت کلیسا و در جبهه جنوبی آن بفاصله ۷ متری طرح بنائی شرقی و غربی  
که مخالف جهت بنای کلیسا است بچشم میخورد و همانطور که گذشت این بنا دارای  
يك راهروی ورودی آنهم در زاویه شمال شرقی است که از حیاط کلیسا در قسمت  
جنوبی بوده و چنین بنظر میرسد که طرح بنا بر طبق نقشه طوری در نظر گرفته شده  
که پس از ادای فرائض مذهبی در محوطه کلیسا اجتماعت نستوری بتوانند با استفاده  
از خروجی های دالان شرقی نمازخانه وارد حیاط شده و از راهروی بین آرامگاه  
مذکور و کلیسا بمنظور تشکیل جلسات مذاکره و مباحث دینی وارد تالار اجتماعات  
شوند و همچنانکه دیدیم گروه هائیکه بمنظور زیارت و یاتبرک بمحوطه آرامگاه  
داخل شده بودند از خروجی جبهه غربی به دستجات عازم تالار اجتماعات  
می پیوستند .

مدخل کلیسا برای پذیرش گروه های زیادتر، از سه ردیف پله های پهن و طویل  
و درگاهی به پهنای ۲ متر بوجود آمده است ولی این راهرو مستقیماً به طالار اصلی  
راه نمی یابد بلکه ابتدا وارد اطاقی طویل بطول  $۷/۵$  متر و پهنای  $۲/۲۰$  متر میشده  
که در فضای آن نیز اطاق مشابهی بطور قرینه ساخته شده است و در حقیقت بمنزله  
سرسرای طالار اجتماعات محسوب میشود .

هنوز برای ما روشن نیست که این اطاق چه وظیفه ای داشته که ورود به آن  
بمنظور راه یافتن به تالار اجتماعات الزامی بوده است محتملاً بادر نظر گرفتن دو  
اطاق طویل و مشابه آنهم در يك جهت شاید بمنظور مشاوره و اتخاذ تصمیم و یا انجام  
مراسم مقدماتی جهت آمادگی ، پیش از ورود به طالار مرکزی اجتماعات بوده  
است .

این سرسرا بر روی مصطبه ای ساخته شده است که از سطح طبیعی در حدود  
۷۰ سانتیمتر و از سطح تالار اجتماعات قریب يك متر مرتفع تراست و بدنه شرقی  
هر يك از دو اطاق مجاور (سرسرا) دارای دو درگاهی پنجره مانند بزرگ میباشد که  
بر روی تراسی مشرف به ساختمان صومعه نشینان که بصورت عمارات مجزا و



صحن مرکزی تالار اجتماعات کلیسای جزیره خارک که اطراف آنرا سکوهایی نشیمن  
فرا گرفته است.

بفواصل معین از یکدیگر ساخته شده است و همچنین مشرف به محوطه جنوبی کلیسا  
بناشده اند که علاوه بر استفاده از روشنائی شاید هم در روی تراسه‌ها هنگام برقراری ودائر  
بودن تالار اجتماعات نگهبانی هم صورت میگرفته است. قرینه درگاهی اطاق اول  
راهروی پله دار است که با چهار ردیف پله سه پهن و سراسری وارد کریدور شمالی  
تالار اجتماعات میشود.

تالار اجتماعات از نظر سبک معماری بصورت سه صحنی و شبیه ساختمان  
کلیسا با اسلوب معماری زمان ساسانی است باین ترتیب که تالار مرکزی در وسط  
و دو دالان در جنبین آن که برخلاف سبک جهات بناهای مستحدثه این محوطه بصورت  
شرقی غربی ساخته شده و فقط سرسرای آن شمالی، جنوبی است. هر یک از دالانهای  
جنبین ۲/۷۰ سانتیمتر پهن و درازای آنها برابر با درازای تالار اصلی است که ۱۵  
متر طول و ۵ متر و نیم عرض آنست. اطراف صحن مرکزی را سکوهایی به بلندی  
۲۵ سانتیمتر و پهنای ۴۰ سانتیمتر بصورت نشیمن و بهمین منظور فرا گرفته است.  
در زاویه شرقی این تالار طاقچه‌ای با طاق هلالی شکل و سکوهایی پله ماندی وجود  
دارد که ممکن است جای کتب مذهبی و یا پایه‌های چراغ بوده است و در گوشه شمال  
این تالار سکویی وجود داشته که یقیناً جایگاه رهبر مذهبی و سخنران اصلی بوده  
است.

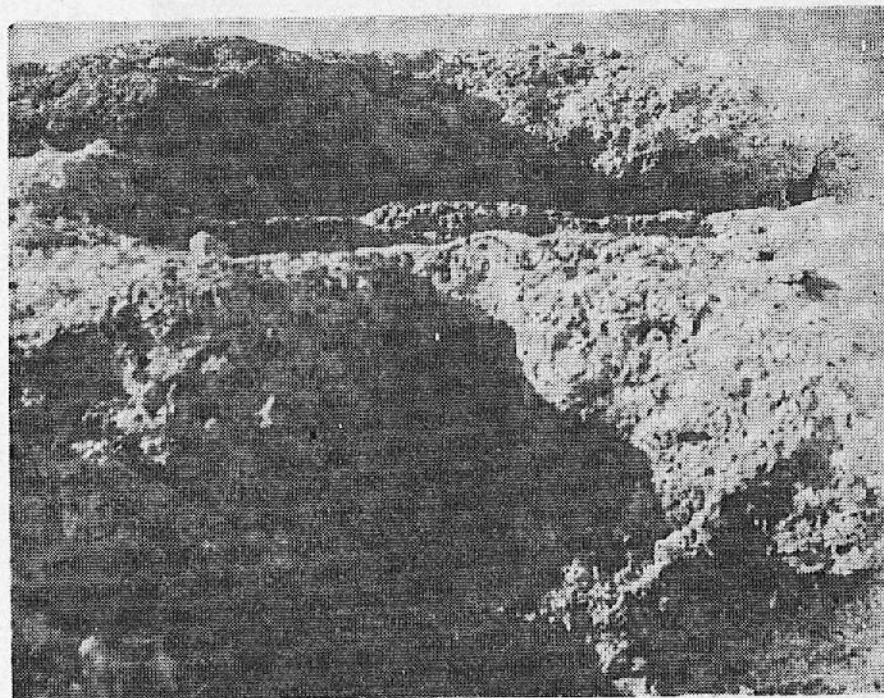
(ضمن خاکبرداری در این محوطه یک قطعه گچ با نقش صلیب نستوری و  
۲ پایه چراغ سنگی بدست آمد) رواق‌های اطراف تالار اجتماعات هر یک دارای  
یک خروجی در جبهه جنوبی است خروجی تالار مرکزی بنحو جالبی تزئین و  
ساخته و پرداخته شده است. خروجیها وارد دالان غربی میشوند و از این دالان یک  
راه به محوطه خارج و یک راه به بناهای پشت محراب کلیسا وارد میشود که در مورد  
آنها کتاب جزیره خارک می‌نویسد: پشت محراب دو تالار بزرگ و دراز بموازات  
یکدیگر ساخته شده و رف‌های فراوان سه ردیف نشانه آنست که این تالار کتابخانه  
بوده است.

بستری گچی که جلوی این کتابخانه وجود دارد نشان میدهد که نگهبان  
کتابخانه‌ها و اشیاء شب‌وروز از اشیاء حفاظت و پاسداری مینموده است. اطراف  
تالار اجتماعات و کتابخانه را اطاقهای متعددی فرا گرفته که بیشتر جزو الحاقات  
این مجموعه محسوب میشود ولی اطراف کلیسا که بصورت حیاطی جلوه‌گر است

منازل صومعه نشینان بصورت حجراتی که هر يك دارای جای خواب و اطاق نشیمن و اطاق كوچك جای پخت و پز میباشد ساخته شده و ورودی تمام این حجرات از فضای حیاط اطراف کلیسا است و صومعه‌ها پناهگاه و محل اجتماع و مطالعه و توقفگاه زائرین محسوب میشد و در واقع کلیسا در درجه اول بگروه فعال صومعه نشینان تعلق داشت و برای رفع احتیاجات آنها بوجود آمده بود.

### خانه‌های کشیشان :

هنگامیکه بمنظور بازدید کلیسای نسطوری بسوی جبهه غربی جزیره رهسپار میشویم، بر روی پشته‌های طبیعی و بفواصل معین و بصورت پراکنده آثار ویرانه‌هایی بچشم می‌خورد که اکثراً از نظر ساختمانی و رفع نیازمندیهای زندگی نظیر منازل صومعه نشینان و تقریباً بصورت یکنواختی ساخته شده است. باین ترتیب که هر يك از منازل کشیشان دارای حیاطی بوده است که در آن چهار اطاق در جوار یکدیگر بمنظور اطاق خواب، اطاق نشیمن، آشپزخانه و انباری بوده است و در برخی از این منازل صومعه نشینان که در مجاورت چاههای دوره ساسانی قرار گرفته اقدام به کانال کشی زیر زمینی شده و جریان آب را بداخل چاههای استوانه‌ای شکل که از خصوصیات معماری آنانست جاری ساخته‌اند و در جلوی منازل خود حوضی مستطیل شکل بوجود آورده‌اند. ولی همه منازل به آب چاه در محوطه مسکونی دسترسی نداشته‌اند و مجبور بوده‌اند که از مسافت بیشتری آب را با ظرف بمنازل خود ببرند و در این قبیل خانه‌ها خمره‌های جای نگهداری ظرف آب در محل آشپزخانه نصب شده است و چون در شریعت نسطوریان یعنی مسیحیان ایرانی کلیسائیان میتوانند ازدواج کنند تشکیل زندگی خانوادگی در جوار کلیسا بمنظور اجرای مراسم و فرائض دینی واجب بوده است.



در شمال شرقی کلیسا محل تا کستان قدیمی وجود دارد که درون آن حوضچه سنگی جهت تهیه آب انگور برای شراب حجاری شده است

بنای معظم میر محمد در خارك از یادگارهای اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است و گنبد منشوری شکل و باصطلاح مضرس آن علاوه بر شکوه و جلالتی که باین بنا در جزیره داده است دال بر احترام اهالی و قدردانی از این آرامگاه است و سبک پوشش آن که نظیر سایر امکنه مقدسه جنوبی ایران مانند گنبد دانیال نبی در شوش و شاه ابوالقاسم در شاه آباد دزفول (۱) است از نوع گنبد های مخروطی شکل دنداندار پهن میباشد که از سطح خارج شبیه منشور است و به گنبد های مضرسی یا منشوری معروف است . بنای میر محمد را در خارك باید علامت مشخصه جزیره خارك دانست و با عظمت و روحانیتی که دارد پیوسته مورد احترام بومیان و ساحل نشینان خلیج فارس بوده است حتی از هندوستان و پاکستان زیارت این بقعه سفر می کرده اند . آرامگاه میر محمد با تزئینات کاشیکاری بسیار نفیس زمان مغول و سبک معماری خاص آن در ردیف بناهای باشکوه قرن هشتم هجری است و بعلاوه بر تزئینات بنا دارای ثروت هنگفتی مرکب از اثاث البیت ، شمعدانی ، چراغ و قندیلها بوده که بنا بگفته محمد ابراهیم نادری کازرونی بعلاوه آتش سوزی و غارتی که در زمان مسعود بن عبدالعزیز در این مکان اتفاق افتاد ، گنجینه ها و غالب تزئینات آن از میان رفت و بعداً هنگام مرمت بنا روی اغلب کاشی های باقیمانده را پس از آتش سوزی گچ گرفته آنرا ساده تر نموده و تزئینات کاشیکاری آن بر طبق اسلوب زمان تیموری و

۱- عده ای معتقدند که این مکان آرامگاه یعقوب لیث صفاری است .

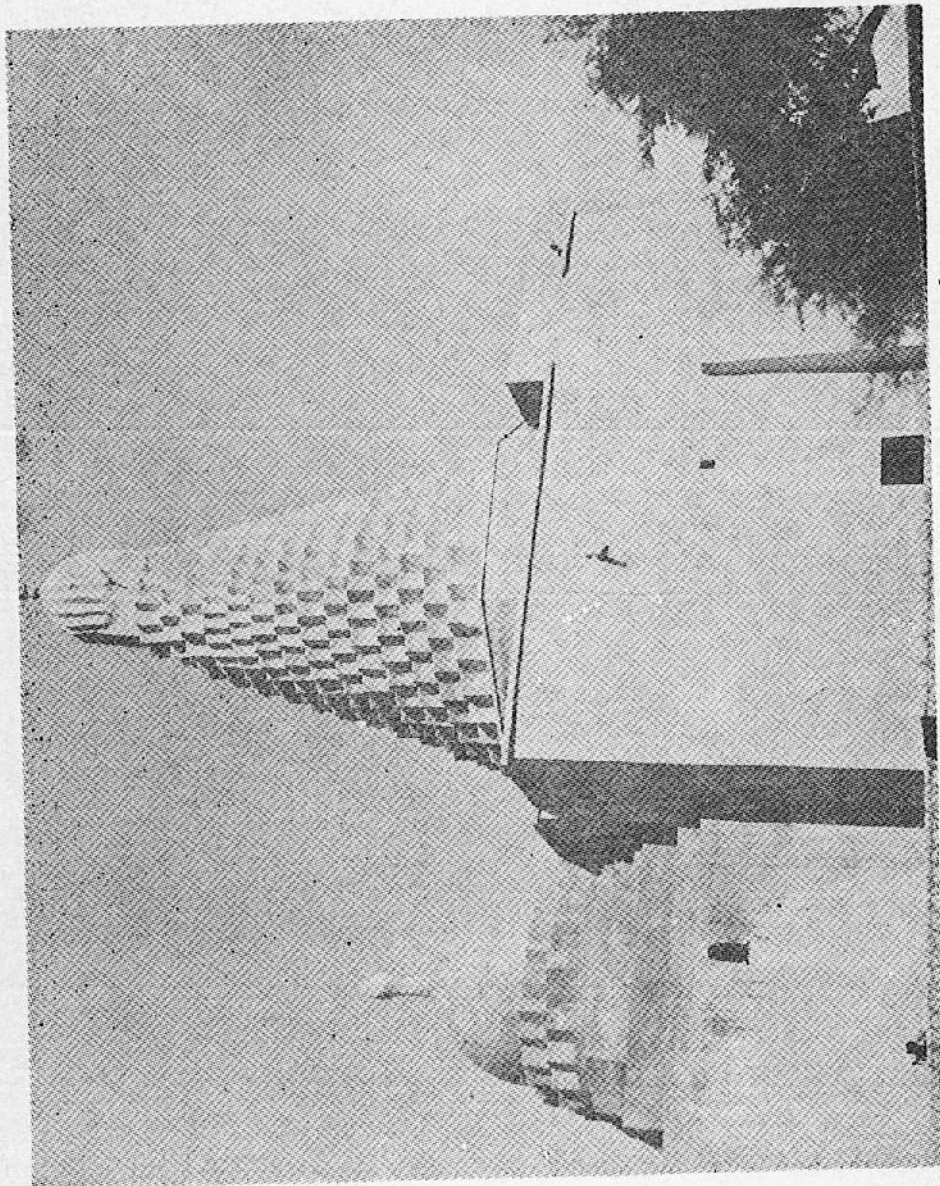
کاشی های عصر شاهرخ صورت گرفته است (۱) . بنای آرامگاه امامزاده میر محمد از دو قسمت تشکیل شده است محوطه آرامگاه و مصلی آن .

الف - محوطه آرامگاه :

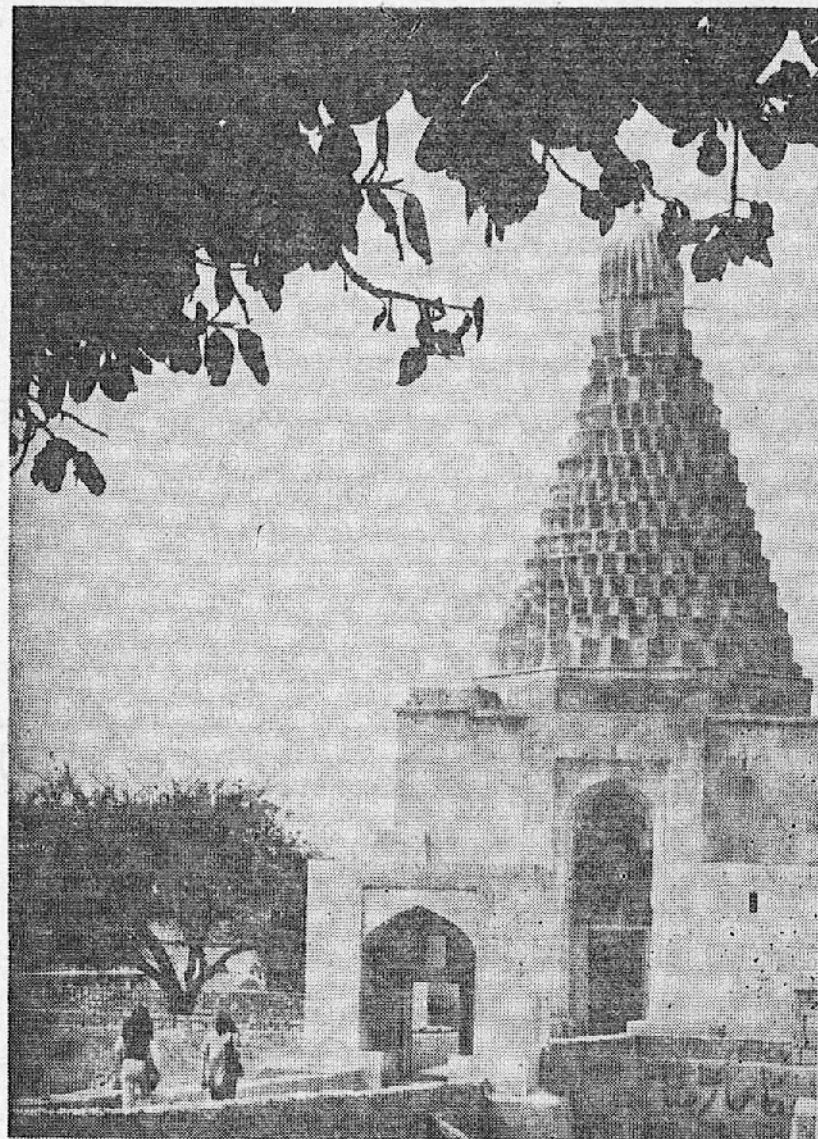
بشکل اطاق چهارگوشی است بوسعت ۲۰ متر مربع که در قبله آن محرابی در داخل بدنه غربی وجود دارد و چنین بنظر میرسد که محوطه آرامگاه در بدو تاسیس صورت يك مصلی را داشته است و هنگامیکه در این مکان اقدام به دفن جسد مینمایند بنا از صورت نمازخانه خارج شده و بصورت آرامگاه درآمده است . بهر صورت محوطه آرامگاه قدیم تراز مصلی جلوی آنست .

کیفیت بنای آرامگاه و پوشش آن نیز دلالت دارد بر اینکه از بنای مصلی قدیم تر بوده است گنبد آن قسمتی دارای مضرس و بقیه ساده است و بنای الحاقی مصلی را چه در قسمت داخلی و چه در خارج میتوان مشاهده نمود سطوح جانبی آرامگاه بیش از ۴ متر ارتفاع دارد که در هر يك از گوشه های آن چهارلچکی جالب توجه که در داخل قابی مربع شکل قرار گرفته است بنا را بصورت چند ضلعی در آورده و سپس گنبد مضرس با اسلوب خاصی که در مورد گنبد مصلی مشروح خواهد افتاد شروع شده است و لسی از نظر ساختمان و پوشش و ایجاد منشورهای گنبد با گنبد مصلی که بعداً بوجود آمده فرق کلی دارد بطوریکه در هر يك از گوشه های آرامگاه لچکیها تقریباً شبیه طاقنماهای مقرنس کاری بنظر میرسد که بیشتر در سرد را مکنه مقدسه دیده میشود و ایجاد سوراخهای کوچک شیشه دار تابش روشنائی در هر يك از این بدنه ها امکان پذیر بوده است . کیفیت بنا نشان میدهد که بنای اصلی همین مقبره بوده و بعداً در قرن هشتم بدون اینکه

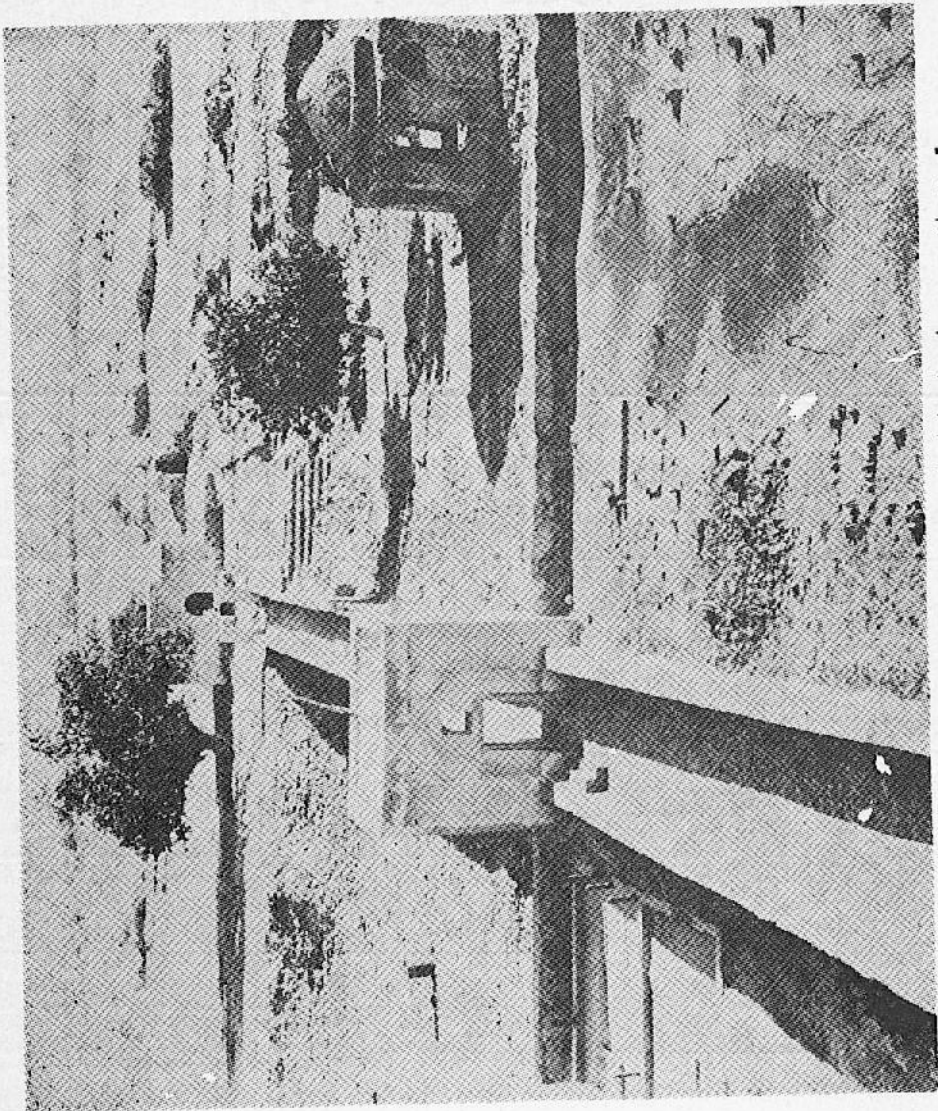
۱- بطوریکه در کتاب سیاسی خلیج فارس آمده است در سال ۱۴۴۳ میلادی عبدالرزاق نامی که از جانب میرزا شاهرخ پسر امیر تیمور به هندوستان میرفته در اثنای عبور هرمز را دیده که می نویسد شهر هرمز بهترین شهریمت که محافظ شد در این جزیره لم یزرع اهالی آنچه لازم مکنت و تجمل و راحت است فراهم نموده اند ( ما مظاهر و نفوذ هنری عصر شاهرخ را در کاشیکاری معرق سردر و دودی و محراب مصلی میر محمد خارك مشاهده مینمائیم ) .



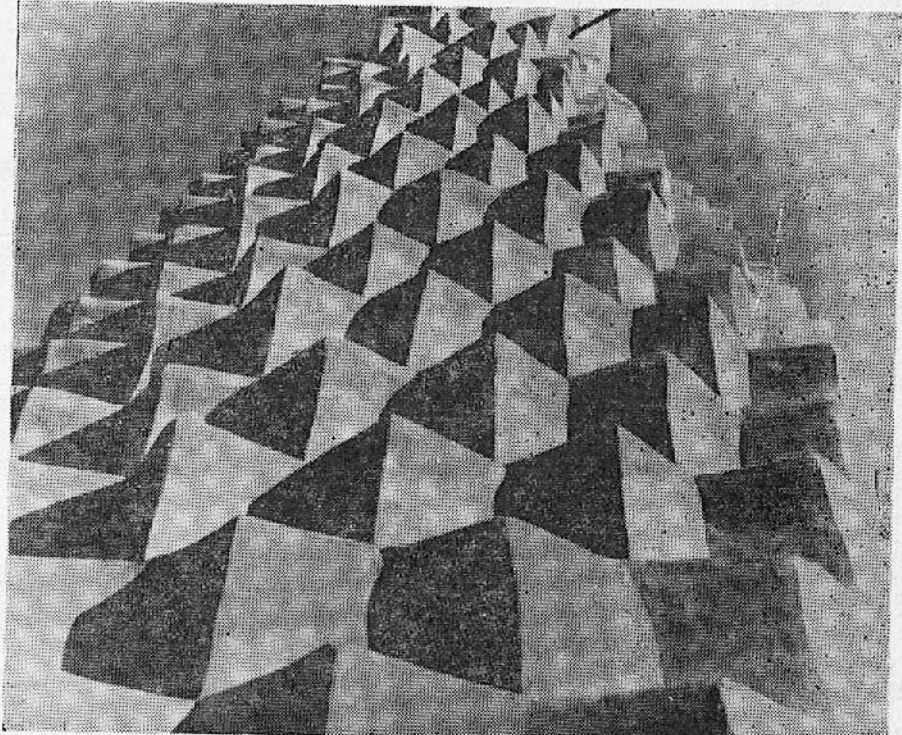
بقعه کوچک اصلی امامزاده و بنای رفیع مصلا با گنبد مخروطی و منشوری



بقعه میر محمد درخارک



قسمتی از ممبر و دروازه‌های امامزاده محمد و چهارطاقی و قبرستان اطراف این مکان

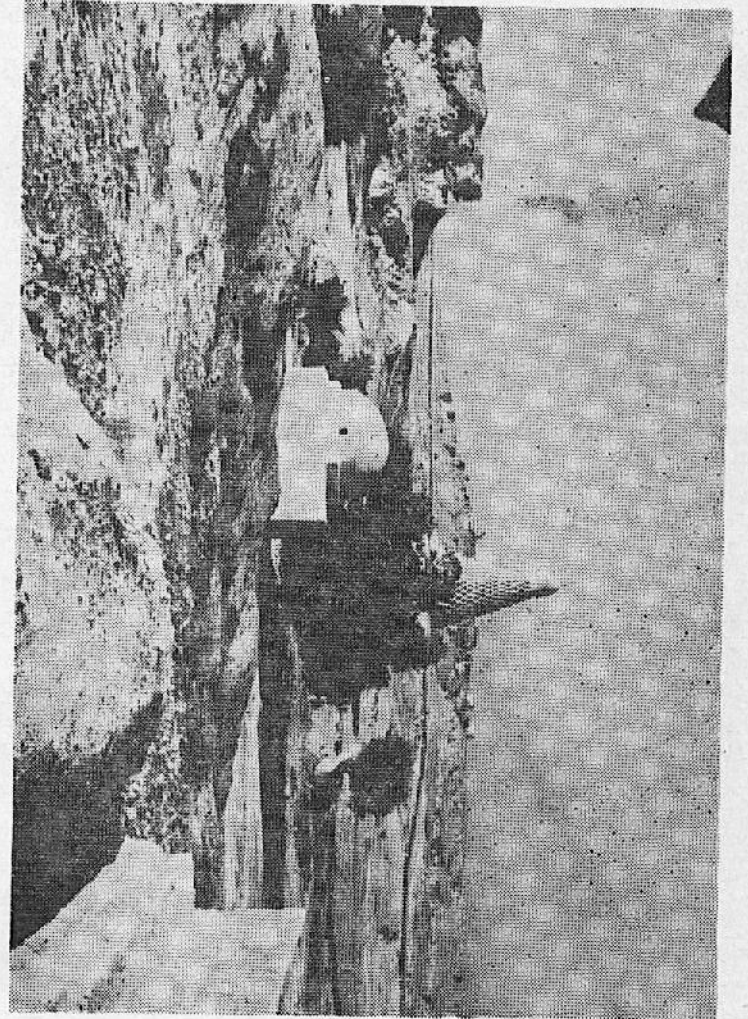


طرز قرار گرفتن منشورهای گنبد میر محمد

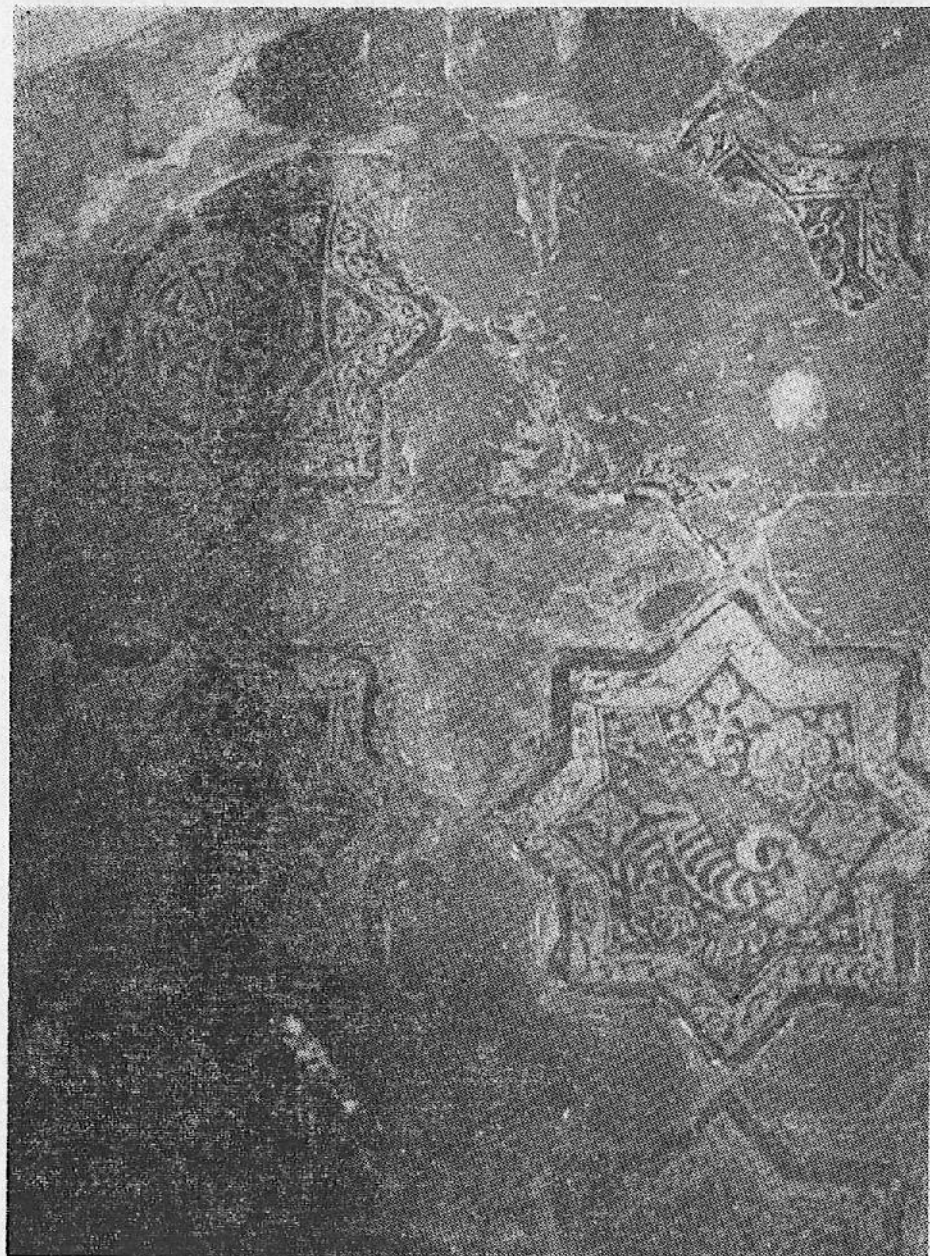
تغییری در آن بدهند نمازخانه‌ای در جبهه شرقی آن که بمراتب وسیع‌تر و رفیع‌تر است با اسلوب نو و ابتکاری خاص بوجود آورده‌اند. مقبره اصلی دارای ضریحی چوبی و مشبك کاری است ولی صندوق قبر آن ساده و طوری نصب شده است که نمی‌توان دانست که آیا در زیر آن سنگ قبر کتیبه‌داری وجود دارد یا خیر این قبر در وسط صحن طوری ساخته شده که ضریح آن در بدنه شرقی متکی بدیوار است. در زاویه شمال غربی قبر دیگری متکی بدیوار وجود دارد که بومیان معتقدند که این قبر معمار و استادکار آرامگاه میرمحمد یعنی سیدعلی است.

ولی این قبر نیز فاقد سنگ کتیبه است. بنای میرمحمد رامنتسب به محمدبن حنفیه فرزند علی علیه‌السلام میدانند مادرش جاریه فاطمه زهرا علیها سلام و از قبیله حنفیه بوده لذا بنام مادرش شهرت یافته است ولی در متن کتیبه سردر ورودی آرامگاه بنام محمدبن امیرالمومنین علی علیه‌السلام خوانده شده است «در مورد این کتیبه ورودی که بصورت محراب مصلی مورد استفاده واقع شده توضیح داده خواهد شد».

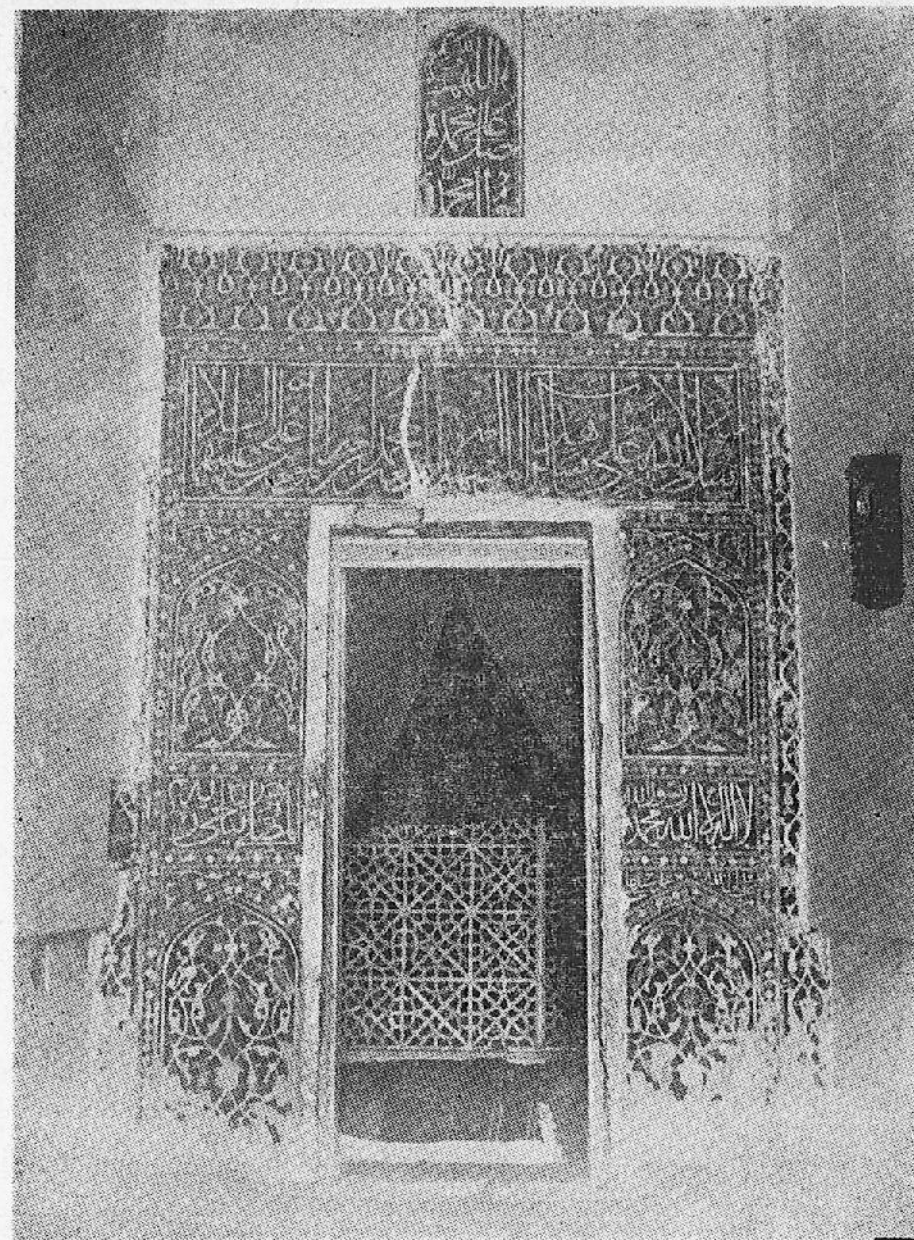
این آرامگاه مورد نیایش و احترام شیعیان جزیره است و در گذشته مسلمانان پاکستان و همچنین اهالی بمبئی و هندوستان و سایر نقاط مجاور مانند بندر ریگ و گناوه بزیارت این امامزاده می‌آمدند.



نمای عمومی گنبد میرمحمد و ساختمان آئین‌خانه چلوی امامزاده و منظره کوه دیده بان در پشت بقعه و بقایای قدیمی در پشت آئین‌خانه.



کاشیهای لمابدار و منقوش به نقوش مختلف گل و گیاه و تصاویر هندسی و حیوانات با کتیبه  
مجموعه نفیسی از هنر کاشیکاری قرن هشتم ایران است که در این بقعه پنجم میخورد

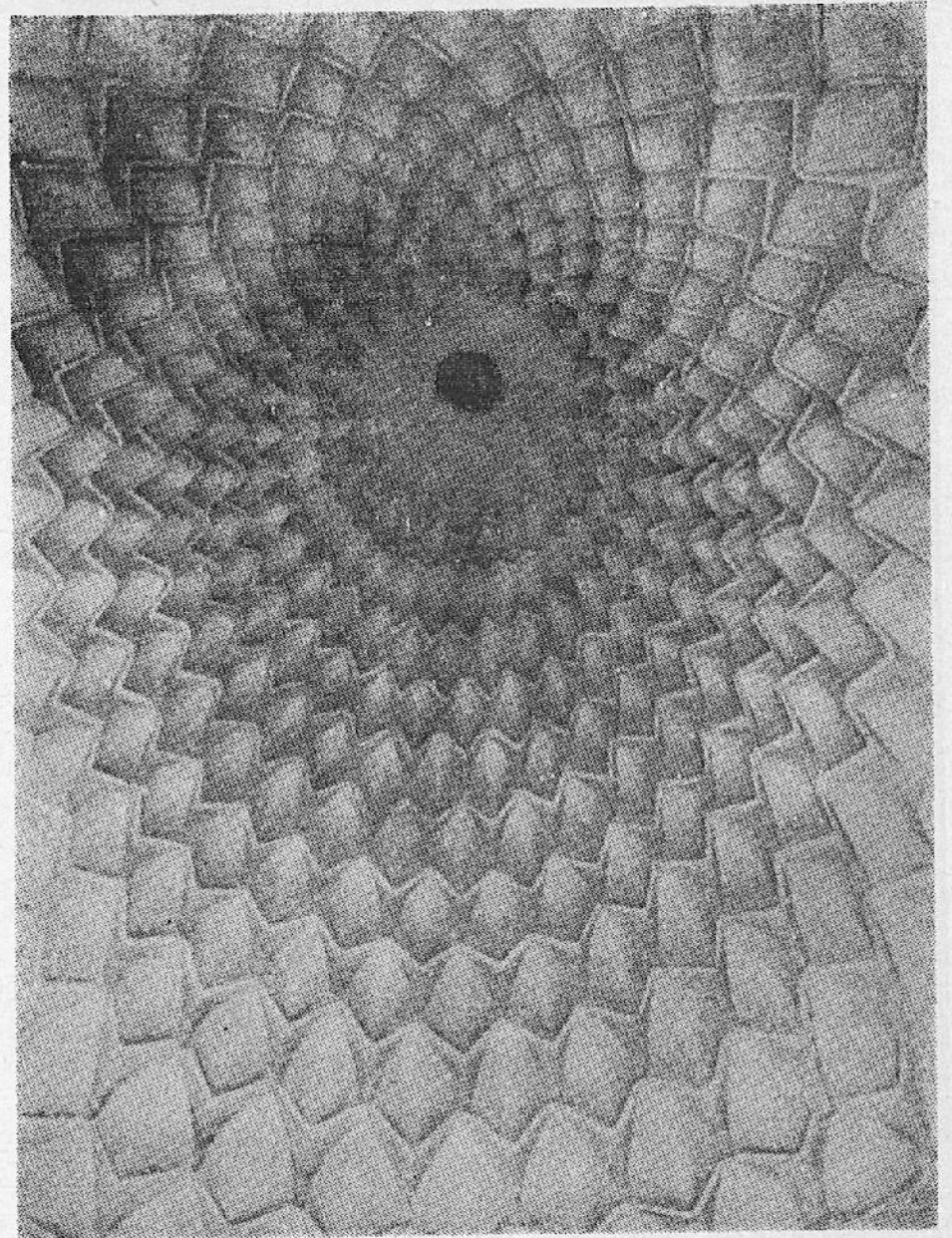


طاقنمای ورودی به بقعه میر محمد که در آن ضریح چوبی مرقد دیده میشود ضمناً این مدخل  
بصورت محراب مصلی جلوی آرامگاه مورد استفاده قرار گرفته و تزئینات کاشیکاری و کتیبه‌دار  
آن که از یادگارهای قرن هشتم هجری است.

### مصطفی میرمحمد :

بنائی است که تقریباً بصورت چهارصفه نظیر سایر ابنیه مقدسه جنوبی ایران ساخته شده است مدخل آن از طرف شرق، و در هر گوشه بنا لچکی‌های بزرگ مقرنس کاری بصورت تیغه‌ای و حفره‌ای ساخته شده است. ایجاد این لچکی‌ها موجب شده است که بنای چهارگوش از سطح خارجی و چهارصفه داخلی بصورت کثیرالاضلاع ۸ ضلعی در آید و سپس با ایجاد گوشواره‌های کاذب دیگر در ارتفاع یکمتری در سطح این کثیرالاضلاع آنرا بصورت ۱۶ ضلعی و کوکبی شکل در آورده‌اند تا احداث گنبد منشوری بر روی آن امکان پذیر گردد و برای این منظور با استفاده از کثیرالاضلاع متشکله و قالب بندی مخروطی شکل اقدام بساختن گنبد مضرسی نموده و برای جمع کردن قاعده در هر طبقه از تعداد منشورها بطور منظم کاسته شده ولی برای حفظ تعادل پوشش و اجرای کامل گنبدسازی باین شیوه حتماً بایستی رعایت نقشه کثیرالاضلاع شکل پایه اولی را نمود و با توجه به قالب بندی و محور اصلی گنبد طبقه بطبقه از منشورها کاست و گنبد را بالا برد و باین ترتیب ملاحظه میشود که در این گنبد که ۱۴ طبقه میباشد تعداد منشورها در اولین طبقه ساخت ۴۸ عدد و در ردیف دوم ۴۲ عدد الی آخر ولی چون بتدریج اندازه منشورها کوچک شده رعایت تعادل و تناسب نیز بعمل آمده است و بدین طریق در سطح خارجی ابهت و جلوه خاصی پیدا کرده است .

اما تزئینات داخلی مصطفی که از کاشیهای مرغوب و کوکبی شکل زمان مغول صورت گرفته در حقیقت مجموعه‌ای نفیس از هنر کاشیکاری زمان مغول را باشکال مختلف نمایان میسازد تنوع نقوش کاشیها با رنگ و لعاب مینائی که بر حواشی آن



نمای زیر گنبد مضرسی و منشوری امامزاده میرمحمد نیز دیدنی و جالب توجه است

با خط نسخ نزدیک به نسعلیق نوشته شده بر جلوه آن می‌آزاید. بسیار جالب توجه است که اکثر نوشته‌های حواشی کاشی‌ها از شاعر گرانمایه قرن هفتم سعدی علیه‌الرحمه است .

و نوشته‌های کاشیها مویذ اینست که در این زمان اشعار سعدی تا چه حد مورد توجه همگان بوده مخصوصاً بر روی یکی از این کاشیها .

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نائی بکف آری و بغفلت مخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف ( . . . . . )

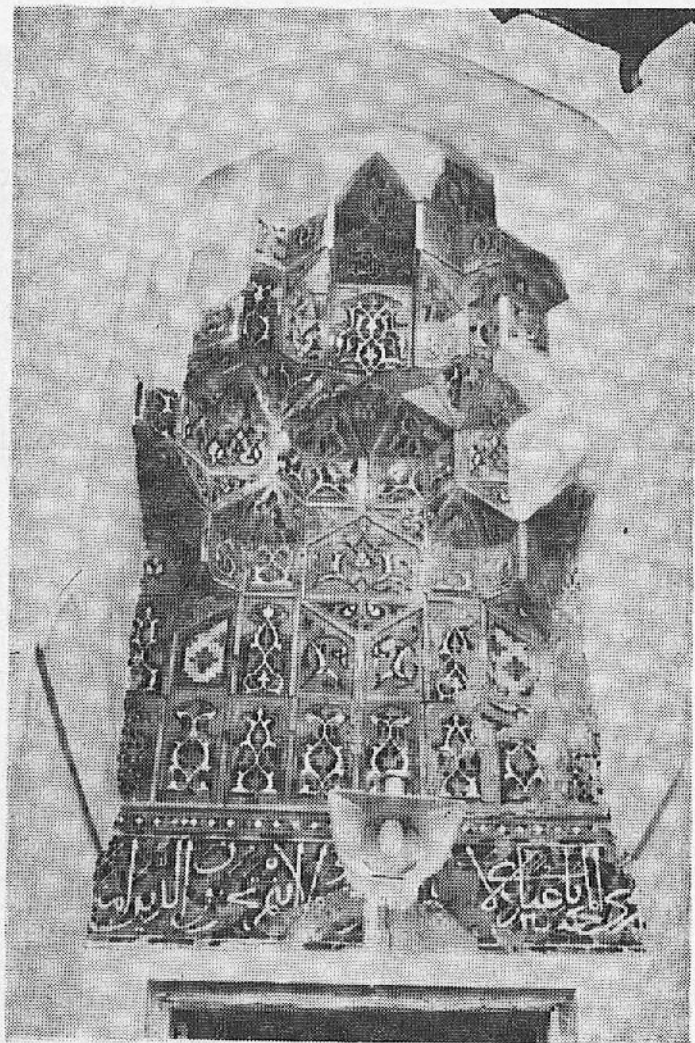
نوشته شده است . و بر روی اکثر کاشیها تاریخ شهر محرم سنه ثمان و ثلثین و سبعمائه ۸۳۸ هجری قید شده است (۱) ولی متأسفانه بعلت ریزش لعاب و جابجا شدن کاشیها و عدم توجه در حفظ و نگهداری آنها همین بقایای تاریخ تزئینات کاشیکاری هم از بین رفته است .

در ابتداء طرز قرار گرفتن و چیدن کاشیها باین شیوه بوده که در بین کاشیهای کوکبی، کاشیهای ساده صلیبی شکل قرار می‌گرفته و جلوه خاصی به این مصلی میداده است هم‌اکنون بطور پراکنده در سطوح جانبی این نمازخانه بقایای جالبی از کاشیها موجود است که همین نمونه مختصر حاکی از اهمیت تزئینات داخلی این بنادر اوایل قرن هفتم و اوائل قرن هشتم هجری است .

حاشیه لچکها و طاقهای اصلی را کاشی‌های بسیار زیبا معرقی که از رنگهای آبی و سفید و فیروزه‌ای رنگ ترکیب شده است زینت داده که دروضع موجود فقط سه جبهه از ۸ جبهه آن باقی است .

کف پوش این مصلی نیز با کاشیهای الوان بکرننگ مغولی از رنگهای آبی و فیروزه‌ای صورت گرفته و کاشیها با ترکیبات کوکبی که در میان آنها کاشیهای

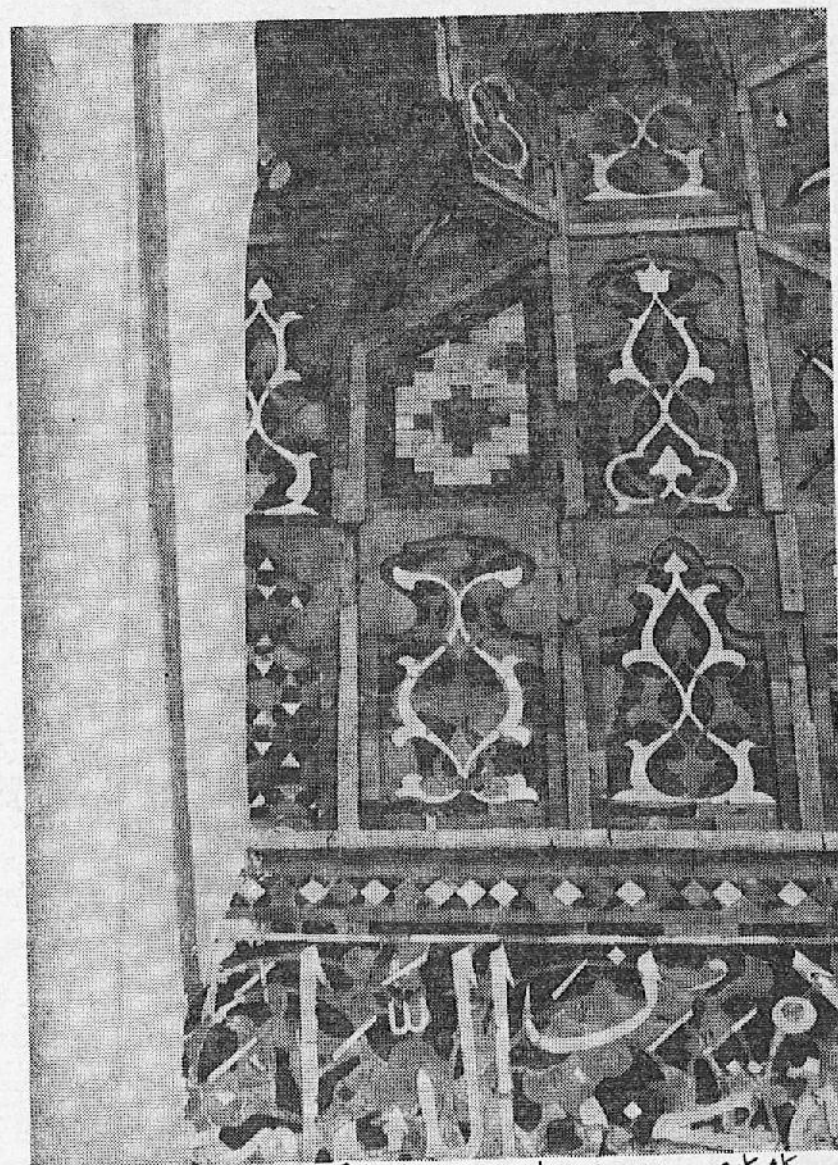
۱- ۷۳۸ هجری مصادف با حکومت قطب‌الدین تهمتن حاکم جزیره هرمز است که جزیره خارک نیز در حوزه حکومت این فرمانروا بوده و احتمالاً احداث مصلی در جلوی آرامگاه با موافقت این حاکم صورت گرفته است .



تزئینات مدخل مصلی میرمحمد که علاوه بر مقرنس‌کاری دارای تزئینات کاشیکاری و یزدی بندی بسبک دوره تیموری یعنی زمان شاهرخ در قرن هشتم می‌باشد و نام و نسب معمارسید علی بن امیرحسین البخاری که احتمالاً از اهالی شرق ایران بوده است دیده میشود و بر بالای مدخل نیز آیه ۶۹ و ۷۰ سوره الزخرف نقش شده است



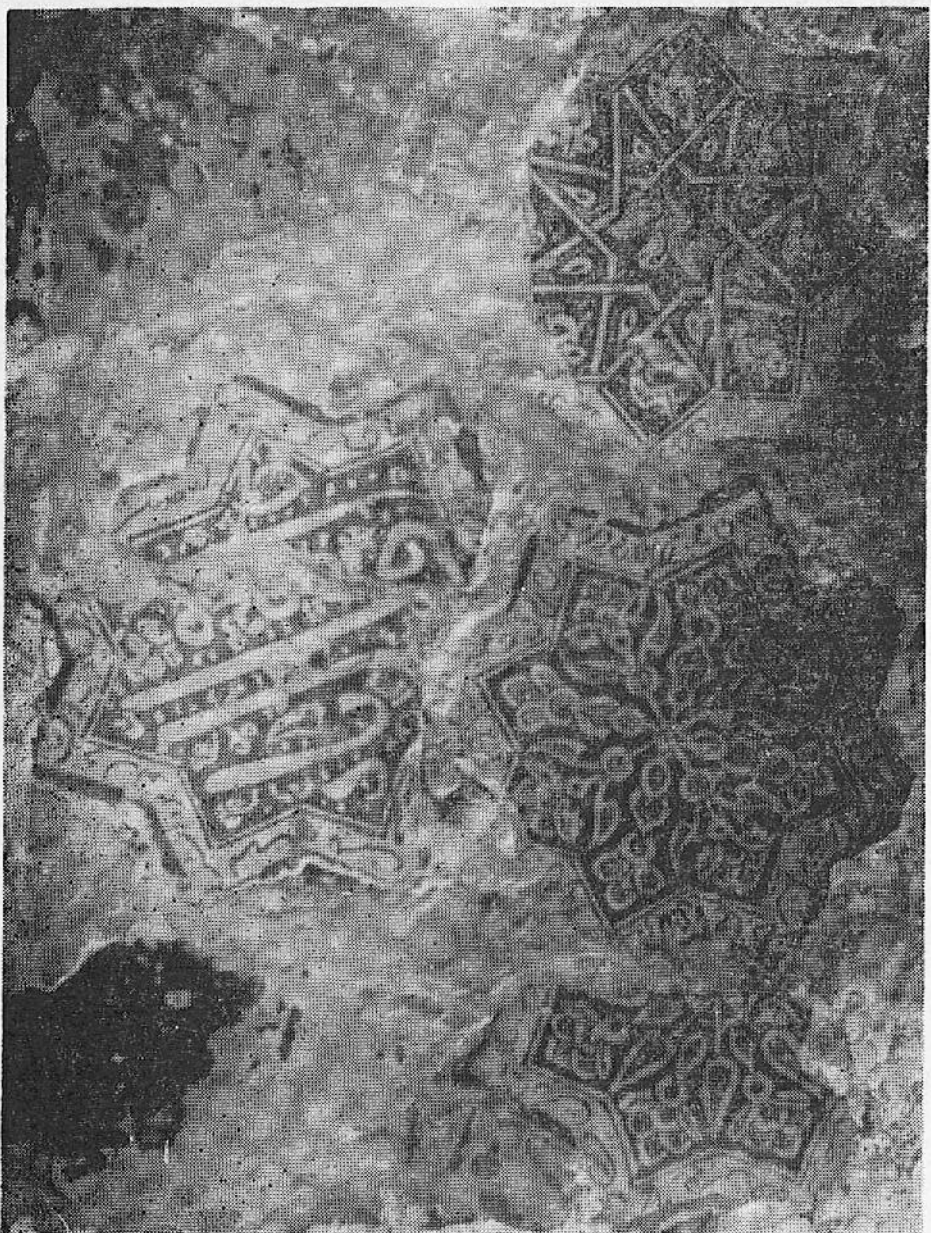
نمونه‌ای از کاشیهای صلیبی و کاشیهای کوکبی شکل ۸ گوش که بمنظور پوشش کف مصلی بکار رفته است



کاشیکاری سردر ورودی مصلی میر محمد از یادگارهای قرن نهم هجری .



علاوه بر تاریخ ساخت کاشی‌ها که اغلب در سال ۷۳۸ هـ نشان میدهد اشعار شیخ اجل سعدی  
بر روی بیشتر کاشیها دیده میشود از آنجمله نوشته کاشی تصویر فوق در وسط که ابرو باد و  
مه خورشید و فلک در کارند الهی آخر نوشته شده است .



بقایای از کاشیهای لعابدار و منقوش و مکتوب مغولی در تزئینات مصلی امامزاده میر محمد

صلیبی شکل قرار میگرفته هم آهنگی و تناسب جالب توجهی در تزئینات بوجود آورده است. در جبهه جنوب شرقی مصلی در هر بدنه یکدر گاهی وجود دارد که قرینه آنها در سایر زوایای بنا دیده میشود و از این سمت بوسیله پلکانی به پشت بام مصلی راه مییابد و در محل پاگرد بطور غلام گردش به پشت گوشواره‌های بنا راه دارد. وسعت مصلی ۷×۷ متر مربع است و محراب آن با استفاده از ایوان شمالی که ضمناً مدخل اصلی امامزاده است استفاده شده و با کاشیکاری زیبا و جالبی که بعداً در این محراب و همچنین در سردر ورودی مصلی بعمل آمده موجب گردید تا تقدس و احترام آرامگاه را کاملاً حفظ نمایند. نوع کاشیکاری این محراب و سردر آن کیفیت تزئینات کاشیکاری محراب که ضمناً ورودی به آرامگاه اصلی میباشد و همچنین مقرنس کاری مدخل مصلی که کار سیدعلی امیرحسین البخاری است با توجه به نوع معرق کاری و سبک تزئینات مشرق ایران انتساب آنرا بقرن نهم هجری قطعی مینماید.

تزئینات کاشیکاری محراب، یا مدخل به آرامگاه باین ترتیب است که در پیشانی مقبره اصلی بر روی لوحه‌ای محراب شکل از کاشی آبی رنگ به بلندی ۷۰ سانتیمتر و پهنا ۴۰ سانتیمتر که حواشی آنرا نوارهای باریکی از کاشیهای فیروزه‌ای رنگ احاطه نموده است بمتن سفید، عبارت صلوات. اللهم صل علی محمد و آل محمد تحریر شده است در زیر این آیه تزئینات اطراف کاشیکاری بطول ۲/۵ متر و پهنا ۲۵ سانتیمتر با نوار باریک کمر بندی از کاشیهای دورنگ آبی و فیروزه‌ای احاطه شده مجموعه تزئینات کاشیکاری ورودی بطور معرق که تمام بدنه اطراف مدخل را پوشانده است جالب توجه مینماید. کیفیت این تزئینات معرق کاری باین شرح است که در قابی به پهنا ۲/۵ متر و طول ۲/۵ متر در زمینه کاشی آبی، گلبرگ‌های حنائی رنگ نوشته شده است سلام الله علی ساکن هذا المشهد امیر المومنین محمد بن امیر المومنین علی علیه السلام

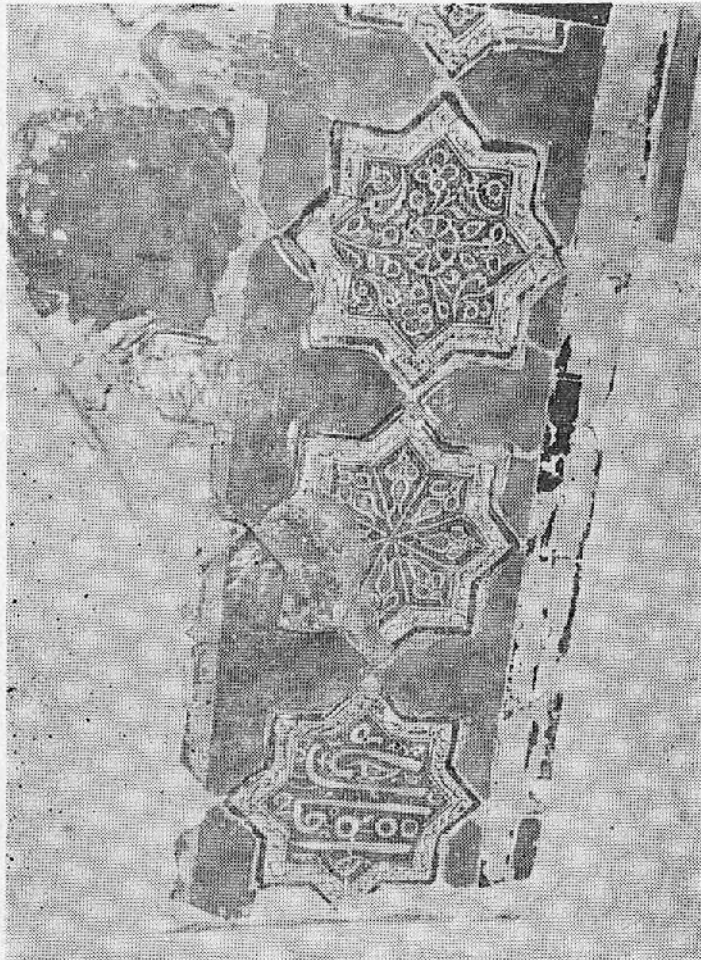


تنهاسنگ قبر خاکستری رنگ که از خارج جزیره حمل شده است و بر روی قبر حاجی محمد ابراهیم اصفهانی نصب شده است تاریخ این سنگ قبر سوم شهر صفر المظفر ۱۱۷۰ میباشد ( اوائل زندیه )

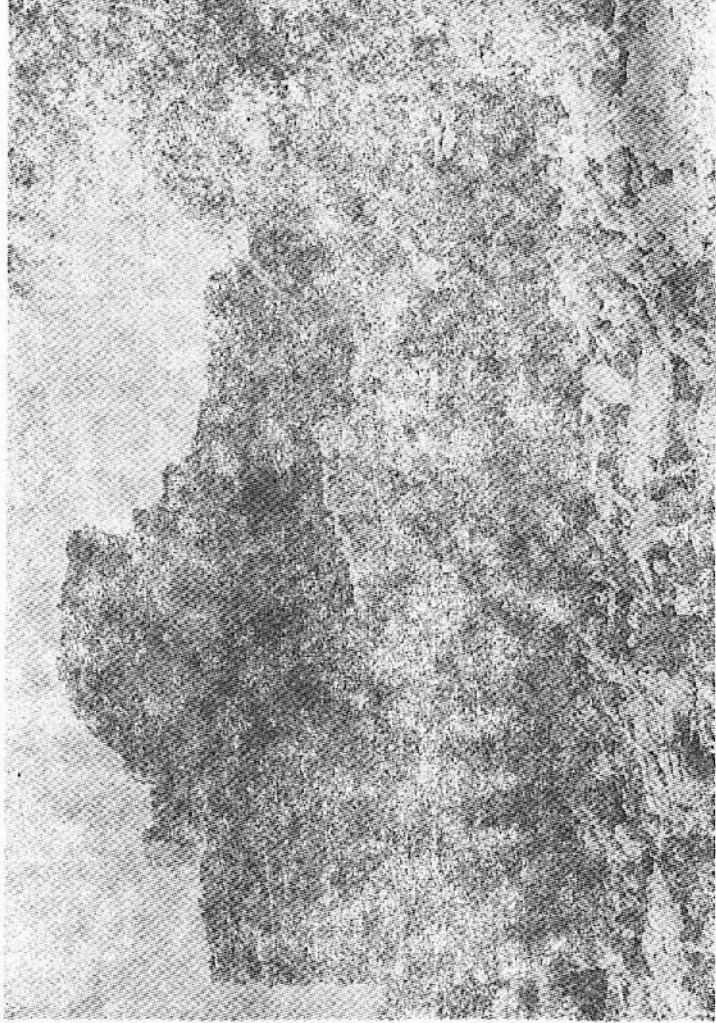
این کتیبه که شاخص مدفن و مقبره اصلی است (۱) درست بالای چهارچوب ورودی به آرامگاه نصب شده است. در جناحین ورودی تزئینات کاشیکاری محرابی شکل مضاعف قرار گرفته و در زیر این تزئینات در سمت راست عبارت لا اله الا الله محمد رسول الله و در قرینه آن در سمت چپ نوشته المصلی یناجی ربه .

در زیر این عبارت سمت راست نوشته شده علی ولی الله عمل سیدعلی . در اینجا ذکری از کتیبه سیدعلی دیده نمیشود و معلوم میگردد که استاد بهمین نام سیدعلی معروفیت داشته است. کتیبه نما سازی و تزئینات کاشیکاری در ورودی آرامگاه در قبابی گلبرگی شکل از کاشیهای معرق ساخته شده است. در دو لنگه چوبی ورودی به مقبره نیز بطور ساده و دارای گلیمهای آهنی است ولی چهارچوب آن دارای منبت کاری بشکل گلبرگی محاط در دایره است. متأسفانه رنگهای فیلسی رنگ که با اکلیل نقره ای بر روی این در اخیراً زده شده است قیافه اصلی و هنر منبت کاری آن را کاملاً مخفی نموده طاقنمای سردر ورودی این نمازخانه علاوه بر مقرنسکاری کاشیهای الوان و طرح گل و بوته تزئین شده است و در قسمت فوقانی در یک مقرنسکاری جالب توجه نوشته شده است عمل سیدعلی بن امیر حسین البخاری ولی در عین حال نباید از نظر دور داشت که سیدعلی معمار اصلی و اولیه بنا نیست بلکه معماری است که در زمان شاهرخ نسبت به تعمیرات و کاشیکاریهای نمازخانه اقدام نموده است و این مطلب از نوع کاشیهای معرق و طرحهای اسلیمی آن که از نوع کاشیهای زمان تیموری است استنباط میشود و نام سیدعلی در بین تزئینات محراب مصلی یا ورودی به آرامگاه دیده میشود و همچنین در قباب کاشیکاری سردر نمازخانه که با خط ثلث بصراحت قید

۱- در مورد اصالت این آرامگاه عده ای مشکوک اند و از آن جمله است یا قوت حموی که انتساب این مقبره را به محمد بن حنفیه رد کرده است. محمد بن حنفیه فرزند علی علیه السلام و یکی از مفاخر شیعیان جهانست. در زمان عمر متولد شد و ۶۵ سال عمر کرد ولی در مورد مقبره او اختلاف آراء وجود دارد بقولی مقبره وی در مکه و بقولی در مدینه و بقولی در قبرستان بقیع است کبینه این امام را بنا بتوصیه حضرت رسول (ص) ابوالقاسم نوشته اند و بر همین منوال است معروفیت او به نسبت مادری یعنی حنفیه. کسانی که قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند در مورد وی معتقدند که بدره رضوی شده و تا کنون خبری از او نرسیده است.

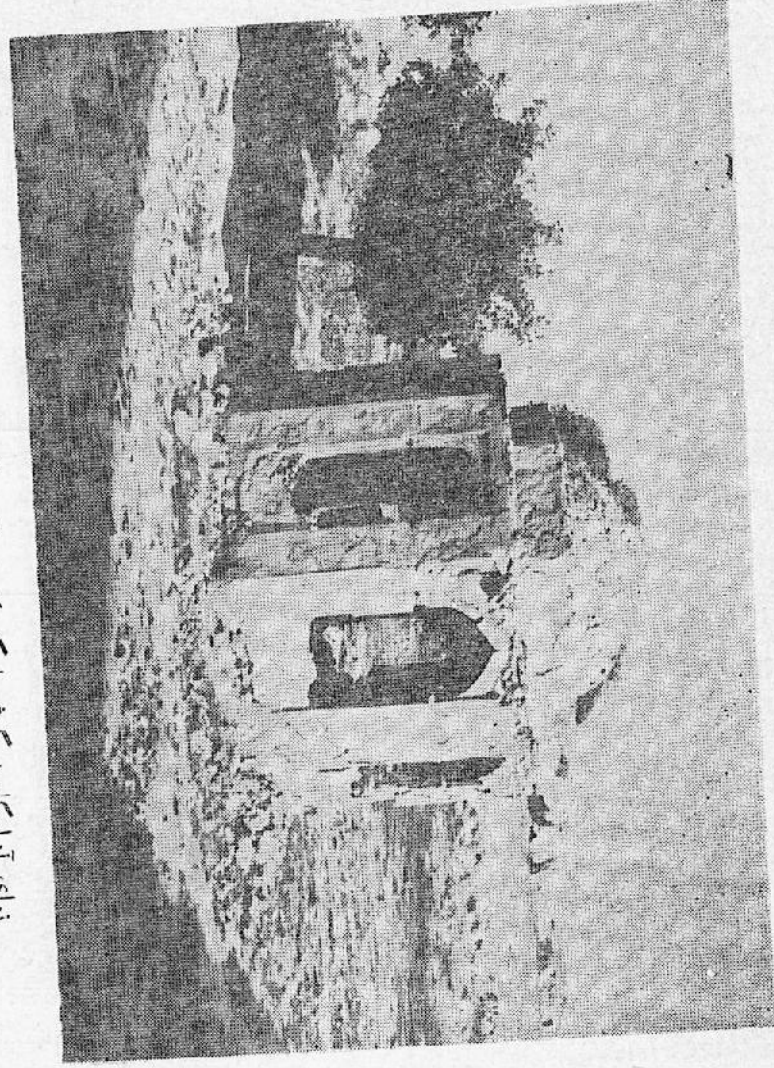


نمونه‌ای از کاشیهای کوکبی شکل منقوش بر روی بدنه مصلی میر محمد



آرامگاه مخرب معروف به محمد بن ابی بکر که مورد تقدس سنیان جزیره بود است. این آرامگاه فاصله یک کیلومتری شرق امامزاده میر محمد قرار گرفته و در جبهه غربی آن دارای حجرایی است. محمد ابراهیم نادری کازرونی در مورد آرامگاه محمد ابی بکر می نویسد اگر چه در زیر این گنبد صورت قبری هست از آنجا که آن یکانه بزرگوار با اشاره معاد یا معاویه علیه اللعنه غدار در مصر شربت شهادت چشیده بحر چنان جاودانی شناخت

بهای آرامگاه ۸۰۰ گروش یا گنبد کم خیز کی در آن بقایای دو قبر وجود دارد



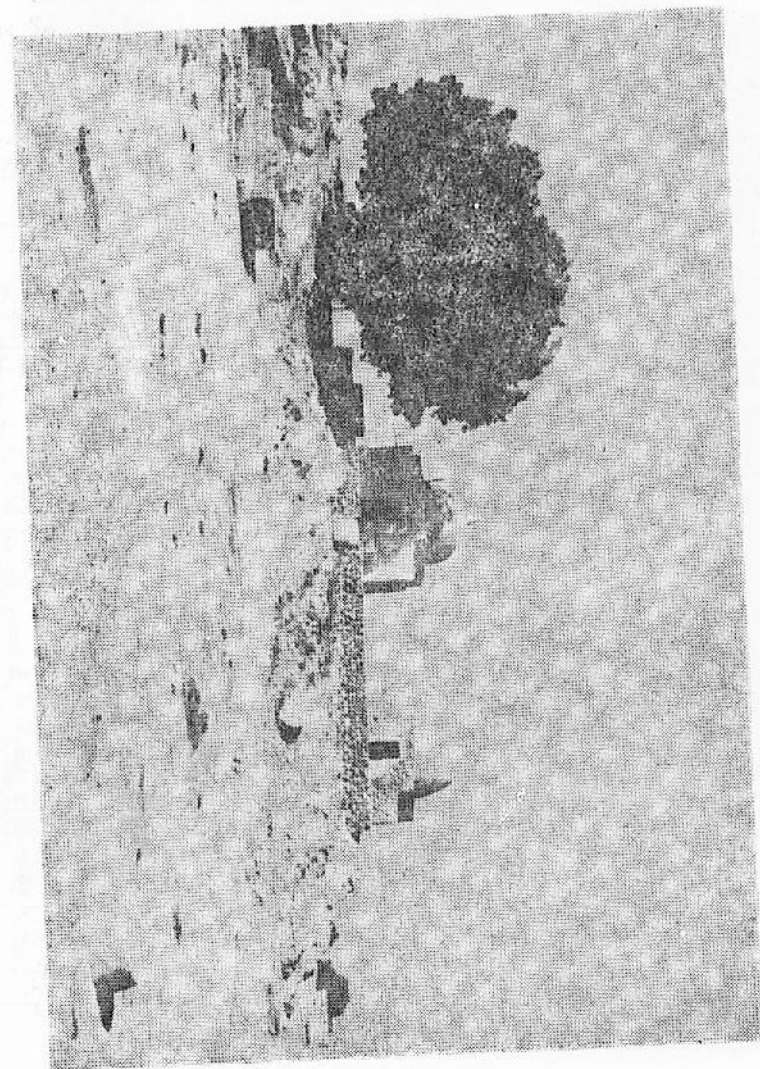
شده است عمل سید علی بن امیر حسین البخاری. بنا بر این نوع کاشیکاری سردر ورودی با کاشیکاری تزئینی محراب قابل مقایسه و در یک زمان توسط استاد علی معمار انجام شده است.

در زیر زدی بندی سردر، و بالای ورودی آیات ۶۹ و ۷۰ سوره ۴۳ انوح حرف از قرآن کریم به این شرح: یا عباد لا خوف علیکم الیوم ولا انتم تحزنون الذین آمنوا بایاتنا وکانوا مسلمین نوشته شده است که متاسفانه بعلمت ریزش حروف و گچمالی روی آن چندان خوانا نیست. اطراف آرامگاه و مصلی میر محمد را حیاطی وسیع فرا گرفته و در جبهه شرقی آن رو بروی مدخل معبری کوچکه مانند که دارای دیواره‌هایی به بلندی نیم متر و پهنای ۲ متر و بطول ۵۰ متر میباشد احداث نموده‌اند و ایجاد این کوچه با دیواره بیشتر بعلمت مسیلی است که در این جبهه از معبر امامزاده وجود داشته و عبور و مرور را مشکل مینموده است و برای سهولت رفت و آمد اقدام بساختن چنین گذرگاهی شده است و در اوائل و اواسط این کوچه دو دروازه ساخته شده که اولی برای ورود و دومی باخواجه نشین‌هایی که دارد محل نگهبانی بوده. در جلوی کوچه و مقابل آرامگاه میر محمد بنائاتی چهار گوش بناگنبدی نیم خیز که درون آن بصورت چهار ایوانی است وجود دارد و از نظر اسلوب معماری منتسب بزمان مؤخرتری است و بمنظور استراحت زائرین و پخت و پز آنها بوجود آمده و بنام آشپزخانه معروف شده است و هم اکنون نیز مراسم پخت و پز زائرین در این مکان صورت میگیرد. در اطراف آرامگاه قبرستانهای جدید و قدیمی دیده میشود که اهم آنها آرامگاهی ۸ ضلعی که درون آن دو قبر وجود دارد که یکی دارای کتیبه ایست به این مضمون.

ای خاک تیره عزت مهمان نگاهدار

کاین نور چشم ماست که در بر گرفته (ای)

وفات مرحمت بنده خلد آرامگاه حاجی محمد ابراهیم اصفهانی بتاریخ ۳ شهر صفر المظفر ۱۱۷۰ که نوع سنگ آن سنگ خاکستری رنگی است که از خارج جزیره حمل شده است ولی سنگ قبر دیگر که بهمان اندازه سنگ قبر کتیبه دار است از نوع سنگهای محلی و ساده است با وجودیکه قبر حاج محمد ابراهیم اصفهانی



تصویر دو بقعه مورد احترام قریه تقیستان جزیره خاک بزم علمدار



آرامگاه معروف خضر در دامنه ارتفاعات خضر در خارک

خضرو الیاس هر دو در افسانه‌های ایران مشهورند اما آنچه به آندو منسوبست آنستکه خضر زنده جاوید و موکل دریاها است و الیاس نیز خدمتگزار اوست و هر گاه در دریا سید کم شود و یا خطری در دریا پیش آید ماهیگیران در بقاع خضرو الیاس نذر و نیاز میکنند و زنان دخیل می‌بندند.

نقل از صفحه ۵۷۰ کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان  
تالیف دانشمند محترم آقای احمد اقتداری.

کاملاً در مرکز این آرامگاه است و لسی کیفیت بنای آرامگاه بصورت ۸ ضلعی و از نظر سبک ساختمانی مانند بناهای دوره مغولی است که احتمال دارد در سال ۱۱۷۰ مورد استفاده دفن حاجی محمد ابراهیم اصفهانی هم قرار گرفته باشد.

این آرامگاه کوچک دارای گنبدی است که از داخل آن بصورت ۸ ضلعی ترک دار که با گچ قالب گیری شده و بعلت زلزله یا مرور زمان که تکان خورده است فواصل قالب گیریها درز پیدا نموده و جلوه خاصی پیدا کرده که شبیه کاسبرگ یا گل رز هشت پری بنظر میرسد.

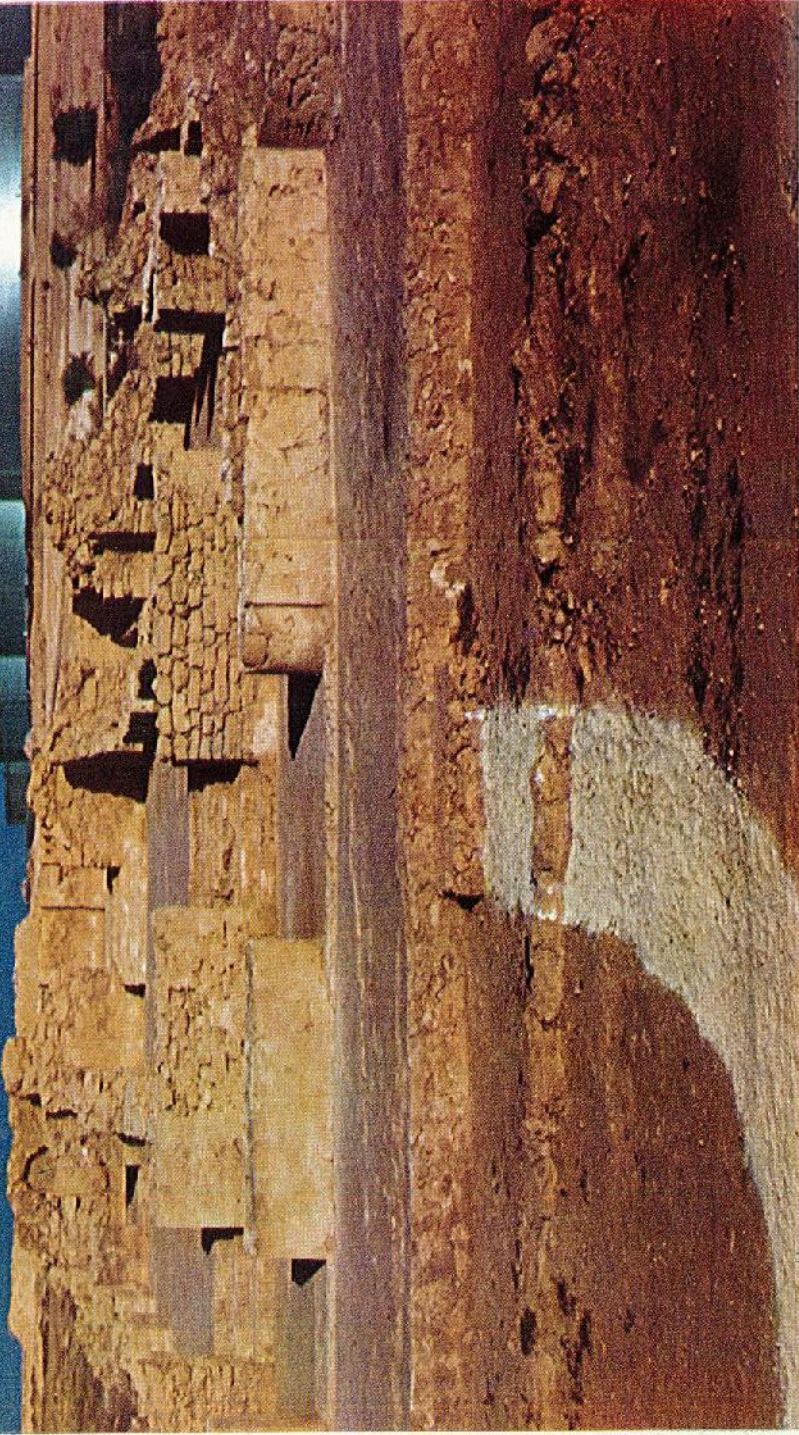
✓ بطور کلی از مطالعه و تحقیقاتی که در جزیره خارک بعمل آمده است چنین استنباط میشود که این جزیره از هزاره اول ق م مورد توجه و سکونت واقع شده (۱) و برای اولین بار مردم سرزمین ایران در این مکان دارای پایگاهی شده‌اند و سپس در زمان اشکانیان سوداگران پالمیری بصورت رابط و واسطه تجاری شرق و غرب در این جزیره اقامت کرده‌اند.

در زمان ساسانیان جزیره خارک اهمیت خود را حفظ کرده و تا اواخر این دوره مورد توجه و بهره برداری زردشتیان و مسیحیان ایرانی بوده است. در تمام دوره اسلامی نیز جزیره خارک بصورت سرزمینی مقدس و بسا اهمیت مورد توجه بوده و بقعه میر محمد خارک توجه ساحل نشینان خلیج فارس و حتی شیعیان پاکستان و هندوستان را بخود معطوف داشته است.

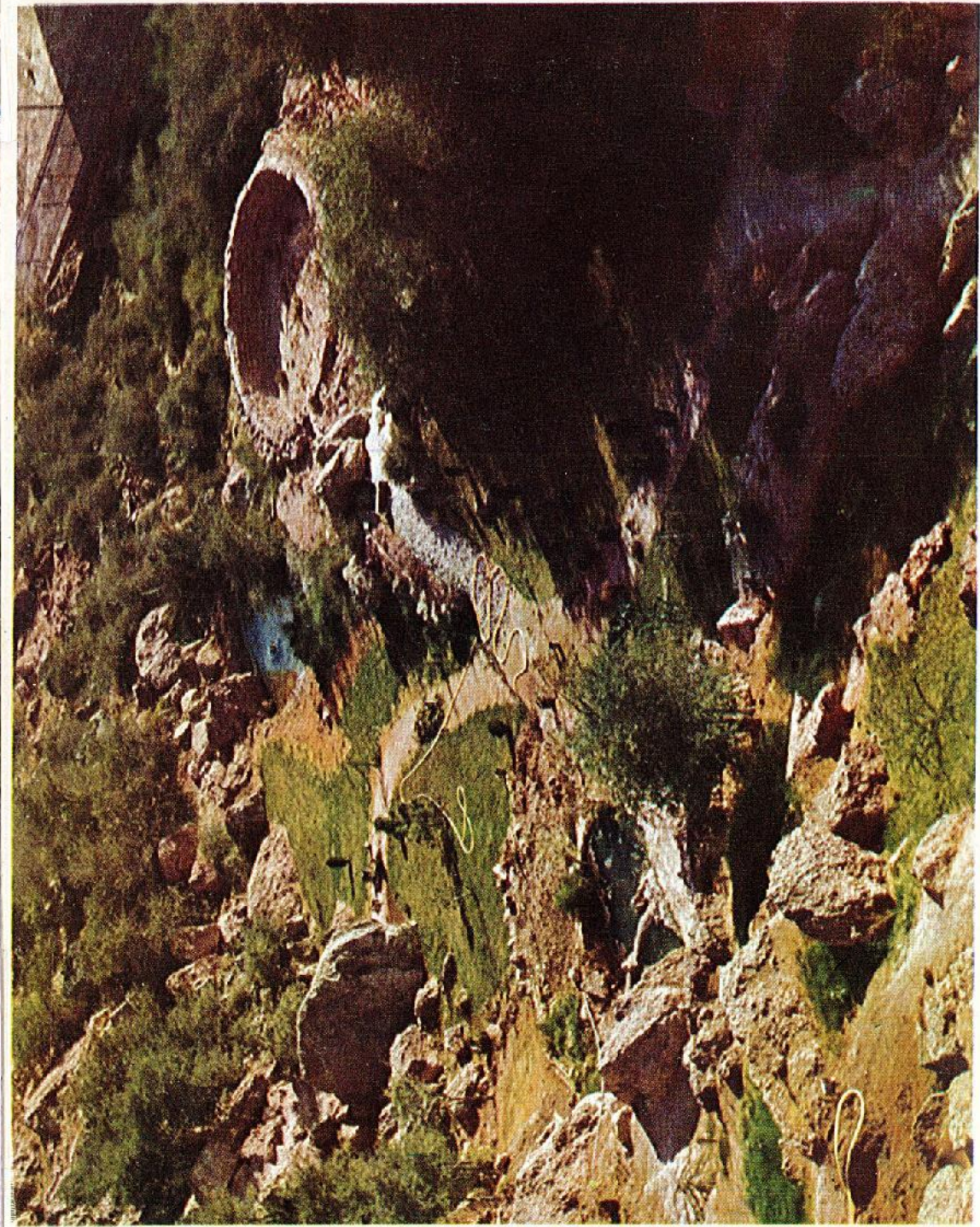
و هنگامیکه پرتغالیها و هلندیها در این جزیره رحل اقامت می‌افکنند جزیره خارک بصورت یک پایگاه رابط مورد استفاده قرار میگیرد، ولی جزیره خارک در طول تمام دوره اقامت و اشغال خود هرگز توفیقی را که امروزه نصیب آن شده است نداشته و دوره درخشان و طلائی جزیره خارک را باید در نیمه آخر قرن بیستم یعنی عصر حاضر دانست. عصر پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

۱- استاد دانشمند دکتر سیف‌الدین قائم مقامی در این جزیره بقایای عصر حجر را مورد مطالعه و پژوهش قرار داده‌اند.

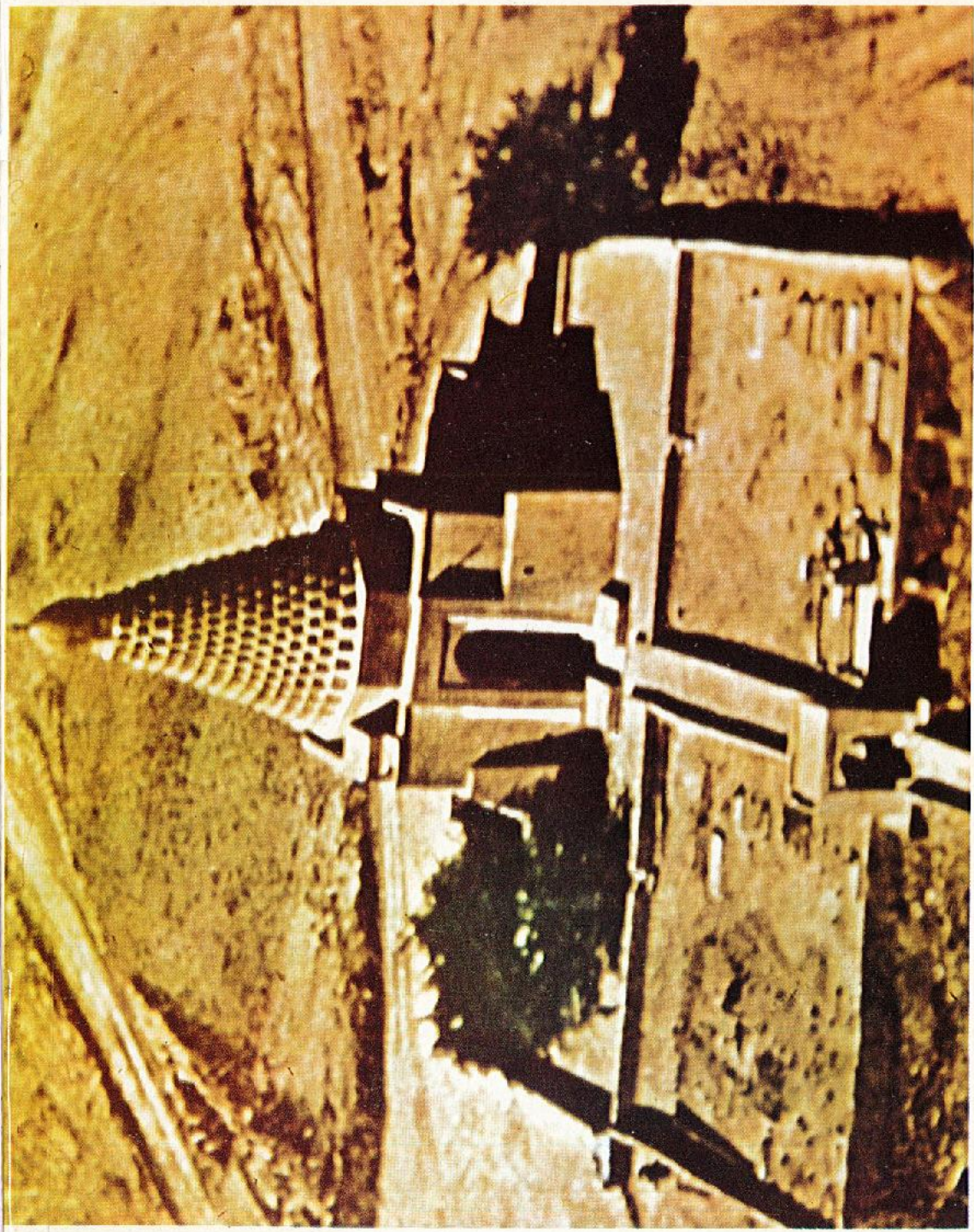
منظره کلی کلیسای نسطوری جزیره خارک از بقایای قرن ۶ و ۵ میلادی



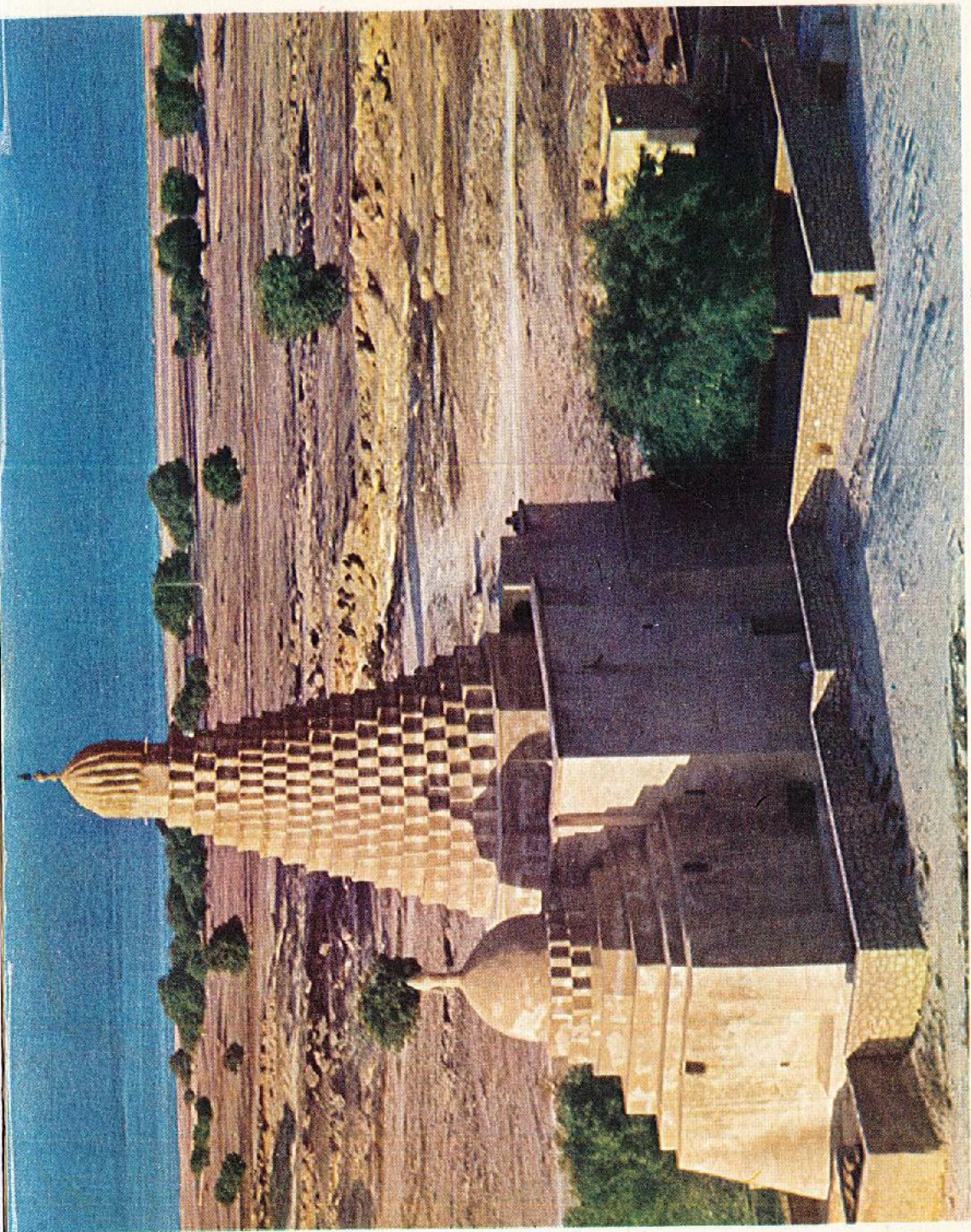
Handwritten text in Persian script, likely a historical or archaeological account related to the church ruins. The text is written in a cursive style and covers most of the right page.



منظرها غنشاها کرک که اخیراً "پوجود آمد است و در میان آن استخر قدیمی دوره ساسانی نمایان است



نمای عمومی از مگانه میر محمد در خارک



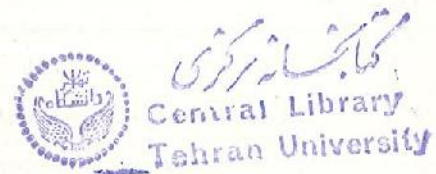
آرامگاه محمد در خاکی از بناهای قرن بیستم هجری (منظره مصلی و آرامگاه)

## فهرست منابع کتاب راهنمای جزیره خارک

کتاب شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس

تألیف آقای احمد اقتداری

» »	کتاب خلیج فارس
» »	د شیخ نشینهای خلیج فارس
» »	د اقلیم پارس
» »	د تمدن ساسانی
» »	د جزیره خارک
» »	د تخت سلیمان
» »	د خلیج فارس
» »	د باستانشناسی ایران باستان
» »	د تاریخ تمدن ساسانی
» »	د هنر ایران
» »	د مقاله برازجان
» »	د جزیره خارک
» »	د مقاله فیلد کویت
» »	د تاریخ ایلام
» »	د گزارش حفاری تپه یحیی
» »	د گزارش حفاری شهر سوخته
» »	د گزارش حفاری شهداد
» »	د سرزمین خلافت‌های شرقی
» »	د جزیره خارک در تیم خلیج
» »	د سر آرتولد نلسن
» »	د پیروز مجتهدزاده
» »	د سید محمد تقی مصطفوی
» »	د پروفیسور لو کونین
» »	د پروفیسور گریشمن
» »	د علی اکبر سرفراز
» »	د احمد فرامرزی
» »	د پروفیسور اندنبرک
» »	د علی سامی
» »	د آندره گدار
» »	د علی اکبر سرفراز
» »	د مجله شرکت ملی نفت ایران
» »	د مجله هنر و مردم
» »	د پروفیسور پیر آمیه
» »	د ترجمه خانم دکتر بیانی
» »	د پروفیسور کارلوسکی
» »	د دکتر تیزی
» »	د مهندس علی حاکمی
» »	د ترجمه آقای محمود عرفان
» »	د دانشمند فقید جلال آل احمد



تفنگ منزل حضرت صاحبزاده  
 موعده تحویل ۱۳۴۳ ۳۱۷ - ۵۹۱۱

۱۳۴۹ / ۱۲ / ۲۸	۱۳۲۵ / ۱۸ / ۱۰
۱۳۴۹ / ۱۲ / ۱۸	۱۳۲۶ / ۲ / ۲
۱۳۴۹ / ۱۰ / ۷	۱۳۲۶ / ۱۹ / ۲۳
۱۳۴۹ / ۱۱ / ۸	۱۳۲۶ / ۱۱ / ۲۵
۱۳۲۶ / ۱۲ / ۳۰	۱۳۲۷ / ۱۱ / ۵

غلامنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۷	خایخ	خلیج
۳	۱۹	مورت	مورخ
۴	۲۴	سوابن	سوابق
۶	۱۹	استفاد	استفاده
۱۰	۸	این حوقل	این حوقل
۲۶		عکس وارونه چاپ شده است	
۶۶	۱۱	ویک وروی	ویک وورودی
۷۸	۱	اشکفت	شکفت
۹۰	۹	اتیکا	اتکاء
۹۵	۶	طبیعت وانسانی	طبیعت انسانی
۹۸	۲۵	اختراز	احتراز
۹۹	۱۶	اقسف	اسقف
۹۹	۲۲	اکثویت	اکثریت
۱۰۲	۱۱	تارهای	تالارهای
۱۱۴	۱	متعلق در بانی	متعلق به در بانی
۱۲۱	۲۳	محاوظ	ملحوظ
۱۵۴	زیر عکس	قرن بیستم هجری	قرن هشتم هجری
۱۵۴	۱۶	فیلد کویت	فیلکه کویت

بها ۱۵۰ ریال

RF  
05325  
X352



10007500084996

کتابخانه مرکزی دانشگاه